

# نبرد خلق

کارگران همه کشورها  
متحد شوید

این شماره نبرد خلق، در ۲۰ صفحه انتشار می یابد که ۴ صفحه اضافه بر شماره های قبل ویژه اول ماه مه، روز جهانی کارگر است.

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک  
NABARD - E - KHALGH No 180. 21 May 2000

شماره ۱۸۰ دوره چهارم سال شانزدهم - اول خرداد ۱۳۷۹  
\$ 1 , 2 DM , 7 Fr

## یادداشت سیاسی

— مهدی سامع  
سخنرانی سید علی خامنه ای در نماز جمعه روز ۲۳ اردیبهشت، بیش از آن که سخنان یک رهبر و مدیر سیاسی که می تواند با برنامه ریزی سیاسی کلان امور حکومت را مدیریت کند و بر بحرانها و چالشها غلبه نماید باشد، حرفهای عوامفریبانه فردی است که بیش از همه مورد تنفر و انزجار مردم ایران است و به خاطر درک همین تنفر و انزجار و به خاطر حفظ ولایت ارتجاعی اش هر روز به نوعی شمشیر می کشد و وا اسلاما سر می دهد. خامنه ای به دو جناح حکومتی می گوید: «این دو جناحی که در داخل نظام قرار دارند، مرزهای جدیدی را تعریف کنند. اولاً مرز بین خودشان رو کمرنگ کنند. از طرف دیگر مرزشان با اون بیگانه ها رو آشکارتر کنند، واضح تر کنند.»

خامنه ای نسبت به خطری که «اسلام» و «ارکان» نظام را تهدید می کنند هشدار داد. و با بی اهمیت جلوه دادن نهادهایی مثل مجلس و ریاست جمهوری و تاکید بر موقعیت «ولی فقیه» در کل «نظام» کوشش کرد تا با حیل گری عقب نشینی از اهدافی که در پشت سخنرانی روز ۲۶ فروردین وجود داشت را توجیه کند. خامنه ای و سپاه پاسداران تحت امر او بنا به دلایلی که ما بارها به آن اشاره کرده ایم ناتوان تر از آنند که بتوانند یک پروژه کلان سیاسی را علیه جناح رقیب اجرا کنند. گرچه به نظر می رسد سخنرانی ۲۶ فروردین خامنه ای و اطلاعاتیه ۲۸ فروردین سپاه پاسداران و اقداماتی که روز ۴ اردیبهشت دادگستری تهران علیه مطبوعات طرفدار جبهه دوم خرداد انجام داد یک سیاست کلان علیه جناح خاتمی و جبهه دوم خرداد است. ولی سخنرانی روز ۲۳ اردیبهشت خامنه ای نشان داد که او فاقد توانایی برای اجرای این سیاست است. کسانی که حرکتهای لحظه ای خامنه ای را با واژه «کودتا» توضیح می دهند، در حقیقت هنوز درک نکرده اند که آن عواملی که منجر به پیدایش دوم خرداد سال ۱۳۷۶ شد، نه فقط تضعیف نشده، بلکه شدت و حدت بیشتری پیدا کرده است و این ادعا که شرایط جامعه ایران هرگز به قبل از ۲ خرداد سال ۱۳۷۶ بر نمی گردد، نه یک ترفند تبلیغاتی، بلکه یک نتیجه گیری صحیح از تحلیل شرایط عینی و ذهنی که منجر به رویداد دوم خرداد سال ۱۳۷۶ شد می باشد.

بقیه در صفحه ۲

## روز جهانی آزادی مطبوعات

در صفحه ۳

## تروریست و خشونت طلب کیست؟

در صفحه ۲

## با حکومت و با مردم یا

## با حکومت علیه مردم؟

در صفحه ۱۲ و ۱۳

## زنان —

— زنان و مسیر رهایی  
— ناموس ارتجاع مردسالار  
خداشه دار شده است

در صفحه ۴

## یادداشت و گزارش

در صفحه ۵ و ۶

## آلمان —

— بزرگداشت روز جهانی زندانیان سیاسی (۱۸ مارس)  
— شرکت در جشن سال نو  
— عفو بین الملل در دفاع از حقوق بشر

در صفحه ۵

## پینوشه و تاچر دو روی یک سکه

در صفحه ۸

## در گوشه و کنار جهان

در صفحه ۱۷

## ادبیات ایران در هزاره دوم

در صفحه ۱۸

## صفحات ویژه اول ماه مه

## روز جهانی کارگر

— اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه روز جهانی کارگر  
— ایران — سرکوب، فشار به جای جشن اول ماه مه  
— اخبار انجمنهای سازمان به مناسبت روز کارگر  
— اخبار کارگری

در صفحه های ۹ تا ۱۲

## عملیات مجاهدان شهید، عبدالکریم محمودی — حمید رضا لشکری و عملیات دانشگاه رازی

## خمپاره باران ستاد فرماندهی نیروهای انتظامی رژیم آخوندی

صفحه ۲۰

## جنگ به خاطر صلح

در صفحه ۱۸

## هموطنان یهودی و تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند

در صفحه ۲

## یک گزارش تکان دهنده از چالشهای شدید اجتماعی در ایران

در صفحه ۱۰

## اطلاعیه اردوگاه مردمی علیه جهان گرایی امپریالیسم

— اخبار دانشجویی —

— ربودن دو دانشجو

— ضرب و شتم یک دختر دانشجو

در صفحه ۲۰

## اجلاس صندوق بین المللی پول و بانک جهانی

در واشنگتن دی سی

## جنبش جهانی علیه چپاول زحمتکشان ادامه دارد

## گزارش عینی از تظاهرات در واشنگتن

در صفحه های ۱۵ و ۱۶

سرتگون باد رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

خامنه ای در سخنرانی روز ۲۳ اردیبهشت با اعلام این که دو جناح مثل دو بال یک پرنده هستند، عملاً وجود جناح مقابل و نقیصی که از آن ناشی می شود را به رسمیت شناخت و بدین ترتیب امکان باطل اعلام کردن انتخابات تهران را عملاً از بین برد و برای عوامل و ایادی او در شورای نگهبان راهی جز مذاکره برای به کرسی نشاندن بعضی خواسته ها باقی نماند.

شورای نگهبان تحت امر خامنه ای برای این که به ننگ «سازش» تن ندهد، در نامه ۲۹ اردیبهشت خود به خامنه ای ضمن آن که اعلام نمود «شورای نگهبان نمی تواند صحت انتخابات تهران را تایید کند» از خامنه ای «تقاضای راهنمایی» می کند. خامنه ای که هم «خر» را می خواهد و هم «پالان» او را یک امتیاز به شورای نگهبان می دهد و یک امتیاز هم به ۲ خردادپهلو و به شورای نگهبان دستور می دهد که با «ابطال» صندوقهای «مخدوش»، نتایج قطعی انتخابات تهران اعلام شود. این موضع خامنه ای مسلماً نمی تواند موجب ناراضی شورای نگهبان و از آن مهمتر «جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروههای همسو» نشود. این گونه که از اعلام نظر شورای نگهبان در روز شنبه ۳۰ اردیبهشت می توان فهمید این است که شورای نگهبان فقط توانسته رفسنجانی در ردیف بیستم و حداد عادل را در ته لیست ۲۸ نفری که تایید کرده جاسازی کند. سرنوشت جمهوری اسلامی به جایی رسیده که «سران» هر لحظه به «پشتیبانان» خیانت میکنند. رفسنجانی پشت کرباسچی را خالی می کند، خاتمی در مقابل زندانی شدن عیدالله نوری و بستن روزنامههایش در مقابل قوه قضائیه کرنش می کند و خامنه ای برای نیاختن قافیه دست رد بر سینه «جمعیت مؤتلفه اسلامی» می زند.

اعلام نظر خامنه ای که به تایید نتیجه «انتخابات» تهران منجر شد، هم چنین مشقت محکمی بود بر دهان کسانی که هنوز خود را پیرو شعار «حزب الله می میرد،

سازش نمی پذیرد» می دانند. در حقیقت هنگامی که ۱۲ سال قبل خمینی «جام زهر» را نوشید و خامنه ای سه سال قبل «ته مانده» آن جام را لیسید، این شمار تبدیل به شمار پوچ و بی محتوا شد. از مرده ریختن آن شمار چیزی باقی نمانده که بتواند برای طرفداران خامنه ای مثل جمعیت مؤتلفه اسلامی، «سرمایه‌ای» به حساب آید. بر عکس آن چه می ماند این است که دسته بندیهای درون نظام ولایت فقیه چگونگی و به چه شکل «هزینه» آن نوشیدن زهر را میان خود تقسیم کنند و آیا خامنه ای به مثابه «عمود خیمه نظام» می تواند با این «سازش» و سپردن مجلس ارتجاع به جناح رقیب (علیرغم اعلام سرسپردگی اینان به خامنه ای) بر شکافها و گسستگیهایی که در درون ولایت ارتجاعی اش به وجود آمده غلبه کند. پاسخ ما این است که او تحت هیچ عنوان نمی تواند بر این وضعیت بحرانی غلبه کند. این ناتوانی نه به علت وجود «۲ خردادپهلو» آن گونه که فرصت طلبان و سازشکاران می پندارند، بلکه به علت انکشاف مبارزه اجتماعی مردم و وجودمقاومت سازمان یافته و بلوغ «شرایط انقلابی» و یا «دوران سرنگونی» است.

اگر خامنه ای و آنان که می خواهند در ولایت او ذوب شوند نمی توانند شرایط را به قبل بازگردانند، خاتمی به طور خاص و ۲ خردادپهلو به طور عام نیز نمی توانند راهی برای نجات از مردابی که در آن فرو می روند پیدا کنند. خاتمی و ۲ خردادپهلو طی هفته های گذشته برای در اختیار گرفتن اکثریت مجلس ششم به هر دلتی تن دادند. اکنون که اینان به مراد می گیرند که همواره اتوریته شورای نگهبان بالای سرشان است. اگر بگوییم مجلس ششم از هم اکنون به نهادی سترون تبدیل شده، گزاف نگفته ایم. از این امام زاده نیز هیچ معجزه ای آفریده نخواهد شد. ساختار واقعی و حقوقی رژیم ولایت فقیه، امکان هر گونه رفرم سیاسی جدی از درون آن را غیر ممکن ساخته است. خاتمی و دارو دسته ۲ خردادپهلو هیچگاه رفرمیست و اصلاح طلب واقعی نبوده اند و بنا بر این وجود آنان برای ولایت خامنه ای نتیجه ای جز تشدید و تعمیق بحران و تثبیت بن بست نخواهد بود.

اگر کسی و جریانی بخواهد در ایران رفرم و اصلاح به وجود آورد، نمی تواند با «الزام» به قانون اساسی رژیم به هدف خود دست یابد. ولایت فقیه و تمامی نهادها، ارگانها و باندهای تابع آن، سد راه تکامل جامعه ایران می باشند. کسانی که مدعی اصلاح طلبی بوده و از طرفی از مبارزه «قانونی» دفاع می کنند، یا کوندی سیاسی خود را به نمایش می گذارند و یا عوامفریبانی هستند که می خواهند از نمود ولایت ننگین خامنه ای برای خود کلاهی دست و پا کنند. راه نجات مردم ایران از شرایطی که بدان دچار شده اند، مبارزه متحد و یک پارچه برای سرنگونی رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته بندیهای درونی آن است.

mehdi\_samee@yahoo.com

## هموطنان یهودی و

## تمامی زندانیان

## سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند

این روزها بی دادگاههای رژیم استبدادی و مذهبی حاکم بر کشور ما، ۱۳ تن از هموطنان ما را محاکمه می کند. این محاکمه در شرایطی صورت می گیرد که بسیاری از روزنامه های طرفدار جبهه دوم خرداد توقیف شده، تنی چند از ایرانیان که در کنفرانس برلین شرکت کرده بودند دستگیر شده اند و بسیاری از دانشجویان دستگیر شده تحت ضد انسانی ترین شرایط در زندانهای جمهوری اسلامی به سر می برند. تنی چند از ایرانیانی که در شیراز محاکمه می شوند با شکنجه مجبور به اعتراف علیه خود و به نفع تبلیغات نظام رژیم شده اند. در این تردیدی نیست که اعترافهای کسانی که در شیراز محاکمه می شوند، به وسیله شکنجه گرفته شده است. حسین علی امیری رئیس کل دادگستری استان فارس امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی در واکنش به فشار افکار عمومی بین المللی مژورانه به نمایش مسخره اعترافهای تلویزیونی دستگیرشدگان اشاره کرد. گرفتن اعتراف به وسیله شکنجه و صحنه سازیهای مضحک تلویزیونی از شیوه های رایج و البته ضد انسانی در رژیم جمهوری اسلامی است.

سازمان چرکهای فدای خلق ایران محاکمه ۱۳ تن از هموطنان یهودی و دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین را شدیداً محکوم می کند.

ما خواستار برخورد قاطع مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر با رژیم ایران هستیم. خواست یک «دادگاه عادلانه» از رژیم استبدادی و مذهبی حاکم بر ایران، یک خواست غیر واقعی و فریبنده است. همه ی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. فشار یک پارچه مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و شورای امنیت ملل متحد، رژیم ایران را مسلماً به عقب نشینی وادار خواهد کرد.

سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۹

## فشار بین المللی و

## عقب نشینیهای رژیم

رژیم ایران به علت فشار بین المللی در رابطه با محاکمه ۱۳ تن از ایرانیان یهودی دست به عقب نشینیهایی زد. دیروز (۲۶ اردیبهشت) دو تن از وکلای عضو سازمان فرانسوی «وکلا بدون مرز» توانستند در شیراز با یهودیان زندانی و وکلای آنان ملاقات کنند. هم زمان با مسافرت آقایان پیردوماگ و استفان زریب، به شیراز، رئیس کل دادگستری استان فارس دیروز در پایان جلسه بی دادگاههای رژیم در شیراز اعلام کرد که «برای هیچکدام از متهمان به جاسوسی که تا کنون محاکمه شده اند تفهیم محاربه نشده و این به آن معناست که تقاضای اشد مجازات برای آنها تاکنون صورت نگرفته است.» حسین علی امیری اضافه نمود: «هر مرجع بین المللی که احساس کند در این پرونده نیاز به اطلاعات بیشتری دارد و برایش نقطه مبهمی وجود دارد می تواند به شیراز بیاید و از نزدیک در جریان کار قرار گیرد.»

مسافرت دو تن از وکلای سازمان فرانسوی وکلای بدون مرز و مسافرت احتمالی نماینده سازمان عفو بین الملل و نیز مواضع حسین علی امیری، جملگی دلیلی بر آن است که فشار بین المللی می تواند رژیم را به عقب نشینی وادار کند.

خواست ما و ایرانیان آزاده «آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، آزادی بدون قید و شرط تمامی دانشجویان، کارگران و روزنامه نگاران» و نیز «آزادی بدون قید و شرط ایرانیان یهودی» است.

ما مجامع بین المللی، نهادهای مدافع حقوق بشر، دولتها و ایرانیان خارج کشور را به فشار هر چه بیشتر برای تحقق این خواست فرا می خوانیم.

سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۹

## تلاشهای

## مذبوحانه خامنه ای

خامنه ای پس از سخنرانی در نماز جمعه روز ۲۶ فروردین به تلاش مذبوحانه برای کنترل گسستگیهای درون ولایتش و سرکوب جنبش ترقیخواهانه مردم ایران که بنیاد رژیم استبدادی و مذهبی حاکم بر کشور ما را مورد تعرض قرار داده اند، دست زده است. ابتدا سپاه پاسداران را مأمور صدور اطلاعیه و برگزاری تظاهرات می کند. سپس ماشین سرکوب نیروی قضایی را به کار می اندازد و به شورای نگهبان برای باطل کردن نتایج انتخابات چندین شهر (و در صورت امکان تهران) اوامر لازم را صادر می کند. مجلس ارتجاع برای محدودتر کردن هر چه بیشتر مطبوعات قوانین جدیدی تصویب می کند. شمس الواعظین، اکبر گنجی و لطیف صفری روانه زندان می شوند. امروز روزنامه های عصر آزادگان، فتح، آفتاب امروز و جبهه ایران فردا تعطیل می شوند و هم زمان رفسنجانی از عریه کشی خامنه ای و اقدامات سرکوبگرانه او حمایت قاطع می کند. خامنه ای با این حمایت و نیز با استفاده از ضعف و بزدلی نیروهای تشکیل دهنده جبهه ۲ خرداد، در رأس آن خاتمی در صورت امکان تسلیم و حذف خاتمی بر شکاف درون ولایتش غلبه کرده و گسستگیهای درون نظام را کنترل کند تا بتواند جنبش ترقیخواهانه مردم ایران که برای سرنگونی رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته بندیهای درونی آن هر روز گسترش بیشتری می یابد را سرکوب کند.

اما پاسخ مردم ایران روشن است. مردم به ویژه جوانان کشور ما در رشت، خرم آباد، سروستان و ... نشان داده اند که برای رسیدن به آزادی باید نظام اهریمنی ولایت فقیه را سرنگون کنند. زنان و مردان ایران زمین سالهاست که با گوشت، پوست، استخوان و خون خود بهای آزادی را می پردازند. گسترش جنبش مردم که پایه اجتماعی جنبش مقاومت سازمانیافته است. تلاشهای مذبوحانه خامنه ای را نقش بر آب کرده و ولایتش را سرنگون خواهند کرد.

سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۴ اردیبهشت ۱۳۷۹

## روز جهانی آزادی مطبوعات

## — زینت میرهاشمی

روز ۳ مه (امسال برابر با ۱۴ اردیبهشت)، روز جهانی آزادی مطبوعات است و هر ساله در این روز گزارشهای پیرامون آزادی مطبوعات و نحوه برخورد دولتها و گروههای سیاسی، اجتماعی مختلف با این موضوع انتشار می یابد. طی یک سال گذشته در سراسر جهان دهها روزنامه نگار به اشکال مختلف در راه حرفه خود جان باخته اند و صدها تن به زندان افتاده و یا به علت عبور از خط قرمزهایی که قدرتمندان برای محدود کردن آزادی مطبوعات، ترسیم می کنند، از کار بیگزار شده اند. سانوسور و کنترل مطبوعات در سال گذشته نیز مثل سالهای قبل از طریق شیوه های گوناگون صورت گرفت. بعضی دولتمردان و قدرتمندان به شیوه مستقیم و از طریق ابزارهای مستقیم سرکوب، با مطبوعات و کارکنان آن سخن گفته و از این طریق آنان را خاموش، محدود، کنترل و یا تسلیم کرده اند و بعضی نیز از شیوه های غیر مستقیم که این دومی به ویژه در کشورهای پیشرفته که انحصارات بر مطبوعات نیز چنگ انداخته صورت می گیرد.

در سال گذشته هم چون سالهای قبل در کشور ما هیچ یک از گروههای سیاسی خارج از حکومت نتوانستند یک نشریه سیاسی انتشار دهند. این وضع شامل گروههای سیاسی که در پیرامون رژیم قرار دارند نیز بود. در مقابل در آستانه فرا رسیدن روز جهانی مطبوعات، خامنه ای عوامل مستقیم او در دادگستری اقدام به تعطیل تعداد زیادی از مطبوعات وابسته به جناح رقیب یعنی «جبهه دوم خرداده» نمودند. یکشنبه شب چهارم اردیبهشت روابط عمومی دادگستری تهران طی یک اطلاعیه ۱۲ روزنامه را به اتهام «استمرار انتشار مطالب علیه مبانی و احکام نورانی اسلام و مقدسات مذهبی ملت شریف ایران و ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی» توقیف نمود. جالب این است که در این اطلاعیه که خبرگزاری رژیم آن را روز ۵ اردیبهشت انتشار داد به ماده ۱۳ قانون تأمین و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹، یعنی به یکی از قوانین سرکوبگرانه رژیم شاه استناد شده است. پس از آن نیز ۶ روزنامه دیگر وابسته به «دوم خردادها»، توقیف شدند. این فقط بیان رژیم در اردیبهشت ماه است. در حالی در سال گذشته تعداد زیادی از روزنامه ها به وسیله دادگاه ویژه مطبوعات و یا دادگستری در سراسر کشور تعطیل شدند که به جز ۱۸ روزنامه توقیف شده در ماه اردیبهشت، تعداد آنها به نوشته روزنامه فتح ۱۵ فروردین به ۷۸ عدد می رسد.

در سال گذشته هم چنین بر تعداد روزنامه نگاران زندانی افزوده شد.

ماشاءالله شمس الواعظین، عبدالله نوری، محسن کدیور، اکبر گنجی، نیک آهنگ کوثر (کاریکاتوریست)، لطیف صفری، کاظم شکری، و .... روانه زندان شدند و تعداد بیشتری به مراجع به اصطلاح قضایی رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. بیهوده نیست که کمیته حفاظت از روزنامه نگاران، که دفتر مرکزی آن در نیویورک است در گزارش خود به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات، به خامنه ای مقام دوم در دشمنی با آزادی مطبوعات، داده است. اگر کمیته حفاظت از روزنامه نگاران، به خامنه ای در سرکوب مطبوعات مدال «نقره» می دهد، رفسنجانی به خامنه ای در موضع گیری شدید علیه مطبوعات خودی مدال «طلا» می دهد و در نماز جمعه پوز ۹ اردیبهشت می گوید: «تعییرات نسبتاً تند رهبر انقلاب در روزهای اخیر که حاکی از احساس خطر ناشی از تبدیل برخی مطبوعات به پایگاه دشمنی از نفوذ چند چهره ها به مطبوعات و اجرای مأموریت برای استکبار است تازه است».

در مقابل این اقدامات سرکوبگرانه دانشجویان در سراسر کشور دست به اعتراض زدند. تلویزیون سسی ان آن در روز ۶ اردیبهشت در گزارشی که از تهران پخش نمود سخنان و شعارهای دانشجویان را پخش کرد. دانشجویان شعار می دادند «این قتل عامی که از روزنامه ها شد، ننگت باد، ننگت باد اما ۲ خردادها به سیاست همیشگی تسلیم متوسل شدند و از ترس گسترش مبارزه مستقل جوانان باز هم دعوت به آرامش» و «خوبشستن داری» نمودند و بعضی از آنها در حمله به مطبوعات حرفهای خامنه ای و اراذل و اوباش مدافع او را تکرار کردند.

واقعیت این است که در نظام جمهوری اسلامی به جز مدتی کوتاه پس از سرنگونی رژیم شاه، هیچ گاه آزادی مطبوعات وجود نداشته است. وقتی خمینی تهاجم به مطبوعات خارج از حکومت را با حمله به آیندگان آغاز کرد، بسیاری از ۲ خردادها مجری اوامر خمینی بودند. اکنون خامنه ای دامنه سرکوب مطبوعات را به «خودپها» کشانده است. اگر ۲ خردادها واقعا اصلاح طلب بودند، اکنون بهترین فرصت بود که به خوانندگان نشریات خود مراجعه می کردند. اما ۲ خردادها نه اصلاح طلب هستند و نه خواستار آزادی کامل مطبوعات، لغو سانوسور و آزادی بدون قید و شرط اندیشه و بیان آزادی کامل مطبوعات در جامعه ای متحقق می شود که آزادی اندیشه و بیان بدون هر گونه قید و شرط و بدون هر گونه حد و مرز پذیرفته شود و در جمهوری اسلامی نه فقط امکان تحقق چنین آزادی را نخواهد داد، بلکه هر روز و تا آن جا که بتواند با اقدامات سرکوبگرانه و تصویب قوانین محدود کننده، هم چون تصویب «قانون جدید مطبوعات» دامنه سرکوب را به درون حکومت هم گسترش خواهد داد.

mirhashemizat@hotmail.com

## تروریست و خشونت طلب کیست؟

روزنامه عصر آزادگان در شماره دیروز خود (پنجشنبه اول اردیبهشت) با چاپ بخشهایی از اطلاعیه سازمان ما پیرامون شکست مفتضحانه سمینار برلین درصدد برآمده تا حرکت شجاعانه زنان و مردان آزادیخواه کشور ما، و حمایت ما از اقدام جسورانه ایرانیان در جریان سمینار برلین را همسو با «بخشی از مخالفان اصلاحات و محافل آن در ایران» اعلام کند. این روزنامه در پایان مدعی شده که سازمان ما «از جمله گروههای تروریستی و خشونت طلب و مخالفت شیوه های مسالمت آمیز و اصلاحات در ایران است». روزنامه عصر آزادگان در حالی این ادعاهای سخیف را مطرح می کند که ما بارها اعلام کرده ایم که مخالف «اصلاحات» و «شیوه های مسالمت آمیز» نیستیم و از اصلاح طلبان واقعی که برای برچیدن نظام ننگین استبدادی و مذهبی ولایت فقیه تلاش می کنند حمایت می کنیم. اما ما همزمان و بارها اعلام کرده ایم که مخالف اصلاح طلبان قلبی همچون خاتمی و داروسته ۲ خردادی که بارها سرسپردگی خود به ولایت فقیه را اعلام کرده و به گفته خودشان در جهت «بازسازی مشروعیته» نظام ولایت فقیه تلاش می کنند، می باشیم. اگر روزنامه عصر آزادگان و گردانندگان آن دروغگو و شارلاتان سیاسی نیستند، و مدعی اصلاح طلبی می باشند رسماً اعلام کنند که «ولایت فقیه» نخستین و اصلی ترین مانع هرگونه اصلاحات و سازمانهایی جامعه مدنی در ایران است. روزنامه عصر آزادگان که هنوز حاضر نیست کشتار چندین ده هزار تن از زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ که به دستور خمینی جلاصورت گرفت را محکوم کند و یا حداقل اطلاعاتی پیرامون آن به افکار عمومی دهد، روزنامه عصر آزادگان که هنوز حاضر نیست ترور بیش از صد نفر از ایرانیان در خارج از کشور را محکوم نماید، و سرانجام روزنامه عصر آزادگان که هنوز حاضر نیست از نقش گردانندگان روزنامه های ۲ خرداد در کشتارهای ده سال اول به قدرت رسیدن خمینی اطلاعیه ای به مردم ایران بدهد، ما را بی شرمانه «تروریست» و «خشونت طلب» و خود را «اصلاح طلب» و طرفدار «مسالمت» اعلام می کند.

روزنامه عصر آزادگان و گردانندگان آن که تاکنون نه فقط از گل نازکتر به «عمود خیمه نظام» نگفته، بلکه جا به جا به تعلق گویی از ولایت ننگین خامنه ای پرداخته اند نمی توانند اصلاح طلب و طرفدار راه حل مسالمت آمیز باشند. سازمان منظم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمام دسته بندیها و باندهای درونی این نظام را ضد منافع عالی مردم ایران می داند و از آنجا که این رژیم هیچ راهی برای مبارزه مسالمت آمیز برای مخالفین خود و اصلاح طلبان واقعی و نیروهای ترقیخواه باقی نگذاشته، تنها راه رهایی مردم ایران را سرنگونی قهرآمیز این رژیم ارتجاعی اعلام کرده است.

زنان و مردان شجاع و آزادیخواه ایران که طی سالهای گذشته به اشکال گوناگون خشم و نفرت خود را از رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه اعلام کرده اند، بر این خط مشی مهر تأیید زده اند.

سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

جمعه دوم اردیبهشت ۱۳۷۹

## اطلاعیه

دفتر سیاسی سازمان مبارزه ملی و اسلامی کردستان ایران (خه بات)، در تاریخ ۲ اردیبهشت طی اطلاعیه ای اعلام نمود که: «سازمان خه بات به منظور حفظ اعضا و پیشمرگان و پایداری بر اصول و سیاستهای خود، در روز ۲۷ فروردین ۱۳۷۹ هجری - شمسی برابر ۱۵ آوریل سال ۲۰۰۰ میلادی از مناطق تحت حکم اتحاد میهنی هجرت نمود. این هجرت و کوچ ناچار را اگر چه زیان مادی بسیاری را موجب شده، لیکن در ازای حفظ استقلال و کرامت سیاسی سازمان مبارزه ملی و اسلامی کردستان ایران و ادامه مبارزه مستمر و در جبهه ای وسیع علیه رژیم آخوندی، زیان مادی و رنج هجرت مایه افتخار و سربلندی است».

در توضیح این کوچ اجباری در اطلاعیه آمده است که: «از سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱ هجری شمسی) به بعد اتحاد میهنی در مقابل رژیم آخوندی استقلال سیاسی خود را از دست داده و به صورت نیرویی وابسته به رژیم آخوندی و چماقی برای سرکوب نیروهای اپوزیسیون ایرانی در کردستان عراق درآمده است. فشار و توطئه های اتحاد میهنی بر سازمان خه بات طی چند ماه گذشته به منظور قطع روابط هم پیمانی با سازمان مجاهدین خلق ایران و سلب استقلال سیاسی و انحراف از سیاستهای اصولی ضد رژیم به اوج خود رسیده است».

به همان گونه که در اطلاعیه سازمان خه بات آمده است، اتحاد میهنی طی ده سال گذشته به خاطر وابستگی به رژیم آخوندی دهها اقدام جنایتکارانه علیه گروههای کرد ایرانی، سازمان مجاهدین خلق ایران و پناهندگان کرد ایرانی انجام داده است. در شرایط کنونی اتحاد میهنی فشار بر نیروهای کرد ایرانی را افزایش داده تا آنان را یا وادار به مذاکره و تسلیم به رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه نماید و یا آنان را مجبور به ترک مناطق تحت کنترل خود نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اقدامات توطئه گرانه اتحادیه میهنی علیه سازمان خه بات و ایرانیان ساکن مناطق تحت کنترل اتحاد میهنی را قاطعانه محکوم می کند و خواستار موضع گیری نیروهای کرد عراقی و سازمانهای مدافع حقوق بشر علیه این اقدامات توطئه گرانه و سرکوبگرانه است.

سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۸ اردیبهشت ۱۳۷۹

## زنان و مسیر رهایی

— لیلا

قتل زنان در پاکستان بنا بر گزارش سازمان عفو بین الملل همه ساله صدها زن پاکستانی در سنین مختلف توسط شوهران و یا افراد خانواده خود به جرم «بی آبرویی» به قتل می رسند. برای مثال یک زن ۲۹ ساله که دارای دو فرزند بوده پس از تحمل ۱۰ سال شکنجه اقدام به درخواست طلاق می کند. درست در هنگام ورود به دفتر وکیلش با شلیک گلوله به قتل می رسد. هیچ یک از کسانی که مورد سو، ظن بوده اند هرگز دستگیر نمی شوند. وکیل او نیز به خاطر حمایت از حقوق زن و حقوق بشر تهدید به مرگ گشته است. در برخی موارد در روستاها حتی زمانی که مردی خواب می بیند که زنتش با مرد دیگری رابطه دارد آن زن را مجازات می کند. در مواردی نیز وقتی به دختری تجاوز می شود باز هم زن را مقصر می شناسند. بخش حقوق بشر سازمان ملل گزارش می دهد که دختر ۱۶ ساله ای که توسط کارمند یک اداره محلی مورد تجاوز قرار می گیرد عموی دختر به پلیس شکایت می کند. اما پلیس آن دختر را دستگیر می کند و تحویل شورای بزرگسالان قبیله می دهد و آنها رأی می دهند که دختر بی آبرویی کرده و به قتلش می رسانند طبق این گزارش ازادواجهای قراردادی و فروش زنان بسیار رواج داشته که ریشه بسیاری از مشکلات است. عفو بین الملل پلیس را طرفدار قاتلان اعلام کرده و اعلام کرده است که برای تغییر این وضع دست به اقدامی همه جانبه خواهد زد.

جمعه ۲۰ آوریل ۲۰۰۰ - اسلام آباد، پاکستان

دولت نظامی پاکستان با ابراز تمرد به تغییر وضع موجود سال ۲۰۰۰ را سال حقوق بشر خطاب کرد. ارتشبد پیروز مشرف در سخنرانی افتتاحیه خود در کنفرانس دو روزه ای که فعالان داخلی و خارجی حقوق بشر ترتیب داده بودند گفت که وضع هزاران زن که به طور مداوم به نام بی آبرویی به قتل می رسند، میلیونها کودک که به کارهای سخت و طاقت فرسا کشیده می شوند و اقلیتهای مذهبی که به اتهام توهین به اسلام راهی زندان می شوند، تغییر خواهد کرد. او گفت: «ما می خواهیم که حقوق انسانی و آزادی هر

فرد پاکستانی حفظ شده و دولت به آن متعهد باشد».

کمیسون حقوق بشر پاکستان در گزارش خود اظهار کرد که زنان، کودکان و اقلیتها در این کشور فقیر که ۱۴۰ میلیون جمعیت دارد تحت بدترین آزارها قرار گرفته اند و این دهه را بدتر از شروعش به پایان رسانده اند.

مشرف گفت: «این گونه قتلها و آزارها در دین و در قوانین ما ریشه ای ندارند. قتل به نام «حفظ ناموس» جنایت است و دارای مجازات سخت می باشد». او گفت «اما پاکستان با مشکل بزرگی روبروست و آن عدم وقوف زنان به حقوق قانونی خود می باشد».

کمیسون حقوق بشر آن را تایید کرده و اعلام کرد که بنا بر یک همه پرسی در سال گذشته بیش از نیمی از ۱۵۰۰ زنی که با آنها تماس گرفته شده هرگز عقدنامه خود را نخوانده اند و یا ندیده اند. ۷۵ درصد نمی دانند که طبق قانون حق دارند در عقدنامه خود حق طلاق را ذکر کنند و اکثرا اطلاعاتی از حقوقشان در مورد ارث و حق سرپرستی کودک ندارند. مشرف هم چنین قول داد که سواد آموزی ابتدایی را در سراسر کشور رواج داده و کودکان را تدریجا از کارگاهها راهی مدارس کند. او هم چنین گفت محکومیت به اعدام افرادی که به اتهام توهین به اسلام دستگیر می شوند تقلیل داده خواهد شد.

یکشنبه ۲۳ آوریل ۲۰۰۰

مجله پی ال بی در یکی از شماره های خود که در رومانی چاپ شده است مقاله ای به چاپ رسانده که مورد اعتراض شدید بسیاری از زنان واقع گشته است. این مجله در روز اول آوریل (به زبان رومانی) «روز همه دروغها» (چیزی شبیه دروغ سیزده به در ایرانیهما) مقاله ای چاپ کرد با عنوان «چگونه زنان خود را کتک بزنند بدون آن که اثر زخم و یا کیبودی باقی بگذارند». خانم کیتی هفتر مدیر مسئول این مجله ضمن اظهار تأسف و پوزش گفته است که «این مقاله نام این مجله را که ۴۶ سال سابقه مخالف با خشونت زنان را دارد، خدشه دار کرده است».

مدیر این مجله می گوید که ما سالهاست از حقوق زنان دفاع کرده ایم و با بسیاری از سازمانها و گروههای زنان همکاری نزدیک داشته ایم. او از صمیم قلب از زنان رومانی پوزش خواسته است.

سه شنبه ۹ مه ۲۰۰۰

روز سه شنبه ۹ مه کنگره آمریکا قانونی را تصویب کرد و به مجلس فرستاد که طبق آن دهها هزار زن و کودکی که از کشورهای خارجی برای استفاده های جنسی خرید و فروش شده و به آمریکا آورده می شوند مورد حمایت قرار گرفته و مرتکبان به این تجارت تحت مجازات سختی قرار گیرند.

یکی از نمایندگان گفت که: «همه ساله بیش از ۵۰ هزار انسان که اکثر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دهند به طور قاچاق واردایالات متحده شده و برای استفاده جنسی به فروش می رسند. این غیر قابل تحمل است که بینیم در آغاز قرن بیست و یکم انسانها مانند بردگان به جهان مدرن فروخته می شوند». او اضافه کرد که: «در سطح جهان حدود ۲ میلیون انسان که اکثرا زن و کودک هستند فروخته می شوند برای مثال قاچاقچیان در روسیه به یک یتیم خانسه ۱۲۰۰۰ دلار پرداخت کرده تا کودکان را به یک مک دونالد محلی ببرند، کودکانی که هرگز بازگردانده نشوند».

خانم جن شاکوسکی از نمایندگان گفت: «این بدترین و بزرگترین نقض حقوق بشر در جهان است».

چهارشنبه ۱۰ مه ۲۰۰۰

چندن از فعالان حقوق بشر گزارشی تهیه کرده اند که شامل عکسهای تکان دهنده ای از وضع کارگران خصوصا کارگران زن در چین که برای شرکتهای بزرگ آمریکایی کار می کنند، می باشد. طبق این گزارش این کارگران برای کارخانه های Nike و فروشگاه بزرگ Wall mart کار می کنند که حقوق روزانه آنان حدود ۳ سنت در ساعت است. در محل کار آنها برای ۲۴ نفر یک دستشویی داشته و در هفته وادار به ۹۸ ساعت کار می شوند که حقوق بیشتر برای اضافه کار نمی گیرند. صحبت کردن هنگام کار خلاف نظر طی مدت کار تحت نظر جاسوسان هستند. آنها در ۱۰۰ درجه حرارت کارخانه کار می کنند (۱۰۰ درجه فارنهایت برابر ۳۷ درجه سانتی گراد). با این که در سال ۱۹۹۵ دولت چین ساعت کار را در هفته ۴۰ ساعت و اضافه کار را جمعا در هفته ۳۶ ساعت اعلام کرد فعالان حقوق بشر معتقدند که این قوانین اجرا نمی شود.

usalayla@yahoo.com

## ناموس ارتجاع مردسالار خدشه دار شده است

در جریان برگزاری کنفرانس برلین که به منظور آرایش چهره کثیف جمهوری اسلامی و فریفتن افکار عمومی به وسیله بنیاد هاتریش بل برگزار شد، یکی از زنان مبارز اپوزیسیون در اعتراض به تمهیل بیش از بیست سال حجاب و بی حقوقی همه جانبه به زن ایرانی، برهنه شد و به روی صحنه رفت و به این وسیله اعتراض خود را به برگزاری این نمایش مزورانه اعلام داشت.

بعد از اعتراض اوانگارد این زن هنرمند وجسور، بی درنگ هجوم همه جانبه ای به او آغاز شد و حزب الله و ایادی پاسدار و مزدور رژیم، در کنار اصلاح طلبان داخل و خارج از کشوری و استحاله طلبان و هواداران شرمنده دوم خردادی آنها، هم صدا و متحد علیه این زن هنرمند شعار دادند و کوشیدند او را مرعوب سازند تا از ادامه به کارگیری چنین کارزارهایی جلوگیری کنند.

این اعتراض که علیه حجاب اجباری، به مثابه سمبل ستم بر زنان در ایران به عمل آمد، تار و پود اخلاقیات و «ناموس» ارتجاع را بر باد داد و به عنوان عبور از خط قرمز تلقی شد. در واقع وقتی «تار موی زنی شریعت را تضعیف می کند، و یا «حجاب زن و عفاف زن حافظ حکومت اسلامی» است، برهنه شدن یک زن به معنی به مصاف طلبیدن تمامیت رژیم جمهوری اسلامی ست. به همین دلیل، بعد از این حرکت پیشرو، رژیم جمهوری اسلامی هجومی هیستریک و ضد زن خود را از طریق بسیج مطبوعاتی و دیگر ارگانهای تبلیغاتی اش علیه مخالفین کنفرانس برلین سازمان داد.

اما این هجوم ضد زن، به رژیم جمهوری اسلامی محدود نماند و به حیطه طرفداران خارج کشوری رژیم نیز کشیده شد. تا جایی که استحاله طلبان کوشیدند در برخی از محافل ایرانی خارج از کشور، نه تنها این زن مبارز را مرعوب کنند؛ بلکه حتی او را از ادامه برنامه تأتری که در آن بازی می کرد نیز باز دارند. این حمله ها به طرق مختلف و تحت عناوین گوناگون هنوز هم ادامه دارد آنها می کوشند با ایجاد جو رعب و حمایت می کنیم و در کنار دیگر زنان و مردان مبارز و آزادیخواه می کوشیم که با مبارزه علیه مرزهای ممنوعه، و با پشتیبانی از زنان جسور و سنت شکن ذهنیت مردسالار و علیل رژیم جمهوری اسلامی و طرفدارانشان را افشا کنیم.

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستانی) آلمان ۲۰ آوریل ۲۰۰۰

اگر جمهوری اسلامی با تکیه بر سر نیزه به زنان هجوم می آورد، هواداران خارج از کشوری جمهوری اسلامی با حربه ارباب سیاسی این کار را به پیش می برند. آنها، دقیقا به همان شکلی که در اوایل انقلاب کوشیدند کارزار زنان ایران علیه حجاب اجباری را تحت عناوین «گرایش لیبرالی» و «ضد انقلاب» محکوم کنند، امروز نیز می خواهند حرکت سمبولیک و شجاعانه این زن هنرمند را با عنوان «حماق داری»، «حزب الهی» و «عدم مرزبندی با مثنی چریکی» و غیره محکوم سازند.

از نظر چنین موجوداتی، گویی اگر کسی پشتوانه سیاسی و یا حزبی نداشته باشد می توان با بی شرمی او را چنان مورد حمله قرار داد که حتی در اجرای برنامه های هنری و عادی زندگی نیز خلل وارد شود.

اما این زن شجاع و نمونه تنها نیست. قلب همه زنانی که تمهیل حجاب را در بیست سال گذشته با گوشت و پوست خود احساس کرده اند یا با او می زنند و همه کسانی که عزیزانشان را در این رژیم خون و جنون از دست داده اند پشتیبان او هستند و دست همه هواداران آزادی و عدالت اجتماعی در دست اوست.

و هم اکنون جنبش زنان آزادیخواه و مبارز زنان با تمام قوا از او حمایت می کند. این مبارزه که نمونه دیگری از آن به هنگام سفر پاپ به آلمان و در اعتراض به رای کلیسا در باره ممنوعیت سقط جنین، توسط زنان آلمانی و به شکل چسباندن عکس پاپ به باسپهای برهنه خود صورت گرفت. مسلما در آینده نیز به شکلهای و صورتهای گوناگون دیگری توسط زنان شجاع و مبارز ایرانی ادامه خواهد یافت و سیلی محکم دیگری خواهد بود که بر گونه تمامیت ارتجاع «ناموس پرست» و زن ستیز جمهوری اسلامی و هواداران عقب مانده آنها فرود می آید.

هر زنی که علیه مردسالاری مبارزه می کند، مدافع این اعتراض است و جسارت این زن هنرمند را الهام بخش مبارزات انقلابی زنان می شمارد. جنبش زنان با تقویت و پرورش این گونه زنان است که پیشرای خود را برای درهم شکستن مرزهای ممنوع مردسالاری تضمین می کند. دفاع از این حرکت، سنجشی است که مدافعان دروغین و مد روز جنبش زنان را از مبارزان واقعی و پیگیر علیه مردسالاری تفکیک می کند. ما از این زن هنرمند و اوانگارد حمایت می کنیم و در کنار دیگر زنان و مردان مبارز و آزادیخواه می کوشیم که با مبارزه علیه مرزهای ممنوعه، و با پشتیبانی از زنان جسور و سنت شکن ذهنیت مردسالار و علیل رژیم جمهوری اسلامی و طرفدارانشان را افشا کنیم.

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستانی) آلمان ۲۰ آوریل ۲۰۰۰

## شرکت در جشن سال نو

روزشنبه ۸ آوریل ۲۰۰۰، جشنی به مناسبت سال نو از طرف سازمان ملی و دموکراتیک افغانستان در مونیخ برگزار شد. فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این جشن شرکت کردند. برگزاری میز کتاب در سالن چشمگیر بود و برای رشد، آگاهی و شناخت هر چه پیشتر نیروهای دموکرات و آزاداندیش تأثیر مثبتی به همراه داشت و مورد توجه شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. میز کتاب از سازمان ملی و دموکراتیک افغانستان (DODA)، سازمان ایرانیان دموکرات در مونیخ و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مورد توجه دستداران قرار گرفت. جشن در ساعت ۸ شب با اطلاعیه ای که توسط مسئول برگزار کننده قرائت گردید، آغاز شد و به دنبال آن، آهنگها و سرودهایی از کشور افغانستان توسط آقای احمد منیر، اجرا گردید. در فاصله استراحتی که داده شد، عده زیادی از خانمها و آقایان شرکت کننده در جشن از میز کتاب سازمان دیدن کردند و سؤالیهای از دیدگاهها، اهداف و ایدئولوژی سازمان داشتند که رفا به سؤالیهای آنان پاسخ دادند. ضمناً منشور سازمان و تاریخچه سازمان به زبان آلمانی به علاقمندان اهدا گردید و نیز تعدادی کتاب و نوار به فروش رسید. ضمناً رفا با عده ای به بحث و گفتگو در زمینه مسائل و رویدادهای سیاسی - فرهنگی جامعه افغانستان و در مورد نزدیکی فرهنگ و تمدن کشور افغانستان و ایران صورت گرفت و قرار شد که برای همکاریهای بیشتر در زمینه های فرهنگی، سیاسی و برگزاری مراسمهایی در جهت رشد و ارتقاء آگاهی، و نیز در جهت افشاء نظام دیکتاتوری - مذهبی در افغانستان و ایران، گامهای مؤثری برداشته شود. رفیق حیدر اصلانی ضمن سخنرانی در مورد سال نو و هم چنین اوضاع نگران کننده سرکوب در افغانستان و ایران به همراه خواندن چند قطعه شعر به مراسم، فضای فرهنگی خاصی داد که مورد توجه حاضران قرار گرفت.

رفیق حیدر در بخشی از صحبت خود گفت: «ضمن تبریک سال نو، خدمت همه خانمها و آقایان و هموطنان، چه در وطن و چه در غربت، امیدوارم سال نو همراه با پیروزی، موفقیت و سرشار از خوشی برایتان باشد و هم چنین سال سرنگونی ارتجاع مذهبی، بنیادگرایی، فقر و ناآگاهی، تعصب و خرافات و استبداد مذهبی در سرزمینمان ایران و نیز در افغانستان و جهان باشد. ما با برگزاری چنین جشنها و مراسمی که به طبع دشمنان دموکراسی و دوستی، سازگار نیست، جشنهایی که خنده و نشاط را بر لبان کودکان، زنان و

مردان به ارمغان می آورد، به استقبال دوستی، صلح، برابری، آزادی و آگاهی می رویم و آشناتر با فرهنگ و تمدن سرزمینمان خواهیم شد. شرکت هر یک از ما در این برنامه های فرهنگی - سیاسی چون خاری است بر چشم بنیادگرایی که با سرور، عشق و دوستی مخالف هستند و از هر راهی آن را سرکوب می کنند. این حضور، چون گدازه های آتشفشانی است که بر چهره سیه کار جانیان و عاملان ضد حقوق بشر فرو خواهد ریخت.

همچنان که به فرزندانمان معنی عشق، حقیقت، زندگی و مبارزه را می آموزیم، می بایست این نشاط و سرور را نیز با هم وطنان دیگرمان که محروم هستند، تقسیم کنیم و به یاد بیاوریم که بودیم، که هستیم و چگونه باید باشیم.

فراموش نکنیم که همچنان به زنان و کودکان ستم روا می شود و از کمترین حقوق انسانی محروم هستند. فراموش نکنیم که زنان و مردان به خاطر عشق سنگسار می شوند. آزادی بیان و قلم سرکوب می شود و فرزندانمان نیز به دور از علم و نشاط در محیطی طوفانزا و در خفتان اسیر و پژمرده می شوند. فراموش نکنیم که مادران و فرزندانمان بار مشقت و سنگینی ظلم سیه کاران ارتجاعی و مذهبی را به دوش می کشند و آشک خونین می ریزند. فراموش نکنیم که کودکان در افغانستان، استخوانهای مردگان را برای تهیه تکه نانی و لقمه طعمای جمع آوری می کنند و می فروشند. و این است هدیه ارتجاع و نظام سرمایه داری نوین، که جز جنگ، سرکوب، خونریزی و آتش و باروت نیست. و هم چنین نابودی فرهنگ، هنر، اندیشه و آزادیخواهی. هنوز ستم هست و تا وقتی دنیای کهن با ظلم و استعمار بر گرده نشسته، ستم ادامه دارد. ولی تا وقتی ستم هست، مقاومت هم هست. مقاومت برای تحول نو، دنیایی دور از فقر، ناآگاهی و بی عدالتی.

رفیق حیدر بعد از صحبت، با خواندن چند شعر برنامه خود را به پایان رساند. بعد از شعرخوانی نوبت به آوازخوانی آقای منیر رسید. ضمناً شعر زیبایی در مورد زن، اجرا شد که توسط یک خانم شاعر سروده شده بود، و مورد توجه حاضران قرار گرفت.

برنامه جشن تا ساعت ۱ صبح روز بعد به طول انجامید و یک شب به یاد ماندنی در خاطره شرکت کنندگان افغانی و ایرانی به جا ماند. می توان گفت که این جشن همبستگی و دوستی بین دستداران عشق، برابری و صلح به خوبی برگزار گردید. امید است که تداوم در این حرکتها در وحدت و همبستگی ملل با یکدیگر هر چه بیشتر مؤثر واقع شود.

فعالان سازمان  
چریکهای فدایی خلق ایران  
مونیخ (آلمان) - ۲۵ آوریل ۲۰۰۰

## آلمان -

## بزرگداشت روز جهانی

## زندانیان سیاسی (۱۸ مارس)

۱۵۰ سال پیش، در تاریخ ۱۸ مارس ۱۸۴۸، مبارزه کارگران علیه یونکر (سیر آدل سرمایه دار اروپایی) و سرمایه داری ابعاد جدیدی یافت، ۲۳ سال بعد در تاریخ ۱۸ مارس ۷۱ برای اولین بار، طبقه کارگر در کمون پاریس (انقلاب مردم پاریس) به مدت یک سال قدرت را در دست گرفت. در اواخر قرن گذشته روز ۱۸ مارس روز کمون (انقلاب) خوانده شد. در سال ۱۹۲۳ صلیب سرخ این روز را روز جهانی برای کمک به زندانیان سیاسی خواند. پس از برقراری فاشیسم، این سنت تعطیل شد و پس از پایان تسلط نازیسم این روز دیگر برگزار نشد. در سال ۱۹۹۶ دگر بار این روز به عنوان روز مبارزه علیه ظلم و خفقان کشوری خوانده شد. از آن تاریخ تا کنون در سراسر جهان در این روز مراسم متعددی اجرا شده است. در مراسمی که بدین مناسبت در روز ۱۸ مارس ۲۰۰۰ از طرف سازمان چپ Rotr hilf در آلمان برگزار شد، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ارس، واحد موسیقی کارگاه هنر ایران به این مراسم دعوت شدند.

برنامه در ساعات ۱۴ شروع شد. پس از سخنرانی کوتاه آقای Martin Maier، کار فانتزی آکروبات انجام گرفت. سپس ارس واحد موسیقی کارگاه هنر ایران با سرود انترناسیونال کار خود را شروع کرد و پس از آن به اجرای سرودهای انقلابی جدید در مورد زندانیان سیاسی و چند سرود آذربایجانی پرداخت. در ساعت ۱۶ فیلم مستند و اسلاید از مبارزه ملت‌های مختلف نمایش داده شد. در ساعت ۱۷، بحث در مورد زندانیان سیاسی شورهای مختلف انجام شد. در این قسمت در مورد دستگیری بیش از ۲۰۰۰ دانشجو و وجود دهها هزار زندانی سیاسی دیگر در ایران سخن گفته شد. سپس گروه رقص و موزیک کردی Exlem به هنرنمایی و خواندن سرودهای انقلابی کردی پرداخت. در ساعت ۲۰ کنسرت موزیک آلمانی برگزار شد. جریانهای سیاسی، اجتماعی از کشورهای مختلف دنیا در این جشن شرکت کرده و میز کتاب برگزار کردند. فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان با برگزاری میز کتاب و پخش اطلاعیه ها و منشور سازمان را به زبانهای مختلف، مواضع سازمان را برای شرکت کنندگان در مراسم تشریح کردند.

پاسائو - ۷ تا ۱۱ ژانویه ۲۰۰۰

## عفو بین الملل برای دفاع از حقوق

## بشر برگزار کرد

برنامه شامل نمایشگاه عکس و اطلاعات راجع به کشورهای مختلف، نمایش فیلمهای مختلف در مورد نقض حقوق بشر، موزیک زنده، غذاهای ملی (ایرانی، آفریقایی، ترکی)، بحث و گفتگو در مورد حکم اعدام در جهان و علل آن، پناهانده و موقعیت آنها در آلمان و صادرات سلاح از طرف کشور آنها بود. بعد از ورود به سالن طوماری بر روی زمین چسبانده شده بود و در انتهای سالن یک چوبه دار به چشم می خورد. در طومار مذکور اسامی افرادی که کشته شده اند یا حقوقشان پایمال شده با ملیت آنها یادداشت شده بود که اکثراً نویسنده بودند. در میان سالن دیواری هم به انجمن فرهنگی نبرد تعلق داشت که کاریکاتورها و

عکسهای مربوط به تظاهرات دانشجویی و ... به نمایش گذاشته شده بود که مورد توجه بازدیدکنندگان نمایشگاه قرار گرفت. در میان عکسهایی که از طرف عفو بین الملل به نمایش گذاشته شده بود صحنه آماده سازی اعدام کردهای ایرانی از طرف رژیم به چشم می خورد. در روز ۹ ژانویه فیلم سنگسار به نمایش گذاشته شد که مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت. قبل از اجرای فیلم و بعد از آن، توضیحاتی در مورد چگونگی انجام عمل غیر انسانی سنگسار و این که وضع ایران بعد از روی کار آمدن آخوند خاتمی هیچ تغییری نکرده و حتی بدتر شده است و تظاهرات اخیر دانشجویان خود ثابت کننده این وضع می باشد توسط رفا توضیح داده شد. در همان چند دقیقه اول تعدادی از دختران و پسران جوان چنان متأثر شدند که قادر به دیدن ادامه فیلم نبودند و از اتاق نمایش فیلم خارج شدند.

روز ۱۰ ژانویه بحث آزاد پیرامون حکم اعدام و صادرات سلاح (آلمان) و پناهانده بود. در این بحث دانشجویان، مردم شهر، متقاضیان پناهندگی و اعضای عفو بین الملل که برگزار کننده این برنامه بودند شرکت داشتند. در مورد حکم اعدام و چگونگی برخورد با رژیمهای مجری آن مسائل مختلفی مطرح شد. در ابتدا برای شروع یکی از اعضا عفو بین الملل حکم اعدام را «راه حل راحت!!!» اعلام کرد که مورد انتقاد اکثریت حاضران قرار گرفت. در مورد جنایتکاری که در جوامعی مثل آمریکا برای چندمین بار به جنایت دست می زنند و حکم اعدام برای آنها صادر می شود، عده ای معتقد بودند که آنها بیماران روانی هستند و باید مورد معالجه قرار بگیرند یا به زندانهای دراز مدت محکوم شوند چون برای جامعه ضرر دارند. در مورد کشورهایی با رژیمهای دیکتاتوری، نظر عده ای از دانشجویان این بود که با این گونه رژیمهای دیکتاتور هیچگونه روابط اقتصادی و سیاسی نباید برقرار شود و برقراری هر گونه رابطه با چنین رژیمهایی شریک بودن کشور آلمان و دولتهای اروپایی در نقض حقوق بشر در این کشورهاست.

در مورد صادرات اخیر سلاح به کشور ترکیه تقریباً کلیه شرکت کنندگان مخالف این حرکت دولت آلمان بودند. البته مسائل مالی و منافی که از این بابت نصیب دولت آلمان می شود هم تخمین زده شد و همین طور عده افرادی که در کارخانه های تولید سلاح در آلمان کار می کنند مد نظر بود و این بحث تقریباً بدون نتیجه به پایان رسید.

در مورد پناهانگان، از طرف یک پناهانده آفریقایی توضیح داده شد و نتیجه گرفته شد که عفو بین الملل باید سعی کند که اجازه کار برای متقاضیان پناهندگی بگیرد تا شاید متقاضیان پناهندگی بتوانند هزینه زندگی خودشان را تأمین کنند.

گزارش: رضاموادخانی

## آتریش

در روز ۱۶ آوریل، هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در وین، اقدام به برگزاری میز کتاب نمودند. در این اکسیون، اطلاعیه های سازمان به زبانهای مختلف در اختیار بازدیدکنندگان که بخش زیادی از آنها توریست بودند، قرار گرفت. در این برنامه رفا، نقض حقوق بشر در ایران را برای بازدیدکنندگان شرح دادند. آرم سازمان برای بسیاری از توریستها و مردم اتریش بسیار جالب و عجیب به نظر می آمد و از این بابت تعدادی از آنها خواستار آشنایی با اهداف و حرکتهای سازمان می شدند.

گزارش: مهران رادپور

## یادداشت و گزارش

- الف. ش. مفسر

شکستی دیگر برای «اصول‌گرایان»

شکست سنگین دور دوم انتخابات برای جناح‌ها طرفدار ولی امر مسلمین جهان در حالی صورت گرفت که طین فریاد و اسلاما، به خاطر شرکت چند مهره سرشناس ۲ خرداد در «کنفرانس ننگین» برلین، هم چنان در «ام القرای اسلام» گوش فلک را کر می‌کرد و از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی و نشریات ارزشی به شکل گسترده و بی‌وقفه در این مقوله بحث جریان داشت و هنوز هم «اصول‌گرایان» از عزای این مصیبت بزرگ بیرون نیامده‌اند. اهمیت این شکست در آن است که گرچه تکلیف جناح ولی فقیه در مجلس ششم در همان دور اول انتخابات در ۲۹ بهمن روشن شده بود - و این امر به ویژه در شکست فصاحت بار رفسنجانی متبلور شد - اما در جریان برگزاری دور اول، هنوز ماجرای کنفرانس برلین پیش نیامده بود، هنوز «مقام معظم رهبری» در مصلی تهران از «اصلاحات آمریکایی» اظهار نگرانی نکرده بود و نسبت به آن اعلام خطر نکرده بود و نشریات ۲ خرداد را منتهم به رهبری شدن از یک مرکز توسط دشمنان نظام نکرده بود، هنوز این نشریات تعطیل نشده بودند و هنوز سپاه پاسداران پتکش را برای کوبیدن بر جمجمه منتقدان و «دشمنان» بالا نبرده بود. اهمیت این شکست، که باید آن را «شکستی بزرگتر از شکست سوم» دانست در همین است که «اصول‌گرایان» سینه چاک ولایت مطلقه فقیه (جناح‌ها) تلاش کردند تا آنجا که می‌توانند، از شرایط پیش آمده در ماجرای کنفرانس برلین، از تعصب مذهبی امت همیشه در صحنه، به خاطر شکسته شدن «تابوها» و تقدسها بهره برداری کنند.

در تحقق این هدف، پاسدار لاریجانی، مدیر عامل صدا و سیما رژیم ابتکار عمل را به دست گرفت و صحنه‌هایی از کنفرانس برلین را، - که گفته شده زنی به عنوان اعتراض به رژیم نیمه عریسان در آنجا ظاهر شده بود و دیگری با ظاهری «ایمانسوز» در آن رقمیده بود - در ایام سوگواری ماه محرم، (حدوداً یک هفته بعد از رویداد) از تلویزیون پخش کرد. در واقع در این اقدام جناح‌ها هر آن چه را که می‌شد و می‌توانست به عنوان ذخیره و توان ایدئولوژیک - استراتژیک خود، روی آن حساب کند، به داو گذاشت. اما نتیجه انتخابات روز جمعه ۱۶ اردیبهشت نشان داد که دیگر، منبع انگیزش مذهبی، برای راه انداختن وسیع توده‌های از خود بی‌خود و روانپزش علی‌ه مخالفان و منتقدان - آن گونه که ۲۰ سال پیش «امام خمینی» بهره برداری آن را آغاز کرد - به کلی خشکیده و دیگر با این انگیزه‌ها نمی‌شود پائینیا را بازی داد. آن گونه که پاسدار لاریجانی در واکنش به اعتراضات به نمایش صحنه‌های متواتر شده کنفرانس برلین گفت، وی قبل از پخش این صحنه‌ها از تلویزیون، با مدرسن حوزه علمیه و رئیس قوه قضائیه (و حتماً قبل از همه اینها با خامنه‌ای) مشورت کرده و آنها پخش این صحنه‌ها را تایید کرده‌اند، بعد از نمایش این صحنه‌ها از تلویزیون، همین منابع با اعلامیه‌هایی، این اقدام صدا و سیما جمهوری اسلامی را مورد تایید قرار دادند. از این بابت می‌شود نتیجه گرفت که چشم آیات عظام و حجج اسلام، دو بار با دیدن این صحنه‌ها روشن شده و چه بسا نوارهای ویدئویی آن را هم تهیه کرده و دیده به دیدن آن روشن می‌کنند. برخی از ناظران مسائل ایران، یا افرادی از جناح ۲ خرداد، اقدام جناح خامنه‌ای (جناح‌ها) در تهدید مطبوعات ۲ خرداد و تعطیل شدن اکثریت قریب به اتفاق آنها را شبیه کودتایی علیه ۲ خردادیها ارزیابی کرده‌اند، اما با توجه به این که قبل از برگزاری انتخابات کسانی مثل رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران و محمدرضا ترقی از اعضای شورای مرکزی هیأت مؤتلفه و نماینده مشهد در مجلس رژیم، با پیش بینی دست یافتن ۲ خردادیها به اکثریت کرسیهای مجلس، پیش آمدن احتمالی چنین وضعی را «کودتای

پارلمانی» ارزیابی کرده بودند، می‌توان گفت که پی آمدهای کنفرانس برلین و تعطیلی روزنامه‌های ۲ خرداد، یک «ضد کودتا» از سوی جناح‌ها علیه «کودتای پارلمانی» بود. البته این اقدام هم مثل جریانات تیر ماه سال قبل دردی از جناح‌ها را درمان نخواهد کرد، چرا که پائینیا در این جریانات به خاطر منافع اضطراری خود، نقش دارند. هم چنان که نتایج دور دوم انتخابات این واقعیت را به نمایش گذاشت. حالا جناح‌ها به کارگزاری شورای نگهبان، در اعلام نتایج انتخابات تهران هر روز یک باسبول درمی‌آورد. یک روز بازشماری صندوق را متوقف می‌کند و دلیل می‌آورد که اگر چه اختلافاتی در شمارش آرا مشاهده شده ولی تغییری در نتایج اعلام شده به وجود نمی‌آورد، چند روز بعد، دوباره به بازشماری روی می‌آورد و این بار اعلام می‌کند اختلافات و اشکالاتی در بازشماریها دیده شده که تاکنون در هیچ انتخاباتی در رژیم سابقه نداشته است. حالا فرض کنیم که حتی شورای نگهبان مثل چند مورد که در شهرستانها عمل کرد، حکم ابطال انتخابات تهران را صادر کند. بالاخره چه؟ انتخابات پو باره با همین کاندیداها باید برگزار شود. اگر احتمالاً انتخابات تهران باطل شود، جناح‌ها را با هدف «رای دهنده هر چه کمتر، نتیجه بهتر» این کار را می‌کند، یا با توجه به اعتراضاتی که در چند شهر با انگیزه اعتراض به ابطال انتخابات که برنده آن ۲ خردادیها بودند صورت گرفت، جناح‌ها به قصد ایجاد یک شورش که خارج از کنترل ۲ خردادیها باشد و در نهایت، ایجاد «شرایط بحرانی» مورد نظر رفسنجانی و رحیم صفوی این کار را می‌کند. این هم البته قمار بزرگی است که تنها به مغزهای از سهوت قدرت به کلی دچار اختلال شده ممکن است خطور کند، چون اگر هم موفقیتی برای آن مفروض باشد بسیار کوتاه مدت خواهد بود که بهای نهایی آن فروریختن کل نظام ولایت فقیه است. تجربه دو، سه سال گذشته، از جمله نتیجه همین دور دوم انتخابات مجلس، نشان می‌دهد که ارزیابی جناح‌ها از نقش پائینیا در استفاده از تضادهای دو جناح رژیم، غلط بوده است. دلیلی که می‌توان برای این امر ذکر کرد این است که جناح‌ها، هنوز نمی‌توانند و نمی‌خواهند بفهمند که مردم چقدر از این حکومت مرتجع مذهبی سرکوبگر - که اکنون جناح‌ها شنیع‌ترین درنده‌خوئیهای آن را در خود متجلی می‌کند، متنفرند.

## درماندگی خامنه‌ای

اگر اظهارات خامنه‌ای را در روز اول اردیبهشت ماه در مصلی تهران را با دقت بخوانید - از جمله این ناله‌های او که «به تیتتر مطبوعات که نگاه می‌کنی گویی همه چیز از در کشور از دست رفته» یا این ناراضی او که مطبوعات قانون اساسی و اصول اسلامی را مورد حمله قرار می‌دهند و زیر سؤال می‌برند - چیزی جز استیصال و درماندگی و دست و پا زدنهای مذبحخانه کسی را که هیچ کس قبولش ندارد و اختیار و کنترل امور از دستش خارج شده، نمی‌بینید. او در این سخنرانی جوانان و افکار عمومی را مخاطب خود قرار داد تا نگرانیهای خود را در مورد خطراتی که «انقلاب و اسلام» را تهدید می‌کند، با آنها در میان بگذارد. جوانان و افکار عمومی که جناح رقیب (۲ خردادیها) ده سال است تلاش می‌کند، خود را به آنها نزدیک کند. اما جناح‌ها به رهبری ولی فقیه در این یکی دو ساله با این واقعیت رو به رو شده که نمی‌تواند، نادیده بگیرد که جناح رقیب با عقب نشینی از برخی مواضع «اصول‌گرایانه اسلامی و انقلابی» در تلاش برای بهره برداری از این دو میدان است که خشم زیادی علیه اقدامات سرکوبگرانه رژیم روضه خوانها در آن مترجم شده است. خامنه‌ای چند روز قبل از سخنرانی در مصلی تهران، در نماز جمعه روز ۲۶ فروردین که مصادف با روز تاسوعا بود، یک بار دیگر بر ضرورت به کار گرفتن خشونت - این دفعه البته یک پسوند قانونی به آن اضافه کرده بود - تاکید کرد. شامگاه همان روز بسیجیان یا حزب الهی‌ها در شهر رشت، در اجرای «فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر» به حجاب

دختری که به تماشای دسته‌های عزاداری ایستاده بود، ایراد می‌گیرند و همین باعث زد و خورد بین جوانان و مردم حاضر در محل یا حزب الهی‌ها می‌شود و شورش و اعتراض مردم به نقاط دیگر شهر کشیده می‌شود که طی آن شیشه‌ها و بانکه‌ها و برخی اسکان دولتی می‌شکنند. تظاهرات روز بعد هم ادامه پیدا می‌کند. در واقع این اولین بار بود که ولی امر مسلمین جهان، به خاطر تشجیع اراذل و اوباش حزب الهی، بلافاصله چنین توهنی محکمی از پائینیا دریافت کرد و به همین خاطر بود که در آن صحبت‌های از موضع ظاهراً محکم رهبری در مصلی تهران، تاکید کرد که هیچ کس نباید به خاطر طرفداری او کار خلاف قانون بکند چون عناصر نفوذی دشمن ممکن است به بهانه این که «رهبری مظلوم واقع شده» در بین «جوانان مؤمن» نفوذ کرده سوء استفاده و جنجال درست کنند. این اظهارات نشان دهنده آن است که «مقام معظم رهبری» به شکنندگی موقعیت خود و مخاطره آمیز بودن اوضاع و به عدم توانایی خود در کنترل آن تا حدودی وقوف یافته است و نگران از عواقب این ناتوانی است. یکی از آخرین نشانه‌های این ناتوانی نتایج و عواقب تعطیلی روزنامه‌های ۲ خرداد بود. این امر باعث خفه شدن ۲ خردادیها شده. آنها نظرشان را از طریق بیانیه‌ها و مصاحبه با رادیوهای فارسی زبان اعلام کردند (تازه انتشار روزنامه‌های جدید هم منتفی نیست). از سوی دیگر این اقدام باعث تظاهرات متعددی از سوی دانشجویان در شهرهای مختلف علیه تعطیلی روزنامه‌ها شد که باعث و بانی آن مقام ولی فقیه و پیامد سخنرانی او در مصلی تهران بود.

برخی از گزارشها حاکی از آن بود که او از سران ۲ خرداد خواسته بود که دانشجویان را به پایان دادن به این اعتراضات که در اصل علیه اقدام ولی فقیه بود دعوت کنند.

## رفسنجانی در حوض ذلت

رفسنجانی، زخم خورده و لگدمال شده در جریان انتخابات و فرافاتده از مرکب تفرعن به اعماق نکبت و خفت، گویی که فرصت طلایی از ماجرای کنفرانس برلین به دست آورده باشد، با تکیه بر رهبر پوشالی اظهارات او فرصت را مغنم یافت که اظهار وجودی بکند و خط و نشانی برای ۲ خردادیها بکشد. رفسنجانی در نماز جمعه ۹ اردیبهشت به تملق بسیار از خامنه‌ای پرداخت و مواضع او در سخنرانی در مصلی تهران را امام گونه توصیف و گفت می‌تواند شهادت بدهد که «محتوای ذهنی» خامنه‌ای هم با محتوای ذهنی خمینی تطبیق می‌کند. رفسنجانی اوضاع کنونی و شرایط کنونی رژیم و جامعه را با سال ۶۰ مقایسه کرد و با خرسندی بسیار از این که خامنه‌ای صحبت از «اصلاحات آمریکایی» به میان آورده، این موضع گیری او را مثل موضع گیری «امام» در زمانی دانست که مسأله «اسلام آمریکایی» را مطرح کرد. (جالب است یادآوری کنیم که خامنه‌ای جزء جناحی از رژیم است که خمینی دیدگاههای آنان را مظهر «اسلام آمریکایی» و اسلام مرفهین بی‌دره» می‌دانست). رفسنجانی کنفرانس برلین را با عملیات شکست خورده آمریکاها در طیس مقایسه کرد و گفت: «به هر حال خداوند در جاهایی که ما حاضر نیستیم، با ملائکه خودش از انقلابش حمایت می‌کند که این [کنفرانس برلین] یک نمونه روشن حمایت الهی است که خوشبختانه فیلمش را گرفتند». با توجه به این که جناح‌ها، جنجال بر سر کنفرانس را با نمایش فیلم رقص زنی عریان یا نیمه عریان راه انداخت که رفسنجانی هم در صحبت‌هایش به آن اشاره کرد، ما نفهمیدیم آن «ملائکه خداوند» که در این ماجرا انقلاب را به قول رفسنجانی حفظ کرده‌اند، همان کسانی بودند که در کنفرانس برلین عریان شده و می‌رقصیده‌اند - «که فیلمش را هم گرفتند» - یا جور دیگری ظاهر شده‌اند؟ اظهارات رفسنجانی حمله‌های شدیدی از جانب ۲ خردادیها به وی را سبب شد که بیشتر در روزنامه بیان که توسط علی اکبر محتشمی (وزیر کشور کابینه میرحسین موسوی) منتشر می‌شود، منعکس شد و

فقیه در صفحه ۷

## یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۶

بیشتر منتقدان به او یاد آوردند که مقایسه شرایط امروز - که بخشی از عناصر رژیم با اختلاف دیدگاه اما در چارچوب نظام و قانون اساسی فعالیت می کنند، با سال ۶۰ که رژیم با گروههایی که به مبارزه مسلحانه با رژیم پرداخته بودند، درگیر بود - مقایسه بی ربطی است. حتی طبریزی در مصاحبه با رادیو بی بی سی یادآور شد که فرسنگانی از آغاز سال ۷۸ با انتشار خاطراتش سعی در بحرانی نشان دادن اوضاع کنونی داشته و در ضمن خود را هم به عنوان فردی که توانایی مدیریت بحران را دارد نشان داده است. او فرسنگانی را متهم کرد که در پشت تمام بحران‌های اخیر قرار داشته تا خاتمی را کنار بزند و اکنون با سخنرانی در نماز جمعه ۹ اردیبهشت این نیت خود را با «شفافیت» بیان کرده است.

هنوز تا تعیین تکلیف قطعی انتخابات تهران باید منتظر اتفاقاتی بود که باز هم پای فرسنگانی به هر حال به آن کشیده خواهد شد و به هر حال جز گندمال شدن چیزی نصیبش نخواهد شد. چون تمام مشکلات مربوط به اعلام نتایج انتخابات تهران از شرکت او در انتخابات ناشی شده است. با این که بعد از اعلام اولیه نتایج انتخابات که او را در ریف سی ام نشان می داد (که در همین هم بحث و جدل بود)، او می توانست انصراف خود را اعلام کند و کنار برود تا هم قاتل قضیه را بخواباند هم برای خود کمی وجه در برابر رقیب دست و پا کند، اما او با سماجت می خواهد هر طور شده و به هر قیمتی وارد مجلس شود تا در آن جا با تکیه بر نماینده های جناح هار و اعمال نفوذ روی عناصر تازه کار یا بزدل و کسانی از کارگزاران، به ایفای نقش در «تعدیل سیاسی» و اعمال نظر در امور به پردازد. این کار هم البته در صورت عملی شدن جز بی آبرویی بیشتر برایش چیزی به ارمغان نخواهد آورد.

## تعارفات و تذکرات در کشمکش خامنه ای و خاتمی

ماجرای کنفرانس برلین که به سبب «ابتکار» نوع آوری در اعتراضات ایرانیان خارج کشور علیه رژیم، توفانی در رژیم روضه خوانها به پا کرد، به تعقیب و پیگرد قضایی شرکت کنندگان آن، از جمله شرکت کنندگان ۲ خردادی محدود نشد، بلکه حمله به دولت خاتمی و شخص وی، از طریق چهره ها و مطبوعات جناح رقیب را هم به دنبال داشت. با این حال خاتمی در مقابل حمله های شخص رهبر به «اصلاحات آمریکایی» و شلیک سنگین تیوخانه تبلیغاتی جناح رقیب، به پاسخگویی به جناح رقیب و به طور غیر مستقیم به اظهارات ولی فقیه سید علی خامنه ای پرداخت. گمان نمی کنم مبالغه باشد اگر گفته شود که به رغم تعارفات «مقام معظم رهبری» در مورد رئیس جمهور متدین محترم و تعارفات و ستایشهای این یکی از «مقام معظم رهبری»، این دو آخوند حتماً چشم دیدن یکدیگر را ندارند. البته دعوی خاتمی با رهبر، به رعایت حد و حدود «قانونی»، اختیارات رهبر محدود می شود، اما خامنه ای، حاضر نیست به «قاعده بازی» تن در دهد. در این کشمکش البته اختلاف نظر در سیاستها و دیدگاهها در یافتن راه حل برای کلیه مسائلی که رژیم هم در زمینه سیاست داخلی و هم سیاست خارجی با آن رو به روست نقش اساسی دارد. خامنه ای - هم چنان که برخی از آیت الله های جناح هار در مورد نقش و اختیارات فراقانونی ولی فقیه تاکید و تصریح می کنند - برای خودش نقش فراقانونی قائل است و حاضر نیست به قاعده بازی تن در دهد. در این کشمکش، از آن چه در نشستها و جلسات خصوصی و محرمانه خودشان می گذرد طبیعتاً چیزی در بیرون منعکس نمی شود یا به طور شایعه و شبانه ممکن است افکار عمومی از آن مطلع شوند، اما در لا به لای گفته ها و

سخنرانیهای طرفین می شود «جوابهای پاکتی» یا غیر مستقیم یکی به دیگری را دریافت. مثلاً دو روز بعد از سخنان خامنه ای در مصلي تهران، خاتمی در دیدار با کارکنان وزارت علوم و فن آوری، به حمله ها و اتهامات جناح رقیب، از جمله موضع گیریهای اسلام مدارانه خامنه ای و اطلاعیه جمعه کوب سپاه پاسداران، به طور غیر مستقیم، اما به اندازه کافی «شفاف» پاسخ گفت. به نوشته روزنامه رسالت ۴ اردیبهشت وی از جمله با اشاره به این که «انقلاب از مردم است ... و حق نظارت مردم بر نهاد قدرت به رسمیت شناخته شده، مردم نه در قول بلکه در عمل باید به حساب بیایند» این سؤال را مطرح کرد که: «چرا ذهن جامعه مؤمن تحریک می شود که دین از بین رفت؟ ... چرا زمینه سازی می شود تا جامعه به نام دفاع از ارزشها به سوی بی قانونی و خشونت سیر کند». به نوشته رسالت خاتمی «با اشاره به حوادث دوران انتخابات ریاست جمهوری» گفت: «جریانی که پایگاهش معلوم و وظیفه اش حفظ امنیت کشور بود، علنی این نظر را مطرح کرد که با آمدن خاتمی، هم اسلام، هم امنیت از بین خواهد رفت و آن را بسیار ترویج کردند. آیا بسیاری از بحران‌های امروز ادامه آن حرکت نیست که وانمود کنند دین و اسلام از بین رفت». بنا بر همین گزارش وی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: «حرکت اصلاح گری در جهت پایه های استوار دین داری، معنویت و تقویت و نهادینه کردن نظارت مردم، بر نهاد قدرت است و هیچ کس حق ندارد اسلام، انقلاب، ارزشها، خون شهدا، حقوق اساسی و آزادیهای مشروع ملت را به نفع جناح و پاند خود مصادره کند، گروهها هر چه می خواهند بگویند اما اینها متعلق به نظام و ملت ماست». خاتمی هم چنین با اشاره به نامگذار سال ۷۹ به نام سال امیرالمومنین، با شعار امنیت و وحدت ملی (که ابتکار خامنه ای بود) گفت: «حضرت امیر (ع) در اوج قدرت بزرگترین مدافع حقوق انسانها و تشجیع کننده مردم بود که به من نصیحت و انتقاد کنید». این اشاره خاتمی به وضوح خطاب به خامنه ای بود که اصلاً به نظر می رسد، هیچ امکان خطا و اشتباهی برای خودش قائل نیست و عملاً انتقاد از او ممنوع است و سه روز قبل از این سخنان خاتمی، همه منتقدان «خودی» را کارگزار یا آلت دست «شمن» به حساب آورده بود و در پی آن موج تعطیلی و پیگرد قضایی روزنامه های ۲ خردادی را در هم نوردید. ملاحظه می کنید که موضع گیری های خاتمی در این سخنرانی، پاسخ صریحی است هم به خامنه ای، هم به سپاه پاسداران و هم دیگر «اصول گرایان» که در «نشریات ارزشی» عملکرد دولت وی را به ویژه در زمینه منطبق نبودن سیاستهای فرهنگی آن با «ارزشهای انقلاب اسلامی» است که البته «شهدان ایثارگر» برای حفظ آن جان داده اند، سیاستهایی که «پایه های اسلام و انقلاب و اعتقادات مردم خداجوی همیشه در صحنه» را مورد حمله قرار داده است. خاتمی چند روز بعد، در دیدار با کارگران نمونه در ۱۰ اردیبهشت ضمن تعارفات و تاییداتی در مورد «مقام عظم رهبری» یادآور شد: «ملت ایران انقلابی بوده و انقلابی خواهد ماند و خواستار نظام دینی و اسلامی است و هیچ حرکتی نمی تواند در جریان رو به رشد و تکامل بخش انقلاب یعنی اصلاح طلبی ملت ایران وقفه ایجاد کند ... ملاحظه می کنید هنوز نمی شود گفت چه کسی در برابر چه کسی، سپر انداخته و میدان را برای حریف خالی گذاشته است. جدال ادامه دارد.

## جدل در «قرائتهای متفاوت» از دین

جدال جناحها و یاندهای مختلف رژیم، در تعبیر و تفسیر از دین و مقوله های مربوط به آن، روز به روز شدت بیشتری می یابد و برداشتهای جناح هار با سایر باندها و گروههای تشکیل دهنده «جبهه دوم خرداد» و حواشی آن، فاصله بیشتری از هم می گیرد. این گرفتاری در زمان خمینی هم برای رژیم روضه خوانها وجود داشت و به شکل گره کوری در آمده بود که آن روزها در

اختلافات بین شورای نگهبان و اکثریت خط اساسی مجلس منعکس می شد. در زمان حیات خمینی، نه مطرح شدن مسأله «احکام ثانویه» و نه تشکیل «جمع تشخیص مصلحت نظام» این درد بی درمان را دوا نکرد. هم چنان که نامه «حجت الاسلام انصاری» به خمینی که بالاخره حق با کدام یک از دو جناح اصلی رژیم - که در آن زمان به طرفداران «فقه سنتی» (جناح هار کنونی) و «فقه پویا» (جمع روحانیون ۲ خردادی شده کنونی) تقسیم شده بودند - است، ضمن پرت و پلاهایی که گفت یادآور شد که از هر دو گروه حمایت می کند و «فقه سنتی هم پویاست» و آنها را به تفاهم دعوت کرد. روزنامه های رژیم در آن زمان، به پاسخ خمینی به انصاری، عنوان «منشور برادری» دارند. اما زیاد طول نکشید که بالاخره طرفداران «فقه پویا» در آخر سال ۶۶ از جامعه روحانیت مبارز انشعاب کردند. این رویدادها مربوط به ۱۲ سال پیش است. از آن زمان تا کنون اختلافات از سطح مسائل فقهی و جدلهای فقیهانه در بالا به سطوح کارشناسی و کارگزاران و عمده های نظام گسترش یافته و خیلی از مباحث و مسائل حوزه «تفکر دینی و تاریخی» رژیم را در بر گرفته است. اشاره به مواردی از این اختلاف نظرها که اخیراً در روزنامه جمهوری اسلامی ۸ اردیبهشت، انتشار یافت نشان دهنده آشفتگی، تناقضات و اختلافات شدید، بین عناصر به اصطلاح «متفکر و اهل فن» رژیم است. در مطلب مفصلی که در روزنامه جمهوری اسلامی ۸ اردیبهشت با تیتیر «صریح و صمیمی با رئیس جمهور» با امضاء «سعدالله زارعی» چاپ شد، انتقادات شدیدی از عملکرد دولت وی و افراد نزدیک به این دستگاه یا مورد حمایت آن یا عناصر ۲ خرداد شده که موارد متعددی از آنها «اهانت به اسلام و قرآن، ارزیابی شده است. از جمله این که در روزنامه بی که «یکی از مشاورین نظریه پرداز» خاتمی منتشر می کرده (حالا تعطیل شده) در مطلبی نوشته شده بوده که «سوره یوسف پر از تناقض است و با عقل سازگاری ندارد» یا یکی از استادان مورد حمایت وزیر ارشاد، در دانشگاه علم و صنعت در سخنرانی عمومی گفته است: «فقه به درد امروز نمی خورد و احکام آن از دایره پول و استیوا فراتر نمی روده یا یکی از کسانی که «مورد حمایت لاقابل برخی از اعضای کابینه» خاتمی است در باره فقه شیهه صریحاً گفته است: «ریشه خشونت و ترور در فقه شیعه است». نویسنده مقاله هم چنین مدعی شده است: «امه هدا، معصومین (علیهم السلام اجمعین) نیز از تیرس هوداران جبهه موسوم به دوم خرداد، در امان نبوده اند» و در این زمینه به خاتمی یادآور شده: «جنابعالی در برابر اهانتی که در روزهای ۲۳ فروردین، ۱۸ اردیبهشت، و ۲۳ اردیبهشت ۷۸ در روزنامه صبح امروز به پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) و سیدالشهدا (ع) شد و در مقاله «خون بر خون شستن محال آمد محال» صراحتاً نوشته شد «اگر فرزندان پیامبر در روز عاشورا با خشونت به خاک و خون کشیده شوند، نتیجه خشونت بود که جد و پدرشان در جنگ صفین اعمال کرده بودند»، چه واکنشی نشان داده آید ... آیا روزنامه دیگری که آن نیز مورد حمایت وزیر ارشاد است، متن زیارت عاشورا (که میراث گرانبهای امه است) را متنی خشونتبار خواند و پیشنهاد نکرد آن را به کناری بگذاریم ... ملاحظه می کنید که رژیمی که هزاران تن از فرزندان آزاده و انقلابی ایران را به عنوان مرتد و محارب و مفسد فی الارض و برای «آماده شدن زمینه برای ظهور امام زمان»، قتل عام کرد حالا به چه روزی افتاده است. بگذار با آن چماق تکفیری که ۲۰ سال بر سر این مردم و اندیشمندان و روشنفکران کوبیدند، مدتی هم جناحهای این رژیم جنایتکار بر سر یکدیگر بکوبند، مردم ما شادمان می شوند.

۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۹

(۹ مه ۲۰۰۰)

## پینوشه و تاجر دوروی یک سکه

(ملاحظه ای کوتاه بر آزادی  
پینوشه جلاذ خلق شیلی)

— ب. محله

حدس می زنید که اگر مارگرارت تاجر به جای روح الله خمینی پس از انقلاب ضد سلطنتی ۵۷ در ایران بر اریکه قدرت می نشست آیا در آن چه که تاکنون اتفاق افتاده است فرق چندانی حاصل می شد؟

هفده ماه پیش در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۸، آگوستینو پینوشه، این مؤمن نمازگزار و دیکتاتور سابق شیلی که توانسته بود با کودتای جانانه ای خلقی را از شر «فاجعه سرخ» برهاند، بر اثر حکمی که از سوی دادستان اسپانیایی صادر شده بود در محل سکونتش در انگلستان زیر نظر قرار گرفت. حکم بازداشت و استرداد پینوشه به مقامات قضایی اسپانیا در ابتدا بر اساس جرایمی که وی علیه خارجیهایی مقیم شیلی در دوران سیاه حاکمیتش مرتکب شده بود قرار داشت. اما از آنجا که این انسان «نازنین» کارنامه ی درخشانی در جرم - و - جنایت ارایه داده بود، به زودی از گوشه - و - کنار جهان شاکیهایی بسیاری سر برآوردند و برای مدتی این گونه به نظر می رسید که عرصه بر جناب پینوشه تنگ شده باشد. پرونده وی در محافل قضایی چندین کشور عمده اروپایی و آمریکای شمال (کانادا) به چرخش افتاده بود. و سازمانهای مدافع حقوق بشر و گروههای مردمی سخت در تکاپوی به دادگاه کشاندن وی بودند.

در کنار این جریان، اما، تردیدی نبود که مرتجع ترین محافل سرمایه داری نیز بی کار نخواهند نشست. و اکنون که این خدمتگزار دیروز به روز بد گرفتار آمده است و برای پیشگیری از یک دادگاه احتمالی جهانی که در اساس ممکن بود علیه خودشان بدل شود، برای نجاتش به هر کاری دست خواهند زد. از همان روزهای نخست این مسأله کاملاً آشکار بود و بسیاری ریاکارانه و زیر پرده و بسیاری نیز آشکارا و زیر این عنوان که پینوشه خادم دنیای غرب در دورانی طوفانی بوده است، به حمایت از او برخاستند. بسیاری نیز با شعیبه بازی و آوردن نامه‌های زنده و مرده و از هر قماش سعی وافر در آلوده سازی فضا و کم رنگ کردن اهمیت قضیه داشتند. از جمله محافل امپریالیستی آمریکا برای انحراف ذهنان عمومی مذبحخانه سعی در طرح شکایتی علیه فیدل کاسترو رهبر کوبا توسط مزدورانشان درمیامی نمودند. به هر حال، تلاشهای زیادی برای جلوگیری از تشکیل دادگاه رسیدگی به جرایم پینوشه در اسپانیا، که به احتمال زیاد به ریشه یابی جریان کودتا نیز نمی پرداخت، از هر سو آغاز شد.

البته برخی از نیروهای سیاسی (از جمله Pathfinder در آمریکا و کانادا) با این استدلال که پرونده ی پینوشه صرفاً در کشورهایی به چرخش افتاده است که خود در زمره کشورهای امپریالیستی قرار

دارند، با استرداد پینوشه به اسپانیا و راه اندازی دادگاهش مخالف می کردند. این جریانهای سیاسی معتقد بودند که محاکمه پینوشه در هر یک از این کشورها صرفاً در جهت منافع خاصشان بوده و در مجموع باعث تطهیر و مشروعیت امپریالیسم خواهد شد. به عبارت دیگر کشورهای امپریالیستی صلاحیت محاکمه پینوشه و بررسی پیشینه معلو از جنایت وی را نداشته و او تنها می باید در یک دادگاه صالحه برآمده از اراده مردم محاکمه شود!

صرف نظر از این که استدلال بالا تا چه اندازه می تواند درست باشد، این نکته را باید در نظر داشت که در شرایط حاضر صدور حکمی این گونه به معنای موکول به محال کردن چنین امری است. واقعا که امروز در کجای دنیا چنین محکمه ای را سراغ داریم؟ و اگر هم داشته باشیم، تا چه اندازه بردن وی به آن جا عملی است؟ در مجموع، سوی این گونه نظرات ناب، موضع درست همان بود که بسیاری از گروهها اتخاذ نمودند، و آن مبارزه برای واداشتن کهنه استعمار انگلیس به تحویل دادن این آدمخوار نمونه قرن بیستمی به اسپانیا و استفاده حداکثر از موقعیت به دست آمده برای افشا هر چه بیشتر بورژوازی جنایت پیشه امپریالیستی، که در تمام دوران حاکمیت پینوشه بر سرنوشت خلق شیلی از او با تمام نیرو حمایت کرد، بود. امروز نیز همین بورژوازی که به دلیل یک قطبی شدن جهان، افسار گسیخته است، هم چنان سرگرم پاسداری از مرتجع ترین رژیمها، از جمله رژیم جمهوری اسلامی در ایران و دیکتاتورهایی مانند سهارتو در اندونزی است. به راستی که نباید هیچ فرصتی را در افشا جنایت کاران و حامیان پنهان و آشکارشان از دست داد. برای مثال قضیه دادگاه میکونوس هنوز از یادها نرفته است و می تواند بسیار آموزنده باشد. به رغم همه بند و بستهای امپریالیستی و کارشکنیهای دولت (به ویژه وزارت خارجه) آلمان، دادگاه (یک کشور امپریالیستی) رأی به محکومیت بالاترین رهبران رژیم جمهوری اسلامی داد؛ و این میسر نمی شد الا در سایه کار شبانه روزی همه نیروهایی که در جهت مبارزه علیه جمهوری اسلامی بسیج شده بودند.

به هر حال، در تمام مدتی که پینوشه در محل سکونتش در حومه لندن زیر نظر قرار داشت، به موازات فعالیت تمامی انسان دوستان برای به محکمه کشاندن وی، اردوی نیروهای مرتجع نیز بی کار ننشسته بود. حتماً پینوشه نیز بعد از «خدای خودش»، چشم امیدش به دوستان دیرینه اش در این صف طولانی دوخته شده بود؛ و حقیقتاً هم که این دوستان از نظر عددی کم نبوده و نیستند. در میان این دوستان پنهان و آشکار، اما، مارگرت تاجر (مرتجع نامداری که به «خانم آهنین» ملقب شده است.) شاید از همه وفادارتر به این دوست قدیمی بود. (امیدوارم که سخمن در باره ایشان فینیسستهای سطحی را چندان آزرده خاطر ن سازد. منظورم همان فینیسیم مبتذل

است که آماده است تا هر کسی را به صرف زن بودن بستاند. در حقیقت وقتی که به کارنامه ی این نوع فینیسیم می نگریم به طور عمده به امثال تانسوچیللرها و مارگرت تاجرها بر می خوریم که مورد ستایش اند و بس.)

تاجر، که نماینده مجلس لردهای انگلستان نیز هست، در تمام دورانی که ژنرال خون آشام در محل سکونتش در حومه لندن زیر نظر قرار داشت، تمام تلاشش را برای آزادی وی به کار بست. یکی از مواردی که خانم آهنین، مرتب به آن اشاره کرده است، خدمات ذی قیمت ژنرال پینوشه به استعمار انگلیس در تجاوزاتش به جزایر مالویناس و جنگ کوتاه مدتی است که در سال ۱۹۸۲ علیه آرژانتین به راه انداخته بود. ولی خدمت بزرگتر این نوکر به ولی نعمتهایش جنایتهای ضد بشری وی در داخل شیلی بود. چیزی که تاجر با قساوت تمام امروز از آن به عنوان امری داخلی یاد می کند. حال معلوم نیست که چرا در سال ۱۹۷۲ روی کار آمدن یک دولت سوسیالیست در شیلی، آن هم از طریق انتخابات، یک مسأله داخلی باقی نماند؟ واقعیت آن است که کودتای سال ۱۹۷۳ علیه دولت انقلابی آئنده به هیچ روی یک امر صرفاً داخلی نبوده و به اشاره امپریالیستها و در هراس از دست دادن استراتژیکی آمریکای لاتین صورت گرفت. آن هنگام که پای منافع سرمایه داری هار امپریالیستی در میان باشد، امور داخلی ملتها به هیچ انگاشته شده و تمام شعارهای توخالی پارلمانتاریسم و دیوکراسی نیز رسماً باد هوا می شود.

نکته جالب این است که پس از رفع محدودیت از پینوشه و هنگام بازگشتش به شیلی، تاجر بشقاب گرانبایی را که در سال ۱۵۸۸ و به مناسبت گرامی داشت شکست انگلستان از ناوگان اسپانیا طراحی شده بود، به وی هدیه داد. او هم چنین در این باره گفت که: «بازگشت او (پینوشه) به شیلی شکست تمام عیار اسپانیا را در تلاشش برای تحمیل استعمار قضایی تضمین می نماید. و لابد از این رهگذر تمام ساکنان کره زمین به این خانم یک تشکر نیز از بابت رفع شدن خطری که از سوی اسپانیا متوجه شان بود بدهکار هستند. به نظر می رسد همان گونه که وزیر خارجه اسپانیا نیز گفته است، این پیرزن از کمبود آهن به شدت رنج می برد و مشاعرش را دارد از دست می دهد. (همان طور که همتای آمریکایی اش سالهاست از دست داده است). شاید بد نباشد که این خانم نیز هم چون دوست شیلیایی اش نژد دکتری برای معاینه مشاعرش برود. (نقل به معنا از وزیر خارجه اسپانیا) به هر حال، نوع هدیه ای که وی به پینوشه داده است حکایت از آن دارد که چگونه پیر سیاست گزاران استعمار هنوز در سودای دوران عظمت استعماری شان به سر می برند و در فکر عقده گشاییهای قرون وسطایی هستند. تردیدی نیست که اگر آن عظمت از دست رفته را، که آفتاب در امپراتوری ملکه انگلستان هیچ گاه غروب نمی کرد، امکان بازگشتی نبود. کم نیستند

همانندهای تاجر که برای احیاء آن سر و دست بشکنند. آن چه که تاجر آشکارا و دیگر سیاستمداران فرومایه در نهان انجام داده اند چیزی جز دهن کجی آشکار به بشریت و حقوق شناخته شده آن بیست. حقوقی که همواره یا مستقیماً به دست همینها و یا با واسطه مزدوران و خدمتگزارانشان در سراسر جهان و به ویژه جهان سوم به انحاء گوناگون پایمال می شود.

حال بد نیست که به سوآلی که در ابتدا مطرح شد نظری بیفکنیم. آیا واقعا تفاوتی بنیادی میان تاجر و خمینی به طور اخص و به طور اعم میان سرمایه داری پیشرفته جهان اول و سرمایه داری ورشکسته وابسته جهان سوم وجود دارد؟ اگر به فرض، تاجر را در معادلات سیاسی یک کشور جهان سوم قرار دهیم، او چه چیزی از ایدی امین، حاکم پیشین اوگاندا کم خواهد داشت که گفته می شود از تاجران انگلیسی کولی می گرفت (و از این بابت احتمالاً قند توی دل حزب توده و باند موسوم به اکثریت آب می کرد) و از گوشت انسان تغذیه می نمود. تاجر را به جای خمینی بگذارید. آیا فکر می کنید لحظه ای در کشتار کمونیستها و دیگر انقلابیون تردیدی به خود راه می داد؟ اصلاً او را به جای همین حضرت پینوشه در شیلی سال ۱۹۷۳ بگذارید. آیا در سفاکی چیزی از او کم خواهد آورد؟ به گمان من پاسخ به همه این سوآلها، با توجه به گذشته و حال وی. آن هم در یک کشور به اصطلاح جهان آزاد. منفی است. سرمایه داری هر گاه که نتواند به اهرمهای «قانونی» مردم را ساکت نماید در استفاده از حربه دیر اشنایش تردید به خود راه نمی دهد. این امر هزار بار آزموده را باز هم می توان آزمود. به عنوان مثتی از خروار مایلم از سرکوب وحشیانه تظاهرات دانشجویان و سازمانهای مترقی کانادا در سال ۱۹۹۸ که در اعتراض به حضور دیکتاتور اندونزی در ونکوور کانادا برپا شده بود، یاد کنم. آیا فرق چندانی بین آن چه که پاسداران جهل و جنایت در تابستان گذشته در ایران انجام دادند با آن چه که پلیس کانادا در ونکوور انجام داد، می توان یافت؟ و آیا باید از این مسأله که فی المثل دولت کانادا به مقاومت بر حق مردم ایران در برابر دیکتاتوری مذهبی حاکم بسر چسب تروریسم زده و از سوی دیگر همه گونه امکانات را برای فعالیت تروریستهای جمهوری اسلامی فراهم می سازد دچار تعجب شد؟ چه تعجبی که اینها از هم قماشانند!

شاید بتوان گفت که در کشورهای جهان اول، سرمایه داری معمولاً پس از طی همه ی راههای «قانونی» به حربه ی دیراشنایش متوسل می شود. در حالی که در جهان سوم قانونی ترین حربه ی سرمایه داری توسل به سرکوب خشن و بی رحمانه است. ژنرال پینوشه که توسط دولت علیاحضرت ملکه و تحت توجهات «خانم آهنین»، آزاد شده است تا بتواند به ریش همه دنیا بخندد یکی از برگهای سرمایه داری در جهان سوم بود.

۱۶ مارس ۲۰۰۰

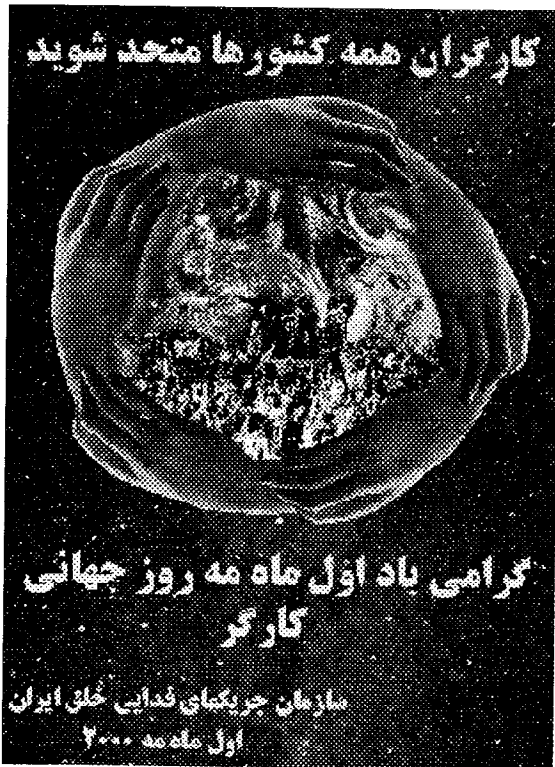


## اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

اول ماه مه، روز جهانی کارگران را به تمامی کارگران و مزدبگیران جهان و به تمامی زنان و مردانی که برای تحقق آزادی، عدالت و لغو تمامی انواع ستم و استثمار مبارزه می کنند تبریک می گوئیم.

در سال گذشته به موازات تهاجم عنان گسیخته انحصارات سرمایه داری به سطح زندگی و معیشت مردم، شاهد رشد و گسترش مبارزه کارگران و مزدبگیران در سراسر جهان بودیم. برجسته ترین و مهم ترین رویداد مبارزاتی در سال گذشته، جنبش اعتراضی در جریان برگزاری اجلاس سازمان جهانی تجارت در سیاتل (آمریکا) بود. ایحاد این جنبش و گستردگی پایگاه اجتماعی آن نشان داد که ندای حق طلبی و عدالت خواهی هرگز خاموش نخواهد شد.

در سال گذشته جنبش کارگری در ایران ایحاد وسیعی یافت. کارگران و مزدبگیران ایران به صدها حرکت اعتراضی (اعم از تحصن، گردهمایی، اعتصاب و تظاهرات) دست زدند. در روز اول ماه مه سال گذشته، کارگران تهران در یک تظاهرات گسترده، خشم و نفرت خود را از سیاستهای ضد کارگری رژیم استبدادی و مذهبی نشان دادند. در مقابل حرکت گسترده کارگران، مجلس ارتجاع در مورد قانون محروم کردن بخشی از کارگران از شمول قانون کار، دست به یک عقب نشینی موقتی زد. اما در اسفند ماه گذشته مجلس ارتجاع به تصویب این قانون ضد کارگری که حدود ۳ میلیون از کارگران و مزدبگیران کشور را فاقد هر گونه حقوق کار اعلام می دارد، پرداخت. تصویب این قانون ضد کارگری، با واکنش گسترده کارگران و مزدبگیران ایران روبرو شد. در این میان دارو دسته «حزب اسلامی کار» و «خانه کارگر» برای کنترل جنبش اعتراضی کارگران کوشیدند تا این مبارزه را در چارچوب جناحها و باندهای درونی رژیم و به ویژه در چارچوب نیروهای ۲ خرداد چارچوب مبارزه خود عوامفریبی این دارو دسته های ضد کارگری و افرادی مثل محمد جعفر محبوب، سهیلا جلودارزاده و شرکایشان را خنثی کردند. روزنامه مشارکت در شماره ۱۹ اسفند خود می نویسد:



«گفتنی است در گوشه ای از تجمع کارگران، چند تن از کارگران علاوه بر آن که علیه مصوبه مجلس شعار می دادند، علیه خانه کارگر و دبیر کل آن نیز شعاری می دادند و معتقد بودند که خانه کارگر بیش از هر کس دیگری به کارگران خیانت کرده است.»

کارگران و مزدبگیران ایران در سال گذشته نشان دادند که تسلیم سیاستهای ضد کارگری رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و هیچ یک از دسته بندیهای درونی آن نمی شوند. مبارزه متحد آنان در موارد بسیار رژیم را مجبور به عقب نشینی نمود. اکنون دیگر برای کارگران و مزدبگیران ایران بیش از هر کس روشن شده که دار و دسته خاتمی هیچ اقدامی برای بهبود وضع زندگی آنان انجام نداده است. برای نجات از شرایط فلاکت باری که کارگران بدان دچار هستند و برای نجات مردم ایران از استبداد، جهل، فقر، فحشاء و عقب ماندگی، مبارزه متحد و یکپارچه کارگران و مزدبگیران ایران می تواند نقش تعیین کننده داشته باشد.

کارگران ایران می توانند و باید پیشتاز مبارزه علیه حکومت مذهبی و برای تحقق دموکراسی، عدالت و جدایی دین از دولت باشند. تحقق خواسته های عموم مردم ایران و به ویژه کارگران و مزدبگیران، تنها از طریق سرنگونی نظام ولایت فقیه و تمامی دسته بندیهای درونی آن امکان پذیر است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه اول ماه مه، از کارگران سراسر جهان می خواهد که به کارگران ایران در مبارزه برای رهایی کشور از چنگ نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه یاری رسانند. ما از سازمان جهانی کار می خواهیم که نام رژیم حاکم بر ایران را همچنان در لیست سیاه حفظ نموده و به جمهوری اسلامی برای به رسمیت شناختن حقوق حقه کارگران بیش از پیش فشار وارد نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خواستار حمایت اتحادیه ها و سندیکاها کارگران و مزدبگیران جهان از مبارزه کارگران ایران است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - ۳۰ فروردین ۱۳۷۹

### اخبار کارگری -

۱۰۰۰ احضار و دستگیری در یک سال

روزنامه همشهری ۱۱ اردیبهشت: به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) حزب اسلامی کار با صدور بیانیه یی بر تحقق خواسته های کارگران، از جمله قانونی شدن حق اعتصاب، برقراری کامل بیمه بیکاری و ضرورت ایجاد فرصتهای شغلی تازه تاکید کرد. فشارهای روانی و صنفی بسیار زیادی از جانب مدیریت واحدها و نیز از جانب دستگاههای امنیتی به اعضای تشکلهای کارگری وجود دارد. شمار دستگیریها، احضارها و بازجوییها از اعضای تشکلهای کارگری تنهادر سال گذشته، از مرز یک هزار مورد گذشته و چشم انداز مطلوبی برای جنبش کارگری ایجاد نکرده است.

آمار کارکنان دولت - سال ۱۳۷۸ جمهوری اسلامی ۳۱ فروردین: روابط عمومی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، آخرین آمار نیروی انسانی بخش دولتی کشور را اعلام کرد. بر اساس این آمار، مجموع کارکنان دستگاههای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی در سال گذشته ۲ میلیون و ۲۵۲ هزار و ۶۲۵ نفر بود که از این تعداد، یک میلیون و ۵۰۲ هزار و ۴۲۴ نفر مشمول

خط فقر ۷۰ هزار تومان است روزنامه خبر ۷ اردیبهشت: مدیر کل اداره کار

و امور اجتماعی استان تهران با اشاره به طرح معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار گفت: این طرح نه تنها به زیان کارگر بلکه به زیان صنعت کشور است. محمد بخشعلی افزود: در حال حاضر که هنوز این طرح به مرحله اجرا در نیامده است ۳۰ تا ۴۰ درصد از کارگران استان تهران بیمه نشده اند که بخش اعظم این افراد در کارگاههای کوچک مشغول کار هستند. وی تعداد کارگران بیمه شده را یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام کرد. وی در ادامه گفت: در حالی که از سوی بانک مرکزی خط فقر ۷۰ هزار تومان اعلام می شود، یک کارگر ۴۶ هزار تومان حقوق می گیرد.

تجمع کارگران علا الدین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق همشهری ۱۳

اردیبهشت: جمع کثیری از کارگران علا الدین صبح دیروز با تحصن در مقابل کارخانه در جاده مخصوص کرج اقدام به بستن این جاده کردند. ۳۰۰ نفر از کارکنان این کارخانه به خاطر مشکلات عدیده و برطرف نشدن آن از سوی مسئولان ذیربط از ساعت ۱۰ صبح با بستن جاده مانع رفت و آمد خودروها شدند. ماموران کلانتری ۱۵۴ با حضور در محل از آنان خواستند که به این حرکت غیر قانونی خاتمه دهند. یکی از کارگران این کارخانه علت تحصن خود را نداشتن مدیر و هیات مدیره بیان کرد. وی گفت: به خاطر نداشتن مدیر و هیات مدیره با عدم پرداخت حقوق و مزایا روبرو هستیم. وی گفت: به مدت ۴ سال است که با این مشکلات از قبیل قطع آب و برق و گاز و تلفن دست دیگر نمی توانیم تحمل کنیم.

سه کارگر کشته و مجروح شدند همشهری ۲۲ اردیبهشت: به دنبال ریزش خاکک به داخل پی یک ساختمان در حال احداث در میدان اردبیل ۲ کارگر ساختمان کشته و یک کارگر نیز مجروح شد.

اردیبهشت: مدیر کل اداره کار

## یک گزارش تکان دهنده

## از چالشهای شدید اجتماعی در ایران

## اخبار کارگری —

## شمار بیکاران کشور از مرز ۵/۵ میلیون نفر گذشت

جمهوری اسلامی ۲۲ اردیبهشت: بروجردی رئیس مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی دیروز در مصاحبه با خبرنگاران ضمن ابراز نگرانی از افزایش تعداد بیکاران و رشد تورم در کشور گفت: متأسفانه نرخ رسمی بیکاری در سال جاری به ۱۷ درصد رسیده است. وی گفت: این در حالی است نرخ غیر رسمی بیکاری در کشور ۲۸ درصد می باشد. بروجردی کل نیروی کار کشور در سال گذشته را ۱۸ میلیون و ۶۰۲ هزار نفر اعلام کرد و گفت: براساس نرخ رسمی بیکاری که در سال گذشته ۱۶ درصد بود تعداد بیکاران رسمی نیز بیش از سه میلیون نفر بوده است. به گفته وی احتساب رقم ۲۸ درصدی غیر رسمی، تعداد بیکاران کشور بیش از ۵/۵ میلیون نفر تخمین زده می شود.

## راهپیمایی اعتراضی به مناسبت روز اول ماه مه

خبرگزاری فرانسه ۱۱ اردیبهشت: هزاران کارگر ایرانی یک راهپیمایی به مناسبت روز اول ماه مه در مرکز تهران برگزار کردند و علیه قانونی که اخیراً توسط مجلس به تصویب رسید شعار دادند. قانونی که صاحبان کارگاه را مجاز می سازد تا اگر کمتر از ۵ کارگر دارد آنها را شامل قوانین تأمین اجتماعی نکنند. آنها شعار می دادند: «مرگ بر کارخانه دار بی عدالت و ضد کارگر» و... اکثر آنها از کارگران کارخانه‌های اطراف تهران بودند. در پایان درمقابل وزارت کار برای اعتراض کنندگان از بلندگو بیانیه‌ی خوانده شد که در آن قانونی که توسط مجلس محافظه کار در حال رفتن به تصویب رسیده را «تحقیر کارگران» خواندند. آنان از مجلس بعدی که اکثریت آن دست اصلاح طلبان است و تا ۴ هفته دیگر قرار است تشکیل شود، یادآور «عصر استثمار کارگران» است را اصلاح کند. در این رابطه، آنها علی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی و عضو با نفوذ جناح محافظه کار را به دلیل دادن پیشنهاد این قانون جدید محکوم کردند.

همشهری ۲۱ اردیبهشت: معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: با توجه به اوضاع و شرایط امروزی جامعه، دهه هشتاد دهه چالشهای شدید اجتماعی خواهد بود. محمد علی طالبی در جلسه شورای اجتماعی استان گلستان با تشریح شرایط کنونی جامعه گفت: طبق آمار جدید منتشره از سوی سازمان برنامه و بودجه سه میلیون خانوار در کشور زیر خط فقر زندگی می کنند. وی افزود: با توجه به متوسط جمعیت هر خانوار ایرانی که ۳/۸ نفر است حدود ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر به سر می برند. وی ادامه داد: متأسفانه شکل اقتصاد ما که در دهه ۶۰ به شکل لوزی بود اینک به شکل مثلث درآمده به این معنا که ۲۰ درصد مردم، ۸۰ درصد ثروت جامعه و ۸۰ درصد افراد را در اختیار دارند. وی گفت: این شکاف طبقاتی به وجود آمده که ناشی از نگرش یکسویه برنامه های اول و دوم توسعه به محور «اقتصاد» بود، بسیار آسیب زاست. وی افزود: هم اکنون دو میلیون و ۷۰۰ هزار بیکار در کشور است که اگر در برنامه سوم توسعه سال ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شود در انتها باز همین تعداد بیکار خواهیم داشت. وی با اشاره به افزایش مهاجرت از روستا به شهر گفت: پیش بینی می شود در پایان دهه هشتاد، ۱۵ میلیون مهاجر از روستاها به شهر داشته باشیم. طالبی افزود: این در حالی است که ظرفیت فعلی شهرها جوابگوی جمعیت آنان نیست. وی اظهار داشت: بدین ترتیب جمعیت مهاجر به حاشیه شهرها روانه می شوند و آلودگی ناشی به طور وسیعی خصوصاً در شهرهای بالای ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، رشد خواهد یافت. وی گفت: لایه ضحیم حاشیه نشینی خصوصاً در کلان شهرها نقطه قرمز آسیب

## بحران کارگری

روزنامه رسالت ۱۸ اردیبهشت: دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: کارگران کارخانه های خزرخیز، چیت سازی، تخته سه لا، شرکت پاکت پاکت، سیمرغ شمال با ۱۵۰۰ نفر کارگر بیش از ۶ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. گفته می شود بیش از ۴۰۰ کارخانه در کشور دچار چنین وضعیتی هستند.

## کارگران کارخانه های مبلیران و علاالدین جاده مخصوص کرج را مسدود کردند

کیهان ۲۱ اردیبهشت: کارگران کارخانه های مبلیران و علا الدین از ساعت ۹/۳۰ روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت تا پاسی از شب جاده مخصوص کرج را برای چندمین بار مسدود کردند. این تجمع و مسدود کردن جاده مخصوص کرج که برای چندمین بار از بهمن ماه سال ۷۸ تاکنون توسط کارگران مبلیران صورت می گیرد، با مسدود کردن مسیر غرب به شرق جاده مخصوص آغاز شد. کارگران کارخانه علاالدین نیز مسیر اصلی شرق به غرب تهران را تا پاسی از شب مسدود کردند. اعتراض کارگران به عدم دریافت حقوق و مزایا از بهمن ماه ۷۶ تاکنون و پخشنامه های صادره جدید توسط مدیر عامل فعلی کارخانه، محمد حسن زاده مبتنی بر بازخرید اجباری با شرایط تعیین شده در راستای سیاستهای جدید کارخانه - تغییر ساختار - و عدم برخورد قاطع مسئولان مربوطه با صاحبان کارخانه است. گفته می شود مدیر عامل این کارخانه برای تغییر ساختار کارخانه به هیات مدیره پیشنهاد کرده است ضمن بازگرداندن شرکت به فعالیت اولیه خود مبنی بر ایجاد فروشگاههای زنجیره ای و فروش کالاها به صورت عمده خواستار موافقت هیات مدیره با ساخت قطعات موتورسیکلت با مشارکت شرکت ایتالیایی و تبدیل شرکت از صنعتی به خدمات بازرگانی جهت ایجاد یک شرکت پخش کالا شده است. به گزارش خبرنگار ما کارگران شرکت علاالدین که در فاصله دو کیلومتری از کارخانه مبلیران مسیر شرق به غرب جاده مخصوص کرج را مسدود کرده اند نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزایا، قطع آب و برق، گاز، تلفن و سرویس ایاب و ذهاب اعتراض دارند.

## تابوتی که مسأله ساز شد

روزنامه کار و کارگر ۱۴ اردیبهشت: یادداشت روز: اگر به شما بگویم که مشکل این است که فلانی خیلی شیر می خورد، خیلی گریه می کند و خیلی می خوابد برایتان عجیب است، زیرا ظاهراً بچه ها، خصوصاً نوزادان به طور طبیعی هم خیلی شیر می خورند و هم گریه می کنند و هم می خوابند، این که تعجبی ندارد، حال اگر بگویم آن که چنین مشکلی دارد کودک نیست بلکه مردی بزرگ با چهل و پنج سال عمر است. حتماً تعجب می کنید. دیگر این مشکل را نمی شود حل کرد. مشکل دیگری را هم برایتان نقل می کنم. یک نفر را گرفته اند. خوب این که عجیب نیست خیلیها را اصلاً وقتی یک نفر می گیرند. اصلاً وقتی یک نفر خلاف می کند، باید او را بگیرند. پس می خواستی برای اهل خلاف، فرش قرمز بپهن کنند. حال اگر بگویم کسی را که گرفته اند راننده بی زحمتکش بوده است که چند تابوت سمبلیک به نشان مرگ حمایت قانونمندان از کارگران در ارتباط با مصوبه معافیت کارگاههای زیر پنج نفر در تظاهرات کارگران، قرار بوده حمل کند، تابوتی که قرار بوده در مسیر بهشت زهرا از آن استفاده شود نه برای مسیر تظاهرات کارگران بین میدان آزادی تا سازمان تأمین اجتماعی. هیچ کس نیست بگوید وقتی قرار باشد راهپیمایی کارگران در روز جهانی کارگر از میدان جهاد تا مسیر بهشت زهرا باشد چه «سمبلی» را کارگران می توانند برای طرح مسائل خود داشته باشند به جز تابوت و گرنه وقتی مسیر راهپیمایی تغییر کرد. همه دیدند و شنیدند که «بزار سخن هم تغییر کرد، اما هیچ کس گوشش به این حرفها بدهکار نیست. بنده خدا را به این جرم بزرگ (!) حمل تابوت خالی گرفته اند و تازه اسم آن را کشف بزرگ هم نام نهاده اند. مجرم را با آلت قتاله! گرفته اند اما هیچ کس نیست که بگوید تابوت مردگان را که دستشان از زمین زمان کوتاه است حمل می کند، اما دستگیری راننده که یک تابوت خشک و خالی را حمل می کرده است ثابت کرد که اگر مردگان بی خطرند. تابوت می تواند آلت جرم باشد خصوصاً وقتی شماری هم به حمایت از کارگران بر روی آن حک شده باشد و بنا باشد در مسیر بهشت زهرا از آن استفاده شود. شیر خوردن زیاد، خوابیدن و حمل تابوت می تواند جرم باشد، آیا عجیب نیست؟

## ایران

سرکوب فشار به جای جشن  
اول ماه مه

## — روح انگیز زمانی

در ابتدا، یاد تمامی کارگران و زحمتکشانی که با خون سرخ خود این تنها سرمایه وجودشان یک روز را به نام خود در برگهای تاریخ بشریت به ثبت رساندند را گرامی داشته و این روز بزرگ «روزی که نوید بخش رهایی کامل خلقها و نابودی تمام عیار سرمایه داری انحصاری و امپریالیسم است» را به تمامی آزاد زنان و آزاد مردانی که برای رفع هر گونه ستم مبارزه می کنند تبریک می گویم.

هر جا که سخن از مبارزه طبقاتی و نابودی طبقات در جوامع و رهایی واقعی انسانها به میان می آید نقش برجسته پیشاهنگ اصلی توده ها یعنی کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران نمایان تر و بارزتر می گردد. به طوری که امروز همه بر این باور رسیده اند که هیچ تحول و انقلابی به سرانجام نهایی نخواهد رسید مگر این که کارگران و زحمتکشان، این پیشروان راستین و پویای خلق و این زنجیر شدگان اصلی سرمایه پرچم دار آن باشند. این امر هم چنین برای استثمارگران و سرمایه پرستان آن چنان مسجل است که آرامش، راحتی و خواب را از چشمهای آنها زوده است. آنها با تمام تبلیغات به ظاهر زیبا و شیوای بورژوازی که برای متفرق کردن توده ها از یکدیگر و مخصوصا به انحطاط کشیدن و بی هویت کردن کارگران می کنند، در روز اول ماه مه از نیروی قهر خود، به طور کامل بهره می گیرند و زمانی که در یک حرکتی پای کارگران در میان باشد از هیچ امکان و هزینه ای برای سرکوب آنها دریغ و کوتاهی نمی کنند. اما هیئات که آنها فقط در خیال واهی خود غوطه ور بوده و هستند و کارگران و مزدبگیران در تمامی جهان با اعتراضها، اعتصابها و تظاهرات مختلف و متعدد پوچی این اوام را هر روز نشان می دهند.

در آخرین روزهای قرن بیستم، زمانی که جهان خود را آماده تولد قرن بیست و یکم می کرد انحصارات بزرگ سرمایه داری که تا آن زمان با تمامی ترندهای کوچک و بزرگ یورش دهنده و لجام گسیخته ای بر توده های محروم می آوردند، در جریان برگزاری اجلاس سازمان جهانی تجارت در سیاتل (آمریکا) «نظم نوین و مقدس جهانی» می خواست خود را به طور کامل به نمایش بگذارد و آخرین رمق کارگران و زحمتکشان جهان را بکشد، اعتراضهای بزرگ و متحد کارگران و مزدبگیران جهان علیه این اجلاس و سیاستهای ضد بشری و ضد کارگری آن بشارت از رشد و گسترش عظیم مبارزه کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران داد و ثابت نمود که سرمایه داری انحصاری با تمام ادعاهای دروغین و قلابی خود که هر از گاهی لاف سعادت بشری را می زند در اصل و اساس و در

عمل به سرکوب و اعمال دیکتاتوری علیه مردم متوسل می شود.

جنبش عظیم توده ای در جریان اجلاس سیاتل به هگان ثابت نمود که هرگز جنبش عدالت طلبی و سعادت خواهی از میان نرفته و نخواهد رفت.

جنبش کارگری در ایران نیز درمقاطع مختلف و بر حسب شرایط اجتماعی آن، نقش اصلی و کلیدی خود را ایفاء نموده که نمونه های برجسته آن اعتراضها، اعتصابها و تظاهرات کارگران و زحمتکشان میهنمان، مخصوصا کارگران صنعت نفت ایران در اعتراض به رژیم شاه و سیاستهای خائنانه و ضد کارگری آن و حمایت از دکتر مصدق برای ملی شدن صنعت نفت و نیز اعتصابها و تظاهرات کارگران ایران و مخصوصا کارگران شرکت نفت برای سرنگونی رژیم، دیکتاتوری شاه بود. کارگران و زحمتکشان در انقلاب خونین بهمن ۵۷ قبل از آن دوشادوش مردم و در مواردی حتی پیشاپیش خلق ایران از خون خود گذشتند. و پس از پیروزی انقلاب ۵۷ نیز کارگران در موارد متعدد برای احقاق حقوق خود دست به اعتصاب زدند و گول ظاهرسازیها و عوام فریبیهای رژیم خمینی را نخوردند. ولی خمینی و طرفدارانش که درس دروغگویی و تزویر را در کلاس دیکتاتوری را در کلاس هیترها دیده بودند به نام دین برگزیده کارگران و زحمتکشان ایران سوار شدند و با اعمال دیکتاتوری خشن به سرکوب هر گونه اعتراض و اعتصاب و تظاهرات پرداختند.

سازمانها و نیروهای انقلابی ترقیخواهی که در جنبش کارگری ایران به عنوان یاری کننده طبقه کارگر بودند یا توسط رژیم قلع و قمع شده و تار و مار گردیدند و یا بخشی از آنها به سرکردگی فرخ نگهدارها و کیانوریها با شعار حمایت از خمینی، به کارگران و زحمتکشان ایران خیانت کرده و کارگران و مزدبگیران میهنمان را به سکوت فراخواندند و خودشان نیز به طور کامل، نوکر بی چون و چرای رژیم ولایت فقیه شدند. ترقیح ترا از همه این که راهکارهای مقابله با نیروهای ترقیخواه و انقلابی و نیز راههای سرکوب و به انحراف کشیدن جنبش طبقه کارگر را نیز به سرکردگان رژیم خمینی هدیه کردند و از آن پس بود که به دستور خمینی کرکس و ایادی او سایه شوم خفقان و اختناق بر زندگی زحمتکشان و مزدبگیران میهنمان سایه گسترد و رژیم ولایت فقیه با قوانین وحشیانه و قرون وسطایی خود به چپاول کارگران و زحمتکشان پرداخت. در مشهد، اسلام شهر، قزوین، کرج، تهران و دیگر شهرهای ایران بسیاری از خیابانها با خون کارگران ایران گلگون شد و چه جانهاییکه در راه رهایی زحمتکشان فدا گشت. بسیاری از زنان و مردان کارگر در خون خود غلطیدند و یا به قعر سیاه چالهای رژیم ولایت فقیه افتادند. زبانهای بسیاری بریده شد، چشمهای زیادی از حدقه بیرون کشیده شد، دستها و پاهای بسیاری از زنان و مردان در

سلاخ خانه های رژیم ایران قطع گردید و به راستی چه دوستان و رفقای که در راه حقوق زحمتکشان و جنبش نوین طبقه کارگر با عشقی فراوان به خلق جان بر کف نهاد و علیه هر گونه ستم طبقاتی و اجتماعی مبارزه کرده و شهید شدند و در حال حاضر در میان ما نیستند.

کارگران که گردانندگان اصلی اقتصاد جامعه می باشند و تمامی بار توسعه اقتصادی، اجتماعی و بهروزی جامعه بر بازوان پر توان آنان استوار است. در حالی که خود هیچ گونه سهمی از این توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی نداشته و ندارند. کارگران ایران از ابتدایی ترین حقوق خود محروم بوده و هستند و همان حقوق بخور و نمیر آنها از طرف کارفرمایان و ایادی و عوامل رژیم پرداخت نمی گردد و یا حقوق آنها نصف شده و یا ماهها و حتی سالها به تعویق می افتد. فشار و گرسنگی، کارگران و خانواده هایشان را خرد کرده است. کارگران رسمی و استخدام شده را اخراج می کنند و دوباره به عنوان کارگر موقت با پایین ترین حقوق به کارهای سخت تر و توانفرساتر به بردگی می برند. وضع بیمه و درمان آنان بسیار وخیم تر از آنست که در فکرها بگنجد و به روی کاغذ آورده شود. هیچ تناسی بین هزینه های اولیه و ضروری کارگران و حقوق تصویری شورای عالی کار وجود ندارد. کارگران به چندین شغل در طول روز مشغول هستند و با این همه کار و مشقت باز هم از پس هزینه های زندگی بر نمی آیند و همیشه در صد مرگ و میر در بین خانواده های کارگری در ایران بیشتر اتفاق می افتد. در صد خودکشیها در بین کارگران به خاطر شرمندگیشان از بابت تامین نکردن هزینه های خانواده و فرزندان خود بیشتر از اقبال دیگر جامعه است. با تمام این اوصاف همیشه کارگران باید سر ساعت در محل کار حاضر باشند و کارشان را باید منظم انجام دهند و در ازای کوچکترین بی نظمی در کار جریمه می شوند و تازه چنانچه بخواهند به خاطر این ابتدایی ترین حقوق خود دست به اعتراض زنند به شدیدترین وجه و به وسیله عوامل قهر رژیم سرکوب می شوند و به سیاهچالهای وحشتناک خواهند افتاد.

اما جنبش طبقه کارگر ایران هرگز از حرکت به جلو باز نایستاد و با تمامی فراز و نشیبهایش در مقاطع مختلف پویایی خود را حفظ کرد و در جهت هر چه متحد کردن کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران کشورمان حرکت کرد. در سال گذشته جنبش کارگری ایران در ابعاد وسیع تری گسترش یافت. کارگران فقط در سال ۱۳۷۸ به بیش از دویست اعتصاب، تحمن و تظاهرات در تهران و دیگر شهرهای ایران دست زدند و نیز در اول ماه مه سال گذشته با تظاهرات عظیم خود، نفرت شدیدشان را نسبت به کل رژیم ولایت فقیه و سیاستهای خائنانه، ضد خلقی و ضد کارگریش ابراز داشتند. طبقه کارگر ایران به رغم تمامی تلاشهای مذبحانه رژیم به چنان تکامل سیاسی،

اجتماعی رسیده که حتی ترندهای دارو دسته خاتمی که به اسم اصلاح طلب دوباره می خواهند به مانند سرکرده خود «خینی» بر موج جنبش عظیم زحمتکشان ایران سوار شده و رژیم ولایت فقیه را از مرگ حتمی نجات دهند، کارساز نیست. کارگران ایران در جریان اعتراضها و اعتصابهای خود در سال گذشته عوامفریبیهای دارو دسته ضد کارگری حزب اسلامی کار و خانه کارگر و افرادی چون محمد جعفر محبوب، سهیلا جلودار زاده و شرکایشان را خنثی کرده و چنان دست رد بر سینه آنها زدند. باند اصلی دوم خردادیها یعنی جبه مشارکت در روزنامه خود در تاریخ ۱۹ اسفند ۷۸ اعتراف کرد که کارگران معتقد بودند که خانه کارگر بیش از هر کس دیگری به کارگران خیانت کرده است.

مبارزه کارگران در سال گذشته به حدی بود که باعث عقب نشینی موقتی مجلس ارتجاع از تصویب قانون ضد کارگری «کارگاههای کمتر از ۵ نفر کارگر مشمول قانون کار نمی باشند» شد. این قانون بی نهایت ضد بشری و قرون وسطایی، که پس از انتخابات ۲۹ بهمن به تصویب مجلس رژیم رسید، از طرفی هست و نیست زحمتکشان ایران را به طور کامل نابود ساخته و دست کارفرمایان و ایادی رژیم را برای یورش همه جانبه و به استثمار کشیدن بیشتر کارگران و مزدبگیران بازتر می کند و از طرفی نیز برای خاتمی و درپوزگان به اصطلاح اصلاح طلب او این امکان را فراهم می سازد که سرمایه گذاران خارجی نشان بدهند که ایران برای سرمایه گذاری آنها بسیار مساعد است و با این کار به جهانیان می فهمانند که برای بقای رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و به خاطر سودهای هنگفت خود از هیچ توطئه ای فروگذار نکرده و کارگران و مزدبگیران ایران را به راحتی و سادگی تمام به بردگی بکشاند.

امروز جنبش زحمتکشان در ایران برای احقاق حقوق خود که همانا نابودی کامل رژیم استبدادی - مذهبی در ایران و برقراری عدالت اجتماعی و آزادی، صلح و دموکراسی است با چنان سرعت و شتابی به پیش می رود که هیچ کدام از دسته بندیهای درونی رژیم با هیچ یک دسیسه های قدیم و جدید خود قدرت نگه داشتن و منحرف کردن آن راندارند. حتی تئوریسینهای یکی از شقه های رژیم (دوم خردادیها) اعتراف می کنند که در حال حاضر خواستهای مردم عمیق تر و بیشتر از آن چیزهایی است که ما سر متن شعارهای خود کرده ایم. و این که ما فقط بخش کوچکی و عقب افتاده ای از خواستهای مردم را مطرح می کنیم و نیز اعتراف می کنند که در حال حاضر ما فقط به عنوان سدی بین مردم و رژیم هستیم و چنان چه این سد ترک خورده و شکسته شود، مردم تمام هست و نیست رژیم را در تمامیت آن نابود خواهند کرد.

در این برهه از زمان که جنبش عظیم و

بقیه در صفحه ۱۲

## به مناسبت روز جهانی کارگر



آلمان —

## اکسیون اعتراضی در مقابل کنسولگری رژیم ایران

ساعت ۳ بعد از ظهر روز اول ماه مه، تعدادی از ایرانیان در مقابل کنسولگری رژیم آخوندی در فرانکفورت (آلمان) گرد آمدند. در این مراسم اعتراضی فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در فرانکفورت و حزب کمونیست کارگری شرکت داشتند. این برنامه ساعت ۳/۲۰ دقیقه بعد از ظهر با شعارهای مرگ بر خامنه ای و خاتمی آغاز شد. در این مراسم محمد آسنگران از طرف حزب کمونیست کارگری به سخنرانی پرداخت. آقای آسنگران از تحولات جاری در ایران و فشار بیش از حد رژیم بر کارگران تحت ستم در ایران سخن گفت و ضمن ارزیابی موفقیت نیروهای چپ و این که روز به روز به سرنگونی رژیم نزدیکتر می شویم ابراز امیدواری کرد که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر فعال شویم. آقای فریدون رضایی

نورنبرگ —

فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در نورنبرگ در راهپیمایی اول ماه که در این شهر برگزار شد با آرم و شعارهای سازمان در دفاع از کارگران ایران شرکت کردند. این راهپیمایی ۲ ساعت به طول انجامید و اطلاعیه های سازمان به زبان آلمانی در رابطه با وضع کارگران ایران پخش شد.

گزارش: حسن ساکت

کلن —

همه ساله در روز اول ماه از طرف اتحادیه های کارگری آلمان و دیگر احزاب و سازمانهای آلمانی و غیر آلمانی جشن اول ماه در شهر کلن برگزار می گردد. فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان در کلن، با آرم و شعارهای سازمان در دفاع از کارگران ایران، در این راهپیمایی شرکت کردند. در این جشن فعالان سازمان، اقدام به برگزاری میز کتاب و پخش اطلاعیه ها و منشور سازمان به زبان آلمانی نمودند که مورد استقبال قرار گرفت.

گزارش: پرویز آطاهریان

پاسائو —

روز ۲۹ آوریل فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در شهر پاسائو، در یکی از خیابانهای مرکزی شهر، میز کتاب برگزار نمودند. در این برنامه اطلاعیه ها و منشور سازمان به زبان آلمانی توزیع شد که مورد استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفت.

گزارش: رضا مرادخانی

بوخوم —

در ماه مارس ۲۰۰۰، فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در بوخوم، اقدام به برگزاری میز کتاب و توزیع منشور سازمان به زبان فارسی و آلمانی نمودند. در این اکسیون، در مورد وضع ایران با بازدیدکنندگان صحبت شد.

گزارش: علی مهربان

## ایران ....

بقیه از صفحه ۱۱  
گسترش یافته زحمتکشان ایران لزوم و ضرورت هر چه بیشتر پیشگامی و پیشتازی طبقه کارگر را به اثبات رسانده. ما نیز وظیفه داریم که در هر نقطه از جهان با تمامی شیوه های ممکن صدای اعتراض کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران ایران را به گوش جهانیان برسانیم و به هر طریق ممکن تمامی سندیکاها و اتحادیه های کارگری جهان و نیز سازمان جهانی کار، و تمامی سازمانهای مدافع حقوق بشر و سازمان ملل متحد و غیره را به حمایت از این جنبش عظیم در ایران فراخوانیم و تمامی توطئه های رژیم ولایت فقیه و شقه های مختلفش را و نیز جیره خواران داخلی و خارجی آنها و خیانت پیشگان به طبقه کارگر را در نزد تمام مردم دنیا افشاء کنیم. به یاد داشته باشیم که زحمتکشان در ایران در سخت ترین شرایط اختناق، سرکوب و دیکتاتوری این جنبش را به پیش می برند و باور داشته باشیم که طبقه کارگر ایران تنها کسانی را دوست و حامی واقعی خود می داند که نه تنها خود را به هیچ یک از باندهای درون رژیم ایران نفروشنند بلکه در این شرایط حساس برای افشاء سیاستهای خائنانه رژیم ایران در تمامیت آن در بین خلقهای جهان و نابودی کامل رژیم ولایت فقیه از ثانیه ها نیز نگذرند. □



## ۸۵ درصد کارگاههای تبریز کمتر از ۵ کارگر دارند

همشهری ۲۲ اردیبهشت: به گفته مدیر کل تامین اجتماعی آذربایجان در حال حاضر ۸۵ درصد از کارگاههای زیر پوشش این سازمان در تبریز کمتر از ۵ نفر کارگر دارند و با اجرای قانون خروج کارگاههای زیر ۵ نفر، بسیاری از کارگران از حقوق اولیه خود محروم می مانند. رحیم نصرتی در بخش دیگری از اظهاراتش با بیان این که در برخی شهرهای کوچک و مناطق محروم استان این رقم بین ۹۵ تا ۱۰۰ درصد است، افزود: بعید نیست تعدادی از کارفرمایان این قانون را دستاویز قرار دهند و نگذارند کارگرانشان بیمه شوند.

## بحران بیکاری در ۵۰۰ کارخانه

روزنامه قدس ۱۱ اردیبهشت: تعطیلی تعدادی از کارخانه ها و بلاتکلیفی و قطع حقوق کارگران آنها موجب تجمعات اعتراض آمیز و دیگر رویدادهای کارگری است. هر چند آمار دقیقی از شمار کارخانه های بحران زده وجود ندارد، ولی رقم آنها بین ۵۰ تا ۵۰۰ کارخانه برآورد می شود. وزیر کار و امور اجتماعی در اجتماع کارگران کارخانه ای که به دلیل تعطیلی کارخانه دو سال از دریافت حقوق محروم شده بودند، گفت: ریشه مشکلات کنونی در واگذاری سهام کارخانه ها به بخش خصوصی و نبود نظارت بر عملکرد این واحدها پس از واگذاری است. هنوز هم مشکل این کارخانه ها رفع نشده است و کارگران آنها بین وزارت کار، صنایع و دادگاهها در رفت و آمد هستند. از سوی دیگر تشکلهای کارگری سال گذشته در اعتراض به سیاستهای سازمان تامین اجتماعی در مقابل شعب این سازمان اجتماع اعتراض آمیزی ترتیب دادند. □

## با حکومت و با مردم یا با حکومت علیه مردم؟ — منصور امان

خویش و نیز نشیمنگاه متحدین «غیر خودی» را با نعلین خویش آشنا ساخته و آنان را به همراه افتخای سیاسیشان پشت در نشاندند.

اما این جفاکاری مانع از آن نشده که استحاله گران به دستگیره آویزان نمانند و در هر فرصت و به هر بهانه ای موجبی برای استمالت یا شاید برهانی برای صحت تر استحاله پذیرى حکومت نیابند. آنها نشان داده اند که از این استعداد مزاجی برخوردارند که از خوردن یک تاکستان غوره سرکوب، سرد احوال نشوند و در عوض با مویز یک کرشمه «تعدیل» رفسنجانی یا «جامعه مدنی» خاتمی، به تب اصلاح از حال بروند. امری که در این میان با تلاش چنانچه از حکومت برای نجات «نظام» به نظر می رسد تجویز پزشکی هم پیدا کرده باشد.

ناگهان و به ظاهر از عالم غیب کسانی پا به صحنه سیاسی می گذارند که از ناکارایی چماق بدون هویج به شکایت سخن می گویند از همه جالبتر این که پشت همان میزی نشسته اند که «نظام» برای خود صندلی چیده است. این جا دیگر بحث «حیات خفیف و خائنانه» یک اپوزیسیون بی رمق و غیر خودی نیست، بلکه این بخشی از «نظام» است که در هیأت اپوزیسیون خویش ظاهر شده است. برای توسری خورده ها چه دلگرمی بیشتر از این! زمانی بیشتر دبیر کل حزب توده سیاست حمایت بی قید و شرط از جمهوری ملاحا را خوشباورانه «تسخیر دژ از درون» نامیده بود. هر چند تنها جایی که او

و متحدین جوانترش موفق به تسخیر آن شدند مراکز تواب سازی اوین، استودیوهای نمایشهای تلویزیونی و خانه های امن وزارت اطلاعات بود اما به راستی کدام استحاله طلب واقعی می تواند از وسوسه شرکت در امکانات درون «دژ» بر کنار بماند؟ این که تأثیر کدام فاکتورهای عینی به شکاف میان حکومت انجامیده و این نو -

انگاشتهای سیاسی در نظر به راهکارهایی که پیشنهاد می کنند و تخمین میزان تأثیر واقعی آنها در عملی ساختن اهداف در نظر گرفته شده، جایگاههای متفاوتی می یابند. کارائی یک پروژه سیاسی نه بر اساس وسعت حجم آرزوهای بزرگ و تعداد ویژگیهای نیک آن که بر پایه نزدیکی ملموس به تغییر شرایطی می تواند ارزیابی شود که این آرزوها و آماج را بر نمی تابد. اگر یک انگاشت معین در ایجاد چنین موقعیتی ناتوان است؛ ناکاراست و می بایست در جستجوی جایگزینی برای آن بود. حال اگر مبلغان طرح مزبور کماکان بر تعقیب خط مشی سترون خویش پای بفشارند یا با واقعیت میانه ای ندارند یا این که در پی اهداف کاملاً متفاوتی از آنچه که اعلام می دارند، هستند.

سرنوشتی یا استحاله دو پروژه ای هستند که تقریباً همزمان با شکل گیری جمهوری اسلامی، به اصلی ترین قطبهای سیاسی در کشور ما تبدیل شده و سایر گرایشات را تحت تأثیر خود قرار داده اند. در حالی که مطالبه تحولات دموکراتیک در سیاست و اقتصاد، پیوسته جهت گیری مدافعان سرنوشتی رژیم را مدلل می ساخته است، برای طرفداران استحاله (پسته به شرایط) دگرگونی اصلاحی رژیم اهداف متفاوتی را می بایست تأمین می کرده است. در توجیح حمایت از جمهوری ملاحا یا جناحهایی از آن، می توان به فهرست بلندبالایی از آماجهای گوناگون از جمله مبارزه ضد امپریالیستی، نظام اسلامی دموکراتیک، راه رشد غیر سرمایه داری و و اشاره کرد نقطه مشترک کلیه استراتژیهای تقویت کننده حکومت، نافرجام باقی ماندن آنهاست، فرایند تحولات - تا آنجایی که به «نظام» برمی گردد - هیچ گاه بدان گونه که طراحان نقشه های شوکمند تصور می کردند، به گردش درنیافته و ملایان حاکم طی دوره های مختلف و به کرات، با خیره سری «بخت»

استحاله چپها از تغییر سیاست خود چه انتظاراتی دارند، پارامترهایی نیست که جریان یاد شده در تغییر خط مشی خود دخالت دهد. آنان بیشتر به نتایج آتی و به تأثیراتی که در سطح شناورند، می پردازند زیرا به ندرت میان اهداف کلی آنها و آنچه که در سیاست جاری تعقیب می کنند، می توان نشانی از تعادل منطقی سراغ گرفت، و این قیل از همه از آنجا ناشی می شود که «میانه روها» اغلب بازی با کارتهای حریف را به ارائه کارتهای جدید ترجیح می دهند. مهندس بازگان، در مقام «رئیس دولت امام زمان»، سیاست خود را به یک «فولکس واگن قراضه» تشبیه نمود که از حیث کارکرد، آن را نمی توان با «بولدووزر امام» مقایسه کرد. اعتراف او به ناکارایی سیاست طیف خویش اما هرگز به درک لزوم تغییر خط مشی «قراضه» اش راه نبرد زیرا دموکراسی به عنوان یک مدل سیاسی تنظیم رابطه بالا و پایین، یا هر هدف دیگری که نیروهای بینابینی به مثابه نقطه عزیمت برای مداخله فعال در سیاست ترسیم می کنند، برای آنها همواره تابعی از ابزار در دسترس است، امکانات موجودی که آنان الزاماً در پدیدآوردنش هیچ نقشی ندارند و حاضر به پذیرفتن نتایج شکل دادن یا روی آوری به ابزار جدید هم نیستند. استحاله گرایان فقط مصرف کنندگان امیدوار وسائل واقعا موجود هستند. تصویر فراکسیون چند نفره نهضت آزادی در مجلس ملاحا، در حالی که آقای بازگان با سر باندپیچی شده رهبری آنها را به عهده دارد، می تواند به طور سمبلیک بیان کننده همه کارایی سیاست استحاله و در این جا اصلاح از طریق مبارزه پارلمانی (چیزی که خلخال آن را کمی بیش از حد جدی گرفته بود!) باشد.

اگر ظرفیت محدود رژیم برای تغییر، امکان نزدیکی به پروژه دموکراسی، راه رشد و ... را غیر ممکن می سازد، البته این برای «میانه روها» به هیچ وجه به معنای به آخر رسیدن دنیا نیست. آنها در انتخابات گوناگون با کاندیدای خود یا بدون آنها شرکت می کنند، بیانییه و اعلامیه می نویسند و احیاناً با بخش فارسی رادیوهای

گوناگون مصاحبه می کنند و رژیم نیز کمافی السابق نامزدهای آن دسته که در داخل هستند را رد صلاحیت می کند، مانع فعالیت علنی آنها در هر شکل می شود و او. همه اینها خوب و عالی، ولی بالاخره پس از نزدیک به دو دهه تعقیب این سیاست، نتایج آن در کدام پهنه سیاسی یا اجتماعی خود را به نمایش می گذارد و به کدام دگرگونی مستند یا کدام استحاله در رژیم منتهی گردیده است؟ ... شاید جامعه مدنی آقای خاتمی؟ اما اینجا هم واقعیت چیز دیگری می گویند، چرا که اگر این گونه می بود اکنون می بایست جیبه دوم خرداد، نمی خواهیم سقف را بالا گرفته و بگوییم رهبری آنان را می پذیرفت، نه، حداقل به بازی می گرفت. حال آن که این استحاله گرایان هستند که در دنبال روی از «حماسه دوم خرداد» چند پا هم کم آورده اند و علیرغم استحاله خود در موضوعاتی مانند التزام به قانون اساسی و از این رهگذر به رسمیت شناختن خجولانه ولایت فقیه، در انتظار یک نیم نگاه دست روی دست می مانند. اینان از آنجا که در مورد توضیح تأثیرات عینی استراتژی خود، بدهکار می شوند و نیز به دلیل نقش خنثی ایشان در روندهای جاری سیاست، توازن یا به بیان بهتر کفه سبک ترازوی خود را با گرایش افراطی به مفاهیم مجرد و هویت بخشی به خود از طریق ترسیم پر رنگ نقاط تمایز خود با مخالفین جدی حکومت پر و جبران می کنند. یک سیاست کم هزینه و به ظاهر پر سود! بدین وسیله از یک طرف زمینه عملی تحرکی به وجود می آید که بر موجودیت سیاسی استحاله گرایان انگشت تاکید می نهد بدون آن که در این میان حکومت را حساس یا احیاناً به چالش طلبیده باشد و از سوی دیگر جبهه مشترکی

هجو ابتذال آنها بیانجامد و حتی علیه خود این ارزشها به کار گرفته شود. بر همانسان بودایی ما این گونه وانمود می کنند خشونت فقط به معنای تعدی انسان علیه انسان، یک رابطه فردی با ابزار نامتعارف بوده و از این رو در تقابل با کرامت انسانی قرار می گیرد. این تعریف تا آن جا که دایره افراد حقیقی را در بر بگیرد، وارد است. اما تعمیم آن به حوزه مناسبات اجتماعی، جایی که افراد در گروهبندیهای طبقاتی و اجتماعی و ساختارهای سیاسی ناشی از آنها، هویت می یابند، از سر سهیل انگاری است یا به قصد پنهان ساختن ابعاد گسترده تر این پدیده و تعاریف ویژه آن صورت می گیرد. آنچه که در یک کلکتیو به عنوان کرامت انسانی شناخته می شود به طور عام در قالب حقوق اجتماعی و به طور خاص در چارچوب حقوق شهروندی جای می گیرد. به همین ترتیب آنچه که می تواند به صورت گسترده این حقوق را مورد تعرض قرار دهد نیز چهره ای اجتماعی داشته و با دستگاه دولت، یعنی اتوریته سیاسی - بوروکراتیکی که قوای قهریه را هم کنترل می کند، متمایز می شود. بنابراین سخن اینجاست نمی تواند از «اشخاص» نوعی و «خشونت» به مثابه یک اصطلاح عام باشد. با تعریف «میانه روها» از خشونت، این نه نظام سیاسی، نه حکومت به عنوان یک ساختار قانونمند بلکه افراد، باندها و جناحهای پراکنده عاملان خشونت شناخته می شوند، مضاف بر این که هیچ نقطه تماسی میان سوژه مورد خشونت قرار گرفته و حقوق اجتماعی یا شهروندی به مثابه عناصر پایه ای نظم و میثاق اجتماعی وجود ندارد. اجازه بدهید با مثالی مسأله را روشنتر کنیم:

مطالبه حداکثر «خشونت ستیزان» پس از وقوع قتلهای زنجیره ای، تصفیه وزارت اطلاعات و دستگیری عاملان این قتلها بود. دو خواسته ای که ظاهراً با برکناری دری نجف آبادی و جایگزینی یونسسی و دستگیری چند تن از معاونان این وزارتخانه برآورده نیز شد. بدین ترتیب اگر اعمال خشونت «باند سعید امینی» علیه ناراضیان و بقیه در صفحه ۱۴

## با حکومت و با مردم یا با حکومت علیه مردم؟

بقیه از صفحه ۱۳

دگراندیشان مشکل اصلی بود، مسأله می بایست حل شده تلقی می گردید و حال آن که متهمین این پرونده - طبق سنت رایج جمهوری اسلامی - در هیأت بازگیران یک نمایش تلویزیونی، به هر آن چه که طبق استانداردهای نظام مذموم است و جرم تلقی می شود اعتراف می کنند. خوب، پس وزارت اطلاعات پس از فرم «قتلهای زنجیره ای»! در اولین آزمایش خود که همانا رعایت حقوق مظنونان مبنی بر اثبات اتهام بر اساس اسناد و مدارک جرم و از طریق دادگاه صالحه است، نمره قبولی نمی گیرد. از طرف دیگر این که چه عواملی متهمان را به شرکت در مصاحبه ترغیب کرده است، احتیاج به حدس و گمان زیادی ندارد کما این که چندی پیش آشکار گردید دستگیر شدگان توسط شکنجه وادار به اعتراف علیه خود شده بودند، امری که باز هم تداوم روشهای قدیمی و مرسوم است و از این دو دستگاه امنیتی ملاها در دومین امتحان خود یعنی عدم توسل به فشارهای جسمی و روانی در جریان بازپرسی مردود می شود. سرآخر بدون هیچ توضیحی - گویی فقط برای اثبات فرضیه رابطه چاقو و دسته - اعلام می شود که متهمان آزاد گردیده اند و این در حالی است که پس از گذشت بیش از دو سال از وقوع قتلها، هنوز روشن نیست این افراد براساس چه شواهدی مظنون شناخته شدند. کدام مدارک به برائت آنها دلالت نمود و مرجع رسیدگی به اسناد علیه و بر له آنان چه نام داشت. بنابر این همچنان تنها نکته روشن در «پرونده ملی» آقای خاتمی، محتوای جام زهری ست که «حاج آقا سعید» سر کشید!

دقت کنید! ما از اعمال خشونت علیه اعضای مقاومت یا زندانیان سیاسی سخن نمی گویم، آن چه که در مورد آنها اتفاق می افتد از نظر استحاله گرایان از جمله مظاهر تجلی خشونت محسوب نمی شود و هم از این روست که در هیچ یک از

بیانیه های «ضد خشونت» آنها شایسته یادآوری تلقی نمی گردد. اینجا نگارگران «خودی» و مورد اعتماد رژیم و اشغال کنندگان پستهای حساس آن هستند که در خلال پروسه اثبات بی گناهی! مشمول توجه ویژه همکاران سابق خود قرار می گیرند. زمانی که نزدیکترین شرکای نظام از تیغ سرکوب آن در امان نیستند، به راحتی می توان منزلت و جایگاه «غیر خودی»ها نزد حکومت را تصور نمود.

حال اگر کسی دلایل اندکی قویتر از عوامفریبی برای مبارزه با خشونت داشته باشد. حداقل می بایست علت چرخیدن در روی پاشنه قدیمی. علسیرغم حذف تجسمهای «شرای مانند وزیر سابق اطلاعات و باند اسلامی» و «باند امامی» را به پرسش بگیرد. از دو حالت خارج نیست، یا علت در وجود چهره های مرموز و شریری نهفته است که به نظر می رسد تعدادشان هم کم نیست. یا این که یک سیستم با دکرترین معین و نهادها و دوائر مشخص وجود دارد که این افراد و بازتولید آنها، محصول عملکرد و تأثیرات مستقیم آن است. برای بررسی هر یک از این احتمالات باید به تاریخ «خشونت» رجوع کرد، گذشته ای که به یقین با «قتلهای زنجیره ای» آغاز نمی شود و با آن نیز به انتهای خود نمی رسد. نیز می بایست به همه پهنه های فعال خشونت - و نه این یا آن مورد - چه در حوزه حقوق اجتماعی و چه در حقوق شهروندی پرداخت. پس از بررسی دو فاکت یاد شده، آیا می توان به این نتیجه رسید که نقض گسترده حقوق ابتدایی و پایه ای جامعه و شهروندان طی دو دهه و اندی نه سیستماتیک، سازماندهی شده و هدفدار بلکه مقطعی، پراکنده و تصادفی بوده و به همین سیاق آمران و عاملان آن نه اجزای اصلی سیستم بلکه اعضا و کارمندان باندها، مؤسسات و ادارات پراکنده هستند؟ درست در همان هنگامی که استحاله طلبان با اتمیزه کردن خشونت، جلوه های گوناگون آن را به عنوان کلیت این پدیده معرفی می کنند، به پرسش یاد شده هم پاسخ مثبت می دهند.

همان گونه که در مثال بالا اشاره شد، انحراف مبارزه علیه خشونت از توجه به ساختار

سرکوب و در عوض تمرکز روی بازوان اجرایی لو رفته آن نتیجه ای ست که همدستان خواسته یا ناخواسته حکومت، با تعقیب این سیاست بدان دست می یابند.

به راستی چرا این الهه های رحمت از دیدن واقعیت خونریزی که حضور خود را صریح و عریان به رخ می کشد و در آن عمد دارد، ناتوان هستند؟ به نظر می رسد پاسخ این سؤال را می بایست در تنگنای استراتژیک «میان راه» جستجو کرد. اگر آنها بپذیرند که در مورد مسأله خشونت، یک عامل و سرچشمه بنیادی وجود دارد که در اشکال گوناگون و با ابزارهای متنوع نمود می یابد و از سوی دیگر حوزه مورد تهاجم آن نیز پدیده ای کلی و به هم پیوسته در حیطه اجتماع است، بنابراین ناچار خواهند بود پدیده ها را آن گونه بنمایند که در واقع هستند، یعنی به جای باند امامی و انصار یا دری نجف آبادی، فلاحیان، یزیدی، الله کرم و وو، از تبهکاری سازماندهی شده دولتی، حکومت سرکوب، تروریسم دولتی و سیاست رسمی مبتنی بر خشونت سخن بگویند. استحاله گران هم چنین چاره ای جز اشاره به نقض حقوق اجتماعی و شهروندی و به رسمیت شناسی حق مسلم شهروندان در استقرار و دفاع از آنها نخواهند داشت. طرح مطالبات سیاسی بر پایه این پیش فرضها اما به طور اجتناب ناپذیری در تقابل با سیاست و راهکارهای در پیش گرفته شده آنان قرار می گیرد. به عنوان نمونه نفی چهره سیاسی - حکومتی خشونت، یعنی استبداد مذهبی در نقطه مقابل سیاست گردن نهادن و التزام به قانون اساسی رژیم، جایی که این سیما رسمیت یافته است، قرار می گیرد. به همین صورت قائل شدن به حقوق پایه ای مردم، مطالبه برجییدن دستگاهها و دوائر که در سرشت خود وظیفه لگدمال کردن آنها را نهاده کرده اند را به دنبال خواهد داشت و حال آن که سیاست اعلام شده اینان از «اصلاح» ابزار قتاله فراتر نمی رود و نیز فراموش نکنیم برخورد به حقوق و آزادیهای دموکراتیک به عنوان مبدا حیاتی تنظیم روابط در جامعه، در جوهره خود

با تلاش و مبارزه برای استقرار آنها و دفاع فعال در برابر هر گونه تجاوز به میثاق صلح اجتماعی، در هم تنیده شده است. آن نوع «دموکراسی» که استحاله گرایان مطالبه می کنند اما به چنین «افراطی مبتلا نیست. حتی در بحرانی ترین شرایط و آن گاه که جدال دراین پهنه در گسترده ترین و آشکارترین شکل خود جریان دارد آنان مردم را به پرهیز، سکوت و عدم دخالت فرا می خوانند و هر بار نیز برای نفی حق دفاع و مبارزه آنها، بهانه های به ظاهر خیرخواهانه ای در آستین دارند.

در خلال قیام دانشجویان، تمام کوشش دموکراتهای بدلی، در به عقب نشاندن و تخریب روحیه مبارزاتی آنها با دستاویز «سو» استفاده خشونت طلبان و «خطر کودتا» خلاصه شده بود. و از این هم جالبتر رهنمود «ماندن در خانه» به عنوان راه مقابله با تقلبهای گسترده درانتخابات مجلس فرمایشی ملاهاست! ناگفته پیداست در شرایط عدم وجود امکانات و کاتالهای دموکراتیک ابراز نظر و اعمال آن از سوی توده ها، تنها طرفی که جست حکومت است که با دست باز و بدون هراس از بازخواست و پرداخت بها، رای و اراده خود را پیش می برد. در این رابطه درک مدافعان استحاله از «خشونت» همان تعبیری ست که ولی فقیه رژیم، چندی پیش در نماز جمعه، ارائه نمود. او نیز از مشورعت «خشونت دولتی» و انحصار حکومت در اعمال آن سخن گفت. بدیهی ست که خیزشهای توده ای، اعتراضهای دانشجویی، اعتصابهای کارگری و مقاومت فعال و سازمان یافته، طبق این دیدگاه نه تنها مشروع نیست بلکه از مصادیق بارز «خشونت» و آن هم نوع غیر رسمی آن تلقی می گردد.

تفاوت نظر خامنه ای با استحاله طلبان در این نکته است که او در دفاع از رویکرد خود و «نظام» هیچ توجیه و پرده پوشی را لازم نمی بیند. این مشکل به عهده همدستان «نظام» است که عرق ریزان آسمان را به ریسمان بدوزند و سد حائلی بین رژیم و مردم ایجاد کنند تا مبادا سهم خیالی آنان از کیک

«مشارکت» در این تقابل به نیست مبدل شود.

یک سیاست بر اساس نتایج مشخصی که کسب می کند و تأثیرات ملموسی که بر جای می نهد، مورد داوری قرار می گیرد. ارزیابی انگاشتها، به ویژه آن جا که سطح مطالبات توده ای از ظرفیت چارچوبها و خطوط قرمز رسمی فراتر رفته و آنها را منفرج نموده است، بسا سهلتر از دورههای آمیخته با آرامش است. گسترش و دامنه درگیری در بالا و پایین، برای اقشار وسیعی از مردم، امکان منحصر به فرد تمایز میان سیاستهای گوناگون بر اساس تجربه شخصی و روزمره خویش را به وجود می آورد. انبوه مردمی که فرصت دسترسی به اطلاعات و آشنایی نزدیک با رویکردهای سیاسی از آنان سلب شده است، در یک دوران پر تلاطم از طریق تأثیرات مستقیمی که اشکال مختلف سیاست، زندگی و محیط اجتماعی آنها بر جای می گذارند و از این هم مهمتر، نقشی که حرکت خود آنان بر این گستره حکم و ترسیم می کند، بیش از پیش راه کارهای منطبق با تجارب و نیازهای خویش را انتخاب کرده و به آزمایش می گذارند. تمام بیهوده گوئیهای باند خاتمی و استحاله طلبان به مردم پس از «انتخابات» مبنی بر «حفظ آرامش» و تفویض مقرراتشان به آنها و چانه هایی که در «بالا» می زنند. در توفان خشم مردم خلخال و رشت به هیچ انگاشته شد. معلوم نیست هنگامی که باران خمپاره سقف پایگاههای سرکوب را در قلب دارالخلافه مشبک کرده و «آسپیران غیث آبادی»های چند ستاره سپاه به لکنت افتاده اند، دیگر می توان مردم را از چه چیزی ترساند. به همان اندازه که بحران نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه گسترش یافته و شکاف بین بالا و پایین ژرفتر می گردد، برای «میان راه» هم فضای تنفسی تنگ و تنگتر می شود. دیگر جایی برای نشستن در «میان»، مکانی بین حکومت و مردم باقی نمانده است. همدست حکومت یا همراه مردم، جایگزین دیگری وجود ندارد.

## اجلاس صندوق بین المللی پول (IMF) و بانک جهانی (WB) در واشنگتن دی سی

## جنبش جهانی علیه چپاول زحمتکشان ادامه دارد

— لیلیا

مقامات پلیس و امنیتی اعلام کرد که تمامی ادارات دولتی که در اطراف اجلاس صندوق بین الملل و بانک جهانی بودند روز دوشنبه تعطیل خواهد بود و تنها کارکنان مشاغل اضطراری باید به محل کار حاضر شوند. دفتر ریاست کارگری ایالات متحده به طور غیر مترقبه ای اعلام کرد که کارکنان وزارت امور خارجه وزارت دارایی، وزارت بازرگانی و وزارت کشور، کاخ سفید و دیگر ادارات کلیدی تعطیل خواهند بود.

تظاهرکنندگان اعلام کردند که روز یکشنبه تنها در مقابل کاخ سفید ۲۰ هزار نفر اجتماع کرده بودند اما پلیس این تعداد را ۱۰ هزار نفر اعلام کرد.

## اطلاعیه «اردوگاه مردمی علیه

## جهان گرایی امپریالیست»

طبق اطلاعیه ای که در روزهای ۱۵ و ۱۶ آوریل از طرف چندین گروه شرکت کننده در تظاهرات به طور مشترک داده شد از عملکرد خشونت آمیز و وحشیانه و نابرابر پلیس در مقابل تظاهرات مسالمت آمیز مردم علیه جهان گرایی امپریالیست ابراز انزجار کردند. در این اعلامیه آمده که: «ما برای ادامه این مبارزه و مقاومت عزممان را جزم تر کرده و از مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی کارگران و مردم ستمدیده جهان در هر کجا هستند حمایت می کنیم. ما علیه سیاستهای غیر انسانی و اقدامات شرکتهای فرامیلتی و نهادهای استثمارگر دولتهای امپریالیستی مقاومت و مبارزه می کنیم. ما از فراخوان اتحاد بین المللی که قرار است تا پایان سال ۲۰۰۰ در جهت قدرت بخشیدن به همبستگی بین المللی و مبارزات مردم علیه جهان گرایی امپریالیست تشکیل شود، حمایت می کنیم.»

فراخوان «اتحاد بین الملل مبارزات مردم» از موارد زیر حمایت می کند.

- ۱- رهایی ملی و اجتماعی از امپریالیسم و ارتجاع
- ۲- حقوق بشر در زمینه سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۳- حمایت از صلح و علیه جنگهای تجاوزگرانه و اتمی و سلاحهای کشتار دسته جمعی
- ۴- حقوق کارگران، تقلیل ساعت کار با پرداخت مزد کامل برای ممانعت از بیکاری و افت پرداخت مزد.
- ۵- حقوق روس-تاتاریان، کشاورزان، کارگران، ماهیگیران علیه استثمار و ستم فئودالها و نیمه فئودالها
- ۶- حقوق زنان و علیه تبعیض و استثمار جنسی
- ۷- حقوق هم جنس گرایان و علیه تبعیض نسبت به آنان

بقیه در صفحه ۱۶

دست آورده و آنها را همراه خود بیاورند. بر عکس تظاهرات در سیاتل که توسط فعالان غرب آمریکا سازماندهی شده بود تظاهرات شهر واشنگتن از طرف سازمانهای چپ و مؤسسات سیاسی مرکزی واشنگتن ترتیب داده شده بود. نیروهای تشکیل دهنده این اعتراض از گروههای چپ، گروههای مخالف استفاده از سلاحهای اتمی سالهای ۷۰، طرفداران ساندینیستیهای سالهای ۸۰، آتاریستها، ناسیونالیستها، طرفداران حفاظت از محیط زیست، سازمانهای دفاع از حقوق زنان، ممنوعیت کار کودکان، حمایت حیوانات و غیره ... بودند که با وجود گوناگونی این صف آرای در خواست بارز آنان «مخالفت با سیاستهای ضد مردمی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی» بود. تظاهرکنندگان در طول یک هفته که خود را برای روزهای ۱۶ و ۱۷ آوریل آماده می کردند اقدام به برگزاری سیمینارها، میتینگها، سخنرانیها و کنسرتهای متعددی در نقاط مختلف واشنگتن کردند. هم چنین جهت تهیه مواد غذایی و محل خواب تلاش می کردند.

اما در این میان مقامات پلیس و امنیتی نیز بی کار ننشسته بودند و از همان روزهای اول اقدام به تدارک سرکوب این تظاهرات با حداکثر توان کردند. سرانجام روز یکشنبه ۱۶ آوریل تظاهرکنندگان توانستند با بستن راه به راس بسیاری از شرکت کنندگان در اجلاس صندوق بین الملل پول، مراسم افتتاحیه این اجلاس را بر هم زنند. تظاهرکنندگان اعلام پیروزی کردند اما صندوق بین الملل پول اعلام کرد که اجلاس طبق برنامه قبلی پیش رفت. تا این زمان و طی روزهای قبل بیش از ۶۰۰ نفر از تظاهرکنندگان توسط پلیس دستگیر شده بودند.

روز بعد برای اجتناب از تجربه روز قبل، جلسه بسیار زودتر از معمول کار خود را شروع کرد اما با این حال ۳۵ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر شدند و پلیس آنان را بر روی زمین کشانده و با زور به دستهای آنان دستبند زد. در قسمتی دیگر در مقابل دفتر بانک جهانی حدود ۱۸ الی ۲۰ نفر دیگر دستبند زده شده و به داخل اتوبوسهای مدرسه کشانده شدند. پلیس اعلام کرد که در کیفهای تظاهرکنندگان، ماسک ضد گاز اشک آور، سنگ، تیرکمان و بطریهای محتوای ادرار که روی آن نوشته شده بود «ویژه سیاتل» یافته است. با این حال تظاهرکنندگان توانستند از ورود چندین تن از نمایندگان برای شرکت در جلسه جلوگیری کنند. قابل توجه است که در ساعات آخر روز یکشنبه دولت فدرال به پیشنهاد

صندوق بین المللی پول به کشورها و یا بانکهایی که قادر نیستند بدهیهای خود را بپردازند وامهای کلانی واگذار می کنند. این دولتهای بدهکار طلب خود را از این طریق به طلبکار اول پرداخت می کنند اما در عوض بایستی درها را به روی شرکتهای خارجی باز کنند و نیاز و خواست اکثریت مردم در نظر گرفته نمی شود. بانک جهانی نیز نه تنها از برنامه های صندوق بین الملل پول حمایت می کند بلکه نقشه های نابودگرانه خود را نیز وارد عمل می کند. برای مثال با وادار کردن موزامبیک به صدور بادام خام پروسه مخصوص تفت بادام هندی را از بین برد در نتیجه ده هزار نفر کارگر کار خود را از دست داده و هم اکنون بادامها در هند و توسط کودکان پوست گرفته می شوند بانک جهانی هم چنین پروژه های نابود کننده محیط زیست را به دست گرفته و دولتها را مجبور می کند که امدادهای پزشکی برای مردم فقیر را قطع کند.

## تظاهرکنندگان چه می گویند؟

آنها می گویند که صندوق بین الملل پول و بانک جهانی نباید بدهیهای کشورهای معروف به جهان سوم را نادیده بگیرد. پرداخت بدهی به صندوق بین الملل پول و بانک جهانی کشورهای فقیر را ناچار می کند که حقوق انسانی مردم خود را پایمال کنند. بسیاری از این بدهیها توسط صندوق بین الملل پول و بانک جهانی به رژیمهای فاسد تحمیل شده تا این کشورها نیازمند باقی بمانند و این وامها نفعی به حال مردم عادی ندارد. صندوق بین الملل پول و بانک جهانی کشورهای فقیر را در قرض سرسام آور نگاه می دارند زیرا آنها برای دریافت وام بیشتر باز می گردند و بدین وسیله هرگز نمی توانند از پرداخت آن رهایی یابند. هم چنین دولتهای ثروتمند، کشورهای در حال رشد را کنترل کرده و سیاستهای خود را به آنها دیکته می کنند. دولت کلینتون به خاطر شکستهایی که این دو نهاد در سیاستهای خود داشته و نظرات منفی و مخالفتی مردم با آنها سرگین است و به خاطر حفظ ظاهر دست به یک تغییرات بسیار جزئی زده است اما سیاستهای اصلی خود را هم چنان باقی نگاه داشته است.

## در واشنگتن چه گذشت

از روز شنبه ۸ آوریل هزاران از انسانهای متعهد و عدالتخواه برای ابراز مخالفت با سرمایه داری جهانی با کاروانی از اتوبوسها، اتوموبیلها، دوچرخه سواران و غیره به سوی شهر واشنگتن سرازیر شدند. بسیاری از فعالان این جنبش هم چنین توانسته بودند از حمایت دانشجویان مناطق خود را به

روز یکشنبه ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ وزارت دارایی و بانکهای مرکزی از ۲۵ کشور جهان، نمایندگان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و هیأت مدیره مؤسسه اقتصاد جهانی به واشنگتن آمدند تا در اجلاس دو روزه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (روزهای ۱۶ و ۱۷ آوریل) تحت عنوان «امداد به مقروضان» شرکت کنند.

به همین مناسبت از روز شنبه ۸ آوریل، یک هفته قبل، صدها نفر از فعالان جنبش عدالت خواهانه از اقصی نقاط آمریکا جهت برپایی تظاهرات عظیمی علیه سیاستهای تجاوزگرانه این دو نهاد به سوی شهر واشنگتن روانه گشتند.

## بانک جهانی چیست؟

در سال ۱۹۴۴ بانک جهانی که اکنون بزرگترین مؤسسه مالی جهان برای کمکهای توسعه ای است ایجاد شد. برای بانک که خود از ۵ نهاد تشکیل شده است سالانه حدود ۳۰ میلیارد دلار وام به اکثر ۱۸۱ کشور عضو خود واگذار می کند.

## صندوق بین المللی پول چیست؟

این نهاد در سال ۱۹۴۴ برای کمک به کشورهایی که قدرت پرداخت قرضهای خود را نداشتند تشکیل شد. تمامی ۱۸۲ کشور عضو آن به این صندوق کمک کرده هم چنین می توانند تقاضای وام کنند. این دو نهاد در حقیقت ضمانت دولتهای مقروض و بی اعتبار که قادر به پرداخت وامهای خود نیستند می شوند اما آنها این ضمانت و یا امداد را تنها در شرایطی و برای دولتهایی انجام می دهند که اجازه دهند شرکتها و سرمایه داران بزرگ امکان دسترسی آزاد و کامل به منابع آنها و نیروی کارگران را داشته باشند. آنها از قدرت خود استفاده کرده و کارکنان دولتی را از کار برکنار می کنند و برنامه های بهداشتی، درمانی و آموزشی را به بهانه صرفه جویی و نظارت در امور مالی کشورها از بین می برند. برای مثال در کره جنوبی و در یکی از بزرگترین اقدامات به اصطلاح مدرنسازی تمامی وام را به دست سرمایه گزاران خارجی سپردند تا پولشان «امن» باشد.

در دو دهه اخیر اکثر کشورهای فقیر جهان تحت برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به طور کلی توسط بوروکراتهای دولتهای ثروتمند کنترل شده که با حداقل دخالت مجلس و یا منابع قانونگذاری و بدون هیچگونه دخالتی از جانب کشورهای در حال توسعه که ضمناً این دو سازمان با قدرت زیادی در آن جا عمل می کنند اداره می

## اجلاس صندوق بین المللی پول

بقیه از صفحه ۱۵

- ۸- حقوق مردم بومی و ملیتها علیه شونیسیم و نژادپرستی
- ۹- حقوق کودکان علیه به کارگیری کودکان و دیگر انواع استثمارگران
- ۱۰- حقوق آموزگاران و جوانان
- ۱۱- حقوق و منافع آوارگان و کارگران مهاجر
- ۱۲- حفظ محیط زیست و علیه آلودگی محیط
- ۱۳- حق دسترسی به مواد غذایی سالم و امن بدون استفاده از پروسه شیمیایی

### گزارش عینی از تظاهرات

روز یکشنبه ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ وقتی با چند تن از رفقایم از پله های مترو زیرزمینی بالا آمدیم، در هوای آفتابی و ملایم شهر واشنگتن چشمانم به تعدادی دختر و پسر جوان که روی زمین نشسته و تعدادی نیز ایستاده و به نظر می آمد دیگران را حمایت و راهنمایی می کردند، خورد. آنها نقشه هایی در دست داشتند که آن را مطالعه می کردند. یکی از رفقا از دختر جوانی که دیگران را راهنمایی می کرد پرسید تظاهرات کجاست. او جواب داد کدام تظاهرات؟ قانونی یا غیر قانونی؟ یکی از رفقا گفت غیر قانونی. ناگهان برقی از شادی در چهره او جهید و گفت شما جدا قسمت غیر قانونی را می خواهید؟ خیلی تحسین آمیز است. شما کجایی هستید؟ یکی از ما جواب داد ایرانی و دیگری پاسخ داد کرد. او گفت که روز گذشته صدها نفر از ما را دستگیر کردند اما به دلیل این که در زندانهایشان جا نداشتند ما را در اتوبوس حبس کردند. من با ضمانت آزاد شدم اما خلیلیا هنوز در اتوبوسها زندانی هستند. اولین محلی که رسیدیم رویروی فروشگاه پوشاک گپ بود. در آنجا تظاهرکنندگان دستها را به هم زنجیر کرده بودند و درست به همان تعداد پشت سرشان پلیس شانه به شانه ایستاده بود. آنها بدین طریق خیابان را بسته بودند و در مقابل مردم نمایشی از چگونگی استثمار سرمایه داران در کارگاههای تهیه این محصولات اجرا می کردند. فردی کلاه ای (IMF) و دیگری بانک جهانی بر سر داشت و به چند نفر کارگر و زنی روی صندل چرخدار دستور کار سریع تر و بیشتر می داد. پس از نمایش آنها به خواندن سرود و رقص و موسیقی پرداختند.

در اطراف دانشگاه جورج واشنگتن که توسط مقامات دولتی تعطیل اعلام شده بود آن هم به این علت که مرکز آموزش دانشجویان و پاسخ به سؤالات و بحثهای مربوط به فعالیتهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بود، تظاهرکنندگان در دسته ها و گروههای مختلف با شعارها و پلاکاردهای خود راه پیمایی می

کردند. آنها عروسکهای سه سر بزرگی را حمل می کردند.

برخی از شعارها:

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، صدها تروتمند و میلیاردها فقیر - مردم برتر از منافع - تجمع کمپانیهای بزرگ را متوقف کنید - به پا خیزید - حقوق بشر کالا نیست - سرمایه دار را نابود کنید - وقتی عده ای تحت ستم هستند هیچ کس آزاد نیست - کاپیتالیسم کثیف است - مالکیت خصوصی یعنی دزدی - جنگ واشنگتن علیه مردم فقیر جهان را متوقف کنید - مامویا و تمام زندانیان سیاسی باید آزاد گردند.

در روی سکوی مقابل یکی از ساختمانهای دانشگاه جورج واشنگتن تعدادی به نوبت و از طرف گروههای مختلف سخنرانی می کردند و تعدادی از تظاهرکنندگان در آنجا اجتماع کرده بودند.

بر روی پلاکاردها نوشته شده بود صندوق بین المللی پول (IMF) را تعطیل کنید و روی یکی دیگر با عکس چند کارگر نوشته شده بود کار با عدالت. یکی از سخنرانان به نام تری مارشال از گروه Just act از شهر بستن گفت: «ما در مقابل جهانی شدن امپریالیستها مقاومت می کنیم. ما با نیروی مردمی مبارزه می کنیم و نیروی مردمی پیروز است. سپس با اشاره به هلیکوپترهای پلیس که دائما بالای سر ما پرواز می کردند می گفت: همین هلیکوپترها به ما نشان می دهند که ما چه قدر قدرتمند هستیم و شما که به این جا آمده اید به مردم فقیر جهان عشق و هم پیمانی تقدیم کرده اید. او گفت: این پلیسها دیشب به ما حمله کردند و دست و پای عده ای را شکستند اینها مانند نازیها عمل می کنند ولی آنها می توانند تمام سلاحهایشان را بیابورند. سرانجام قدرت مردمی خفه شان خواهد کرد. در خاتمه فریاد زد این خیابانها متعلق به چه کسانی هستند و تظاهرکنندگان پاسخ دادند مال ما و این شعار را چندین بار تکرار کردند و با دست زدن و سوت کشیدن از سخنان او استقبال کردند.

سخنران بعدی گفت که: «ارتش و پلیس برای سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز ما که علیه انحصارات سرمایه دار است و از مردم فقیر جهان حمایت می کند، این گونه سخت بسیج گشته اند. بله می بینید این چهره امپریالیست است.»

یک خیابان پایین تر تظاهرکنندگان چهار راه را اشغال کرده بودند. گروههای مختلف از چند سو به این میدان می پیوستند گروههایی با طبل و موزیک وارد می شدند. عده ای می رقصیدند و سرود می خواندند. در همین هنگام یک اتوبوس پر از پلیس از یکی از خیابانها به طرف چهار راه رسید. پلیسهای مسلح به طرف تظاهرکنندگان حمله کردند. در این هنگام خبرنگاران و فیلم برداران و روزنامه نگاران که شاهد این وضع بودند فعال گشتند. تظاهرکنندگان با هوشیاری کامل شعار دادند صلح آمیز، صلح آمیز... و هنگامی که پلیسها باطومهای خود را به

بالای سر آنها می آوردند آنها روی زمین نشسته وانگشتان خود را به علامت صلح بالای سر خود می بردند و شعار می دادند صلح آمیز، صلح آمیز. پلیسها وحشی و وامانده مانند پلنگهای کاغذی در مقابل طوفان به این طرف و آن طرف کشیده می شدند و نمی توانستند تصمیمی بگیرند. سرانجام با هجوم بقیه تظاهرکنندگان به طرف اتوبوسها عقب نشینی کردند. و این کار چندین بار تکرار شد و در این میان چند نفر با ضربه باتوم پلیس خون آلود شدند. دقایقی بعد وقتی پلیسها و اتوبوس با فشار تظاهرکنندگان به آخر خیابان عقب نشینی کردند اقدام به استفاده از گاز اشک آور و اسپریهای فلفل کردند و تعدادی از ما خواستند که برای اجتناب از گاز عقب نشینی کنیم. آنچه در این جا بسیار قابل حیرت و تحسین آمیز بود نظم و برنامه ریزی تظاهرکنندگان بود. چند نفر در پیاده رو سریع قدم می زدند و آنچه جلوتر اتفاق می افتاد را به دیگران اعلام می کردند و دائما مراقب امنیت دیگران بودند. سرانجام پس از این درگیریها پلیسها سوار اتوبوس شدند و منطقه را با دنده عقب ترک کردند.

چنددقیقه ای نگذشته بود که گروه جدیدی با آرم و پلاکاردها و شعارهای خود از راه رسیدند آنها آثارشیشتها بودند که در سر راه خود سطهای بزرگ اشغال کنار خیابان را به وسط خیابان می کشیدند. این گروه همانهایی بودند که در سیاتل اقدام به شکستن پنجره ها و شیشه های مغازه ها کردند و با مخالفت بزرگان تظاهرکنندگان روبرو شده بودند. این بار با تجربه از سیاتل گروه قبلی فورا خود را به پیاده روها کشانند و آرام به دیگران تذکر می دادند که به کناری به ایستند و یک نفر به سردی که با دختر کوچکی در کناری ایستاده بود گفت او را از اینجا ببرید. به هر حال آنها باسر و صدا و پلاکاردها و شعارهای خود خیابان را پیمودند. پس از آن بقیه گروهها دو باره به هم نزدیک شدند. هسته تصمیم گیری وسط میدان نشسته و اقدام به برگزاری یک جلسه مشورتی کرد. در این هنگام درست بالای سر آنها ایستاده بودم و شاهد نظم اعجاب انگیز این جلسه بودم. آنها به طریقی بسیار دموکراتیک شرایط را تحلیل کرده و نظرخواهی کردند. نتیجه جلسه و تصمیم گیری نهایی توسط یک نفر اعلام شد و حلقه های بعدی با صدای بلند و دسته جمعی جمله به جمله آن را تکرار کردند تا دیگران بشنوند. دستور عمل این بود که همچنان چهار راه را در تصرف خود باقی نگهدارند و در تمام مراحل صلح آمیز برخورد کنند. پس از جلسه از یکی از آنها پرسیدم مسئول شما کیست او جواب داد ما مسئول نداریم فقط سخنگو داریم. یک خیابان آن طرفتر طرفداران حمایت از حیوانات راه پیمایی می کردند. سپس گروهی با طبل و سازهای مختلف از راه رسیدند. زنی از میان آنان که ویولون می زد روی زمین و در مقابل دختری کوچک زانو زد و چند لحظه برای او ویولون نواخت. دختران و پسران جوان

که در سنهای دانشگاهی به نظر می رسیدند در وسط میدان می خواندند و به نوای طبلها می رقصیدند. روی تی شرتهای سفید آنان نوشته شده بود: ماهمانهایی هستیم که تا به حال منتظرشان بودیم.

آنها می خواندند آزادی، آزادی... صندوق بین المللی باید برود. باز هم یک خیابان آن طرفتر تعدادی از تظاهرکنندگان دستها را حلقه کرده بودند و شعار می دادند «اتحاد برای مبارزه»

چند خیابان پایین تر تعدادی با حلقه کردن دستها خیابان را بسته بودند اما پلیسها شانه به شانه پشت سر آنها قرار داشتند. این عده خواهان آزادی زندانیان سیاسی بودند. از آنها پرسیدم مسئولشان کیست جواب داد، ما فقط سخنگوی مطبوعاتی داریم و یک نفر را که با پلیسهای زن مشغول گفتگو بود معرفی کرد. ایسن پلیس زن کنجکاوانه از تظاهرکنندگان سؤال می کرد و وقتی از یکی از آنها پرسید تو چرا این جایی او جواب داد که من در رشته فیلمسازی تحصیل می کنم و قصد دارم فیلمی در رابطه با دیدگاه تظاهرکنندگان بسازم. روی پلاکاردها نوشته شده بود «مقامت و استقامت - مالکیت خصوصی یعنی دزدی - کارگران سوسیالیست را حمایت کنید.» در قسمت قانونی تظاهرات در مقابل کاخ سفید گروهها اقدام به گذاشتن میز کتاب و سخنرانیهای متعددی کرده که در میان آنها سخنرانان ژاپنی، فلسطینی، کوبایی، چینی، جومیکا، روسی و غیره که با نیروهای خود در تظاهرات شرکت کرده بودند وجود داشت. تظاهرکنندگان هم چنین روی دیوارها شعاری نوشته بودند از جمله شعاری نظیر مبارزه طبقاتی را به اینجا بیاورید.

### دموکراسی سرمایه داری

روز چهارشنبه ۱۹ آوریل روزنامه واشنگتن پست در صفحه اول اخبار منطقه ای نامه ای را به چاپ رساند که پرده از چهره دولت آمریکا که یکی از قدرتمندترین و خط دهنده اصلی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی است و همواره شعار دموکراسی و صلح و آزادی را برای شهروندان خود و مردم سراسر جهان به نمایش می گذارد، گشود.

نویسنده این نامه می نویسد: از میان پنجره خانه ام واقع در Capital Hill می توانستم کاروانی از اتوموبیلهای گارد ملی و حدود یک دوجین جیب و کامیونهای روپوشیده که سربازان گوش تا گوش در آن نشسته بودند و به طرف مرکز شهر حرکت می کردند تا از بانک جهانی و صندوق بین المللی محافظت کنند، ببینم. به دنبال این کاروان حدود ۲ خیابان از پلیسهای موتور سوار با کلاه خود که چهره های مصمم و آماده برای نبرد داشتند دیده می شد و انگار که همه اینها کافی نبود. انواع هلیکوپترها

بقیه در صفحه ۱۷



## در گوشه و کنار جهان

سئول -

خبرگزاری فرانسه ۱۱ اردیبهشت  
تظاهرات خیابانی هزاران کارگر و دانشجوی کره جنوبی که در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت از جمله طرح فروش کارخانه اتومبیل سازی دوو، با دخالت پلیس و نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه صدها کارگر و دانشجویی که در مقابل جمعیت ۱۵۰۰۰ نفری تظاهرکنندگان حرکت می کردند، با نیروهای پلیس ضد شورش به شدت درگیر شدند و زد و خوردها به مجروح شدن تعدادی از معترضان و نیروهای پلیس انجامید. تظاهرکنندگان حالی که نوار قرمز بر پیشانی خود بسته بودند شعارهای تندری علیه دولت سر می دادند. این در حالی است که کارگران دوو روز قبل از آن در اعتراض به بازداشت تعدادی از همکاران خود در پی یک حرکت اعتراض آمیز دیگر، پنجمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند.

باکو -

مدیا پرس ۱۱ اردیبهشت - مأموران پلیس جمهوری آذربایجان با هجوم به صفوف تظاهرکنندگان در باکو از برگزاری تظاهرات ضد دولتی جلوگیری کردند. تظاهرکنندگان که تعداد آنها به بیش از هزار نفر می رسید، خواستار تغییر قانون انتخابات، برگزاری انتخابات آزاد، افزایش نمایندگانی مخالف در کمیسیون مرکزی انتخابات، و آزادی زندانیان سیاسی در آذربایجان شدند. بنا بر این گزارش هزاران پلیس برای مقابله با تظاهرکنندگان، میدان فضولی در مرکز باکو و پیرامون آن را به محاصره درآورده بودند. در این میان ۴۵ نفر از جمله سه نفر از رهبران مخالف دولت بازداشت شدند.

پورتوسکورو -

خبرگزاری فرانسه ۴ / اردیبهشت  
هم زمان با برگزاری پانصدمین سالگرد کشف برزیل، پلیس این کشور تظاهرات سرخپوستان، سیاهپوستان، بدون زمینها و هواداران نیروهای چپ را به شدت سرکوب و تعدادی را مجروح کرد. بنا بر این گزارش راهپیمایی صدها سرخپوست برزیلی که در اعتراض به برگزاری مراسم رسمی کشف برزیل در ۲۲ آوریل ۱۵۰۰ از موراورملها به سوی پورتوسکورو محلی که اولین بار دریاورد پرتغالی پا به برزیل گذاشت، با حمله پلیس به صف تظاهرکنندگان و استفاده از گاز اشک آور و گلوله های پلیاستیکی علیه آنها متوقف شد. در پی این حمله ۸ تن از رؤسای قبایل سرخ پوست مجروح شدند. قبل از این پلیس برزیل ۱۴۰ دانشجو را که به مسدود کردن راههای ورودی پورتوسکورو توسط ۶۰۰۰ نیروی امنیتی اعتراض داشتند، را دستگیر کرده بود. در عین حال راهپیمایی اعتراض آمیز ۱۵۰۰۰ تظاهرکننده دیگر از جمله کشاورزان بدون زمین که خواستار اصلاحات ارضی بودند و سرخپوستان به ۵۰۰ سال نسل کشی، سیاه پوستان به حذف خود از جامعه سفید پوستان و هواداران کمونیستها که به پشتیبانی از آنان به این جمع پیوسته بودند، با حمله پلیس متوقف شدند. راهپیمایان قصد داشتند در پورتوسکورو دست به تظاهرات بزنند. به گفته حوزه دیرسنو رهبر حزب کارگران برزیل پورتوسکورو این روز را در یک حکومت نظامی بی سابقه به سر برد.

- جعفر پویه

درگیری داخلی سیرالئون وارد ابعاد جهانی شد، جنگ بر سر بازپس گیری معادن غنی الماس که تحت کنترل نیروهای شورشی در آمده است رنگ و بوی جدیدی به این درگیریها داد. در حالی که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد برای خارج کردن این معادن از کنترل نیروهای شورشی وارد منطقه شده بودند، حدود ۵۰۰ نفر از آنان به گروگان گرفته شدند. این نیروها در کنار سربازان دولتی به حفاظت از صلح مشغولند در حالی که درگیری اصلی بین نیروهای دولتی و مخالفانشان، ورود نیروهای سازمان ملل برای پرهیز از درگیری را توجیه پذیر می کند. لشکرکشی خودسرانه انگلیس به سیرالئون و انتقاد کوفی عنان از آمریکا به علت گسیل نکردن سربازان مسلح به سلاحهای پیشرفته برای مقابله با شورشیان، این منطقه از آفریقا را با بحران جدیدی روبرو می کند. آیا ما شاهد اتفاق دیگری مشابه یوگسلاوی و عراق هستیم یا شورشیان باز اختیار معادن الماس را به اربابان واگذار خواهند کرد و ماجرا به گونه دیگری پایان خواهد یافت؟

پورتوسکورو -

خبرگزاری فرانسه ۴ / اردیبهشت  
هم زمان با برگزاری پانصدمین سالگرد کشف برزیل، پلیس این کشور تظاهرات سرخپوستان، سیاهپوستان، بدون زمینها و هواداران نیروهای چپ را به شدت سرکوب و تعدادی را مجروح کرد. بنا بر این گزارش راهپیمایی صدها سرخپوست برزیلی که در اعتراض به برگزاری مراسم رسمی کشف برزیل در ۲۲ آوریل ۱۵۰۰ از موراورملها به سوی پورتوسکورو محلی که اولین بار دریاورد پرتغالی پا به برزیل گذاشت، با حمله پلیس به صف تظاهرکنندگان و استفاده از گاز اشک آور و گلوله های پلیاستیکی علیه آنها متوقف شد. در پی این حمله ۸ تن از رؤسای قبایل سرخ پوست مجروح شدند. قبل از این پلیس برزیل ۱۴۰ دانشجو را که به مسدود کردن راههای ورودی پورتوسکورو توسط ۶۰۰۰ نیروی امنیتی اعتراض داشتند، را دستگیر کرده بود. در عین حال راهپیمایی اعتراض آمیز ۱۵۰۰۰ تظاهرکننده دیگر از جمله کشاورزان بدون زمین که خواستار اصلاحات ارضی بودند و سرخپوستان به ۵۰۰ سال نسل کشی، سیاه پوستان به حذف خود از جامعه سفید پوستان و هواداران کمونیستها که به پشتیبانی از آنان به این جمع پیوسته بودند، با حمله پلیس متوقف شدند. راهپیمایان قصد داشتند در پورتوسکورو دست به تظاهرات بزنند. به گفته حوزه دیرسنو رهبر حزب کارگران برزیل پورتوسکورو این روز را در یک حکومت نظامی بی سابقه به سر برد.

اسلو - رویتر ۱۸ اردیبهشت

اتحادیه های کارگری نروژ به منظور افزایش حقوق و کاهش ساعات کار هفتگی خود بزرگترین اعتصاب این کشور از زمان جنگ جهانی دوم را به راه انداختند. نیکویهاگسن رئیس کنفدراسیون سندیکاهای کارگری نروژ به خبرنگاران گفت: این اعتصاب فعلا بخشهای نفت و گاز، جنگلداری، خطوط هوایی و هتلهای کشور را فرا گرفته است، اما تا روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت بسیاری بخشهای دیگر نیز به آن خواهند پیوست.

اعتصاب کارگران نروژی که در پی رد درخواست افزایش حقوق در سال ۲۰۰۰ بر پا شده، روند صادرات نفت را کند کرده و در عین حال باعث سرگردانی تعداد زیادی از مسافران در فرودگاههای نروژ شده است.

هاگسن اضافه کرد اعتصاب آنها بزرگترین اعتصاب کارگری نروژ از زمان جنگ جهانی دوم است. به گفته او، آخرین اعتصاب از این نوع در سال ۱۹۳۱ در این کشور بر پا شده بود.

ژوهانسبورگ - ۲۲ اردیبهشت

به گزارش خبرگزاریها به دنبال دعوت کنفدراسیون سندیکاهای کارگری آفریقای جنوبی به یک اعتصاب عمومی، فعالیتهای اقتصادی در بیش از ۳۰ شهر این کشور متوقف شد. مسئولان کنفدراسیون بزرگ کوزاکو به خبرنگاران گفتند: ۳ میلیون نفر در این اعتصاب شرکت کردند و پلیس در بسیاری از شهرها از جمله لامونتویل در نزدیکی دوربان برای متفرق کردن اعتصاب کنندگان از گاز اشک آور استفاده کرد. این مرکز سندیکایی که به اخراج مداوم کارگران اعتراض دارد اعلام کرده است در مقابل بی تفاوتی دولت و کارفرمایان، اقدامات دیگری رانیز مد نظر دارد.

در پایان به این خبر که بی بی سی در ۲۲ اردیبهشت مخابره کرده توجه کنید:

سازمان عفو بین الملل از سازمان ملل تقاضا کرد که شکنجه مستمر و بدرفتاری با مظنونان به تبهکاری و زندانیان در زندانهای آمریکا را محکوم کند. بنا بر این گزارش در حالی که واشنگتن در نشست کمیته مبارزه با شکنجه در ژنو از خوبی وضع حقوق بشر در آمریکا سخن گفت عفو بین الملل از انزوای دراز مدت برخی زندانیان در زندانهای آمریکا و رفتار بی رحمانه پلیس این کشور با مظنونان انتقاد کرد. اما هارولدکو معاون وزیر خارجه آمریکا در امور حقوق بشر گفت که این ادعا صحت ندارد. عفو بین الملل از استفاده پلیس آمریکا از اسپری فلفل و گاز اشک آور علیه تظاهرکنندگان و استفاده از شوک الکتریکی علیه زندانیان انتقاد کرد. دولت آمریکا در باره اتهامات عفو بین الملل اظهار نظر نکرده است. □

jong\_khabar@yahoo.com

## اجلاس صندوق ....

بقیه از صفحه ۱۶

که پایین پرواز می کردند و یکی از آنها به شکل نهنگ سیاهی بود که در جلوی آن لوله قطور تفنگی که شبیه دماغ نهنگ بود بیرون آمده بود، به چشم می خورد.

برایم خیلی جالب بود که چگونه مقامات امنیتی منطقه ای و ارتش ملی می توانند در هم ذوب شده و به صورت مشت محکم و گره خورده ای آماده خرد کردن هر چیز و همه چیز باشند. در مورد این تظاهرکنندگان که در مقابل سران اقتصادی جهان قد علم کرده اند، چه تهدیدی می توانست وجود داشته باشد. هر چه بگوئید مرا آنقدر نمی هراساند که تماشای این که چه آسان و سهل می توان این شهر را به کمپهای نظامی تبدیل کرد و این که چه طور نیروهای دولتی می توانند آزاد و ناعادلانه و بدون توجه به حال مردم بی گناه و یا حتی به گزارشگران و فیلم برداران و عکاسان، به حرکت کنند مرا به وحشت می اندازد. فقط در چند دقیقه چندین جوخه

افسران پلیس دسی تعداد ۹۰ خیابان مرکز شهر واشنگتن، یعنی درست قلب و نبض این کشور را اشغال کردند. آخرین به این سبب دموکراسی که برای چند روز خیابانها را با استفاده از اسپری فلفل و ضربات باطوم و گاز اشک آور اشغال کرد. بهتر بود این اجلاس را یک جای دیگر می گذاشتند مثل کاری که بقیه می کنند تا این طوری دیکتاتوری سرمایه داری در قلب این کشور به چشم جهانیان به نمایش گذاشته نمی شد.

رئیس پلیس واشنگتن چارلز رمزی مفتخرانه و در ظاهر صلح جو در خیابان قدم می زد و گاهی هم با یکی دو نفر از تظاهرکنندگان صحبت می کرد اما خوب می دانست که اگر کسی لب تکان دهد و حرکتی از تظاهرکنندگان ببیند پشت سرش پنتاگون، ارتش و پلیس و گارد ملی ایستاده اند و بلاپی بر سر همین تظاهرکنندگان خواهد آورد که تاریخساز باشد.

در مقابل این نیروی عظیم، شجاعت و روح آزاد تظاهرکنندگان شفاف تر و درخشانتر جلوه می کرد آنها همین مردم عادی کوچ و خیابان بودند. آنها نوازنده، معلم، کارکنان آژسوده و با تجربه، زنان و مردان عادی بودند. آنها آنقدر شجاع بودند که توانسته بودند سینه سپر کرده و از حق دفاع کنند. یکی از این افراد به نام اریک لارمنس، پروفیسور رشته فلسفه از دانشگاه میشیگان با تعدادی دانشجو ۹ ساعت رانندگی کرده و خود را به واشنگتن رسانده بود. با خودم فکر می کردم این چگونه آدمیست که این همه راه را آمده یک شب هم در زندان به سر برده. ولی او به من گفت ما با نیرویی سنگین تر از نیروی سلاح به این جا آمده ایم. راستش را بخواهید برای من لذت بخش بود که ببینم این همه آدمهای سفید پوست علیه نژادپرستی و بی عدالتی قد علم کرده اند. یکی از تظاهرکنندگان به من گفت: «جنیک ما ادامه دارد»، «در دادگاهها؟ حتما در خیابانها؟ قسم می خورم. درود بر این انسانها! □

## ادبیات ایران در هزاره دوم

### نگاهی به گذشته و اشاره ای به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵)

— اسماعیل وفا یغمایی  
متأسفانه در ایران و به خصوص با تراوشات تفکر آخوندی هر حادثه تاریخی و اجتماعی که با مذهب سر و کار دارد، از زمینه واقعی و تاریخی خود کنده شده و به دیوار اسرار انتقال داده شده است و حول آن نیز چندین مدار چرخان و غیر قابل نفوذ از تقدس با نوره‌های کور کننده به چرخش درآمده است و مانع می شود تا حقایق تاریخی و اجتماعی در دسترس شعور و ادراک قرار بگیرند. از زمره مهمترین این حقایق رویارویی دو نیرو در مرکز قدرت و حکومت وقت یعنی اشرافیت اسوی و نیروی مقابل، هواخواهان فکری و مکتبی علی ابن ابیطالب که خواستار عدالت و مساوات بودند می باشد. در حیطه تفکر آخوندی این رویارویی در وجه غالب خونی و ژنتیک است، و از آنجا که اکثریت فرزندان و قوم و قبیله علی (بنی هاشم) جزو طرفداران فکری او نیز می باشند این ظن هر چه بیشتر پر رنگ می شود. با این نوع تفکر، زمینه تاریخی و اجتماعی کمرنگ و سرانجام بی رنگ می شود و جدال ازلی و ابدی دو جریان خونی و ژنتیک بنی هاشم و بنی امیه بر جای می ماند و قضیه کاملاً رنگ آسانی گرفته و خارج از حیطه عقل و شعور بشری قرار می گیرد و داستان به این صورت در می آید که حقوق بنی هاشم به عنوان فرزندان پیامبر و قوم و قبیله برتر توسط بنی امیه و بعدها دیگران که ادامه محتوایی بنی امیه هستند پایمال شده است و دعوا نه بر سر یک مسأله اجتماعی و تاریخی و سرنوشت یک نهضت و چندین ملت، بلکه بر سر ارث و میراث و حقانیت خون بنی هاشم و عدم حقانیت خون بنی امیه، دو نیروی خیر و شریست که در آغاز نیز اجدادشان بنا به برخی اسناد دوقلوهای به هم چسبیده ای بودند که توسط کارد قابله از هم جدا شدند و به همین علت پیش بینی شد که اختلاف این دو برادر باید تا ابد خون یکدیگر را بریزند.

با این تحلیل می بینیم اساساً گناهکاری وجود ندارد و گناهکار یا بازیگر اصلی آن نیروی غیبی است که تکرار نمایشنامه خیر و شر یا اهورامزدا و اهریمن را در بازآفرینی غیر ایرانی آن در جدال بنی امیه و بنی هاشم دنبال می کند. می توان این نوع تفکر را در شاخه های کمدی و درام دنبال کرد که مثلاً بر اساس همین حقانیت خونی است که چهارده قرن بعد از این قضایا به اصطلاح سیدی از تبار خونی پیامبر باید از خمین قد علم کند و بلایی بر سر ملت ایران بیاورد که سیمای یزید و معاویه کمرنگ شود. و سیدی دیگر به مثابه بزرگترین جلد فرزندان یک ملت در کشتارگاههای حکومت آخوندها سالها خون بریزد و جنایت کند و چون به مجازات برسد به او لقب پیشانی نظام اسلامی داده شود.

با تحلیل و تفسیر آخوندی تاریخ بر اساس تقدس خون، بدون تردید جلال و قربانی می توانند در زیر یک علم با هم سینه بزنند و عزاداری کنند ولی نمی توانند هرگز رو در روی هم بایستند زیرا هر دو خون بنی هاشم را در رگ دارند. باز یک اساس همین جدال خونی و بدون ارتباط با مسایل تاریخی و اجتماعی است که باید هر شیعه آل علی در کشاکش تاریخ صرفاً با نگاهی به پهنه رستاخیز و مورد سؤال قرار گرفتن باید دائماً نگران بازگرداندن شدن حق بنی هاشم باشد. ای کاش مشکل تنها این بود، و این جدال خونی صرفاً باعث محبوبیت سادات و اخلاف بنی هاشم می شد، یا فقط این تضاد را در بعضی اذهان دامن می زد که مقوله فره ایزدی و اصالت خون فقط در ایدئولوژی شاهنشاهی وجود ندارد، بلکه مقوله امامت در شیعه نیز بر پایه اصالت خون، و اساساً از اختراعات ایرانیان هوشمندی است که خواسته اند با این نوع تفکر دوباره نظام شاهنشاهی را احیا کنند. ای کاش مشکل اینها یا امثال اینها بود. مشکل بسیار آزردهنده وقتی خود را نشان می دهد، که در ادامه یک کنکاش تاریخی می آید، (نه بر پایه اساطیر و افسانه های آخوندها، یا محققان مذهبی بی سواد که تکلیف تحقیقشان از اول روشن است و در آغاز کار بخش آخر کتابشان را به خاطر رضایت نکیر و منکر نوشته اند). بلکه بر پایه حقایق تاریخی و اجتماعی و در زیر نور نورافکنهایی که ذره ای تقدس جز برای حقیقت قابل نیستند می خواهیم گذشته را

بشناسیم، با روزگاران سپری شده زمزمه سر کنیم و مثلاً بدانیم:

— چرا ایران مسلمان شد ولی ایرانی باقی ماند؟  
— چرا ایران با هر رنجی بود زبان خود و موسیقی خود و رسوم خود را در زیر وحشیانه ترین سرکوبهای فرهنگی حفظ کرد؟  
— چرا اسلام در ایران با سایر کشورهای فتح شده توسط مهاجمان تفاوت دارد؟  
— چرا ایرانیها دهها بار طی قرنهای اول تا چهارم علیه مرکز قدرت و خلافت خونین ترین و گسترده ترین قیامها را به راه انداختند و در جهان اسلام اساساً نخستین قیامهای مسلحانه علیه مرکز قدرت اسلامی در ایران شروع شد؟  
— چرا نخستین شکاف در وحدت سیاسی امپراطوری اسلامی آن روزگار توسط ایرانیها ایجاد شد؟  
— چرا نخستین نیروی مسلحی که در داخل مرزهای اسلامی با ارتش خلافت جنگید (ابومسلم خراسانی) و نیروی خلافت را در هم شکست، ایرانی بودند؟  
— چرا نخستین نیروی مسلحی که برای اولین بار پایتخت خلافت را به لرزه درآورد، ارتش ایرانی دیلمیها بود؟  
— چرا ایران در طول چهارده قرن، حتی یک بار به خاطر اسلام رسمی علیه هیچ دولت و ملت غیر مسلمانی جنگید ولی صدها بار علیه اسلام رسمی و دولتی شمشیر کشید؟

— و علیرغم اینها چرا ایران به فرجام کار اسلام را پذیرفت و آیا این اسلام همان اسلامی است که با شمشیر به ایران ارمان داده شد و ایرانیها دهها بار علیه آن شورش و قیام بر پا کردند؟  
وقتی در دشتهای تاریک و روشن تاریخ به سفر برویم و نچوهای گذشته را بشنوم، در اطراف ما این سؤالها و دهها سؤال شبیه به این قد می کشد و پاسخ واقعی می طلبند. در روزگار ما و با تحوّل که همپای تحولات اجتماعی در درون ذهنها و اندیشه ها و با لمس روزمره حکوت مذهبی آخوندها به وجود آمده پاسخهای آخوندی دیگر کارایی شان را از دست داده اند. پاسخهای خوش خیالانه و جوابهایی که ناشی از تبدیلی ذهنی هستند نیز سرنوشتی جز پاسخهای آخوندی ندارند. وجود پرورنده

های تاریخی اعمال فاتحان، همان طور که وجود تاریخی پرورنده های جنایتهای دولت ساسانی واقعی است، نشان می دهد که حکومتگران تیغ به کف نمی توانند فاتحان قلبها و عواطف مردم ایران در قرنهای آغازین مورد نظر ما باشند.

### افقی در قلمرو واقیقت تاریخی

در قلمرو واقیقت تاریخی افق قابل رؤیت است. تقریباً تا شروع هزاره دوم میلادی (قرن چهارم هجری) ایرانیان در راستای قیامها و شورشها با حکومت و مذهب رسمی جنگیدند. در طی همین قرنهای اسلام غیر رسمی و برشوریده علیه حاکمیت اندک اندک در نواحی قابل تاملی از ایران در درآمیختگی با فرهنگ و سنتهای گذشته ایران در میان ایرانیان ریشه دوانید و پذیرفته شد. به مقوله اندک اندک پذیرفته شدن این مذهب از آن رو تایید می کنم که در قرنهای اول تا سوم حتی قرن چهارم هجری شماره آتشکده های فروزان در ایران آن قدر زیاد بود که استخری در قرن چهارم نتوانسته اسامی تمام آنها را ثبت کند. این جغرافیایان برجسته می نویسند: به ندرت استان یا شهرستان یا بخشی پیدا می شود که در آن چند آتشکده نباشد، آتشکده مهر نرسیان که آن را مهر نرسی وزیر بهرام گور در دشت بارین فارس بنا کرده بود تا عهد طبری تاریخدان معروف برقرار و شعله ور بود. آتشکده آذرگتسب در فراهان تا قرن سوم بر پا و آباد بود و در سال ۲۸۲ توسط برون ترک حاکم قم ویران و ناپود شد. آتشکده حلوان در دیه آخرین تا مدتها پس از اشغال ایران فروزان بود و آتشکده آذر گتسب در آذربایجان و آتشکده کاریان در پارس و بسیاری آتشکده های دیگر بنا بر آنچه که مورخان در کتابهایی مثل مسالک الممالک، تاریخ طبری، البلدان، الاعلاق النقیسه، و ... اشاره کرده اند فروزان بوده اند. در این زمینه فی الواقع باید در تاریخ گذشته ایران به سفر رفت و بر پایه اسناد تاریخی حقیقت مقاومت در مقابل دین رسمی وقت با سلاح فرهنگ و مذهب دریافت. اما این قرنها در وجه غالب قرنهای شورش و قیام مسلحانه ایرانیان علیه قدرت حاکم است. (ادامه دارد)

## جنگ به خاطر صلح

\_\_\_\_\_ اولدوزلی  
حفظ صلح اساسی ترین نیاز بشریت به شمار می رود. بشریتی که از طرف جنگ همیشه تهدید شده و میلیونها میلیون انسان در اثر جنگ حیات خود را از دست داده اند. جنگ به خاطر منافع سرمایه داران، جنگ به خاطر استعمار و استثمار منابع ملی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان. در مقابل همه ی تهدیدات و همه ی رنج و زندگی مشقت بار و این همه آوارگی به خاطر حفظ صلح و آرامش بین خلقها چه برنامه باید داشت و وظیفه انسانها در مقابل این تفکر و ایده های جنگی چگونه باید باشد.

در مقابل این همه سلاحهای جنگی که امپریالیستها انباشت کرده اند و یا با جمع کردن این سلاحها خون میلیونها زحمتکش را به شیشه کشیده اند و دمار از روزگار کارگران و زحمتکشان کرده زمین به خصوص خلقهای جهان سوم درآورده اند به چه اندیشه ای و تدبیری می توان دست زد.

دوران بسیار حساس تاریخی، و دوران سخت و ظلمانی را پشت سر می گذاریم. دورانی که سرمایه با تمام نیرویش خود را به نمایش گذاشته و مانند سگهای هار جان موجودات زنده در روی کره زمین را تهدید می کند.

در این گذار تاریخی راهی جز حضور فعال نیروهای معتقد به صلح و سوسیالیسم در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی که می تواند راهگشای رسیدن به یک زندگی بهتر را نوید دهد وجود ندارد.

عمده ترین وظیفه جنبش جهانی صلح در این مقطع حساس از دوره تاریخی که می توان آن را گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم یا بهتر بگوییم وجود پدیده های نو در مقابل پدیده های کهنه و پوسیده سرمایه داری است، چیست؟ وجود تئوریهای انسانی و وجود ملموس زیباییها در مقابل زشتیها. می توان این نا امیداری را در قلبهای مردم کره زمین دوباره به امید تبدیل کرد. می توان این خستگی را از تن و جسم انسانها بیرون کشید. می توان مردم را در مقابل یک حیات پر از عشق و آزادی در مقابل یک زندگی پر از معنی و مفهوم در مقابل یک زندگی انسانی بسج کرد. مردم دنیا به حد کافی با جنگ و سلاح آشنایی پیدا کردند. کشتار دسته جمعی مردم هیروشیما - بمباران ویتنام و همین اواخر شاهد لشکرکشی آمریکا تحت پوشش ناتو به بهترین نقطه جهان، کوزوو - و کشتار مردم، بقیه در صفحه ۱۹

**انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشاتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزنی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزنی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت دولت موقت، از مهدی سامع - دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم - طرحهای شورای ملی مقاومت
- ۷- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی - سنگر مقدم: لنینیسم از منصور امان
- ۸- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۹- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۰- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- ۱۱- چه کسی بر سر دوازه قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۲- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۳- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۴- سوسیالیسم و سندیکاها
- ۱۵- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- ۱۶- نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قصیم
- ۱۷- گفتگو با مارگرت میچرلیش، مترجم: کریم قصیم

**منتشر شد**



**سیاوشان**

یادواره جان باخنگان حزب رنجبران ایران  
 باقر مرتضوی  
 برای دریافت این کتاب با شماره فاکس زیر  
 در آلمان تماس بگیرید  
 ۴۹-۲۲۱-۴۰۵۷۶۷

**ارس**

**در شبکه جهانی اینترنت**

<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبرد خلق را مطالعه کنید.

از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

**جنگ خبر**

**اخبار روز را در آدرس زیر بر روی اینترنت مطالعه کنید.**

[http://www.geocities.com/jong\\_khabar/jong\\_khabar](http://www.geocities.com/jong_khabar/jong_khabar)

اطلاعیه ها و اخبار را برای اطلاع دیگران به آدرس زیر ارسال کنید.

[jong\\_khabar@yahoo.com](mailto:jong_khabar@yahoo.com)

**جنگ به خاطر صلح**

بقیه از صفحه ۱۸

اوارگی، درگیری همه و همه گویای حقیقتی تلخ از جنگ به نمایش می گذارد.

و این کشتارهای جدید که امپریالیستها به راه انداختند. اخیراً با یک شیوه و متد جدیدی خود را در خاورمیانه بخصوص در جهان سوم به نمایش گذاشته است. رژیمهای وابسته به امپریالیسم و استعمار بین المللی تمام منابع طبیعی و ملی خلقهای خود را به راحتی صرف خرید سلاحهای اتمی و شیمیایی می کنند و در این میان خاورمیانه پایگاه مهم امپریالیسم جهانی گردیده و سیاستهایی که پشت این جریان مخوف و ضد بشری و ضد آملهای بشری در شرف تدوین است، برای نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان که به خاطر آزادی و استقلال و به خاطر صلح و سوسیالیسم وارد نبرد شده اند و توانسته اند مواضع مشخصی را اتخاذ کنند پوشیده نیست.

در این میان ایران توانسته مقام بسیار بزرگی را در خاورمیانه به خود اختصاص دهد. و این وضعیت بحران عمیقی را از نظر اقتصادی و سیاسی، اجتماعی به ارمغان آورده است. همین عمیق بودن بحران در ایران باعث شده مردم در وضعیت بسیار بدی به حیات خود ادامه دهند. رژیم ته مانده بودجه را تماماً صرف مخارج اطلاعات درون مرزی و برون مرزی نماید تا بتواند از این طریق جلو خواستهای مردمی را سد کند و یکت جریان ضد مردمی در مقابل مبارزه حق طلبانه خلق ایران بوجود آورد.

این تمام قضیه نیست بلکه با تمام نیرو به حرکتهای پان اسلامیستی خود در منطقه دامن زده و با تبلیغات دروغین خود تا به حال توانسته ثبات سیاسی خود را حفظ کند. و همه بر این امر واقفند که طی این بیست سال خلقهای ایران آماج سرکوب مداوم نیروهای ضد بشری و وابسته به امپریالیسم جهانی شده اند. از جمله کردستان ایران با سلاحهای خریداری شده زیر بمباران شدید قرار گرفته اند. و این بمبارانها تا به حال هزاران هزار کشته و زخمی به جای گذاشته و هزاران هزار آواره.

هم چنین سرکوب مبارزه حق طلبانه خلق آذربایجان، خلق ترکمن، بلوچستان، قزوین و دیگر جاهای ایران همین طور آماج حملات و سرکوب قرار گرفته اند. ولی با تمام این سرکوبها خلق ایران دست از مبارزه علیه رژیم نکشیدند بلکه به سازماندهی صحیح و بسیج عمومی دست زده اند و اعتراض عمومی مردم ایران علیه خرید سلاح و استفاده سلاح در کشتار مردم راهگشای یک صلح دائمی را تداوم می بخشد.

و همین طور نیروهای مترقی در ایران نیز خواستار برچیده شدن سلاحهای شیمیایی و هسته ای هستند. نیاز تمام قشرهای زحمتکش دنیا و کلا نیاز بشریت برای آرام زیستن در کنار صلح ضروری به نظر می آید. دیگر در این دوره از تاریخ بشریت از جنگ و گریز، بی امنیتی، نداشتن ثبات اقتصادی، سیاسی، فقر، گرسنگی، کشتار به تنگ آمده اند. به خاطر همین امپریالیسم در لبه خطرناکی ایستاده است و زمانی به زوالشان نمانده و این گویای حقیقتی تاریخی است. □

**NABARD - E - KHALGH**

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by :

NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 180 21. May . 2000

NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex / FRANCE \*\*\*

NABARD P.O Box 10400 London N7 7HX ENGLAND \*\*\*

NABARD P.O Box , 710631 Herndon, VA 20171 U.S.A \*\*\*

NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA \*\*\*

E.Mail: [nabard@club-internet.fr](mailto:nabard@club-internet.fr)  
[nabard@hotmail.com](mailto:nabard@hotmail.com)  
 صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روی شبکه اینترنت [http:// www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

**نبرد خلق**

**ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

مدیر مسئول : زینت میرهاشمی

چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD B.P 20 91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE  
 Fax: USA / 1- 703 904 78 10  
 Italia / 39 - 085 802 23 56

**فرم اشتراک نبرد خلق**

Name : .....

Address : .....

**بهای اشتراک سالانه نبرد خلق**

۷۵ فرانک فرانسه اروپا  
 ۱۸ دلار آمریکا آمریکا و کانادا  
 ۷ فرانک فرانسه تک شماره

**حساب بانکی سازمان**

SOCIETE GENERALE نام بانک :  
 BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک :  
 FRANCE  
 03760 کد گیشه  
 00050097851 شماره حساب :  
 Mme. Talat R.T نام صاحب حساب :

## عملیات مجاهدان

شهید عبدالکریم محمودی -

حمید رضا لشکری و

عملیات دانشگاه رازی

خمپاره باران ستاد فرماندهی

نیروی انتظامی رژیم آخوندی

مقر فرماندهی پاسدار لطفیان و

پاسدار نقدی در تهران

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور، تهران در ساعت ۸/۳۰ دوشنبه شب ۱۲ اردیبهشت اطلاعیه زیر را صادر کرد: «ستاد فرماندهی نیروی انتظامی رژیم آخوندی و مقر فرماندهی پاسدار هدایت الله لطفیان فرمانده نیروی انتظامی کل کشور و پاسدار محمدرضا نقدی فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در میدان ونک شهید عبدالکریم محمودی و حمیدرضا لشکری که دو روز پیش در آبدانان ایلام به شهادت رسیدند، خمپاره باران گردید. این عملیات بزرگ در همبستگی با تظاهرات و اعتصابات سراسری دانشجویان دانشگاههای سراسر ایران که با شعار مرگ بر استبداد - زنده باد آزادی علیه استبداد مذهبی حاکم بر ایران به پا خاسته اند، صورت گرفت. بر خلاف دعاوی و دروغ پردازی رادیو و تلویزیون رژیم آخوندی مبنی بر هدف قرار گرفتن غیر نظامیان در یک مجتمع ورزشی و فرهنگی، هیچ مرکز یا فرد غیر نظامی هدف قرار نگرفته است و رژیم آخوندی قویا تلاش دارد هدف واقعی را پدیده پوچی کند.

همچنین ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۹ طی اطلاعیه ای خیر عملیات دانشگاه رازی را اعلام کرد.

بر طبق این اطلاعیه: «ساعت ۱۱ ونیم، شنبه شب ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۹، مقر نیروهای ویژه ضد شورش نیروی سرکوبگر انتظامی در استان کرمانشاه، به نام مردم و دانشجویان مجاهد و مبارز دانشگاه رازی کرمانشاه، در خیابان سیلو در مرکز شهر توسط واحدهای عملیاتی مجاهدین خمپاره باران گردید و در هم کوبیده شد. به این ترتیب شماری از هارترین سرکردگان و مزدوران سرکوبگر که جنایتها و شقاوتهای آنها عموم مردم استان کرمانشاه، به ویژه زنان و جوانان را به ستوه آورده بود، کشته و زخمی شدند.

اصابت خمپاره هایی که ظنین انفجار پیاپی آنها در مناطق وسیعی از شهر کرمانشاه شنیده می شد، هم چنین به انهدام قسمتهایی از مقر نیروهای ویژه ضد شورش منجر گردید و متعاقبا پاسداران و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی دشمن سراسیمه به خیابانها ریختند و با مسدود کردن جاده ها و خیابانهای اطراف به تشبیهات بیسوده ای برای کنترل اوضاع و ممانعت از انتشار اخبار مربوط به تلفات و خسارات خود مبادرت کردند.

## اخبار دانشجویی -

ربودن دو دانشجو

خبرگزاری فرانسه ۱۵ اردیبهشت: «روزنامه هم میهن گزارش داده است که دو روزنامه نگار دانشجوی از پلی تکنیک تهران ربوده شده اند و نفر سوم هم در یک خیابان مورد حمله قرار گرفته است. ربوده شدگان مدیر و سردبیر بولتن سیاسی «۲۳ مه» می باشند. این بولتن به مناسبت انتخابات سال ۱۳۷۶ که طی آن پریزیدنت محمد خاتمی هوادار اصلاحات به ریاست جمهوری رسید، ۲۳ مه (دو خرداد) نامیده شده است. در این گزارش اطلاعات بیشتری راجع به سرنوشت حسین کافی و آرش پهلوان ناصر داده نشده اما اضافه شده است که یک روزنامه نگار دیگر در خیابانی مورد حمله قرار گرفته است. صحبت از آدم ربایی یک هفته پس از آن صورت می گیرد که دانشگاه محافظه کار اکثر مطبوعات هوادار اصلاحات حامی خاتمی را تعطیل کرده است.»

## تظاهرات در دانشگاه ملی

تلویزیون رژیم ۹ اردیبهشت: «ساعت دو و سه دقیقه بامداد امروز حدود ۲۰۰ نفر در بیرون از محوطه خوابگاه دانشگاه شهید بهشتی در منطقه ولنجک دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان با آتش زدن تعدادی لاستیک در خیابان، بر ضد اقدام قوه قضائیه در تعطیلی موقت تعدادی نشریه شعاریه دادند. در میان تظاهرکنندگان حدود ۲۰ نفر نقاب بر چهره داشتند و تعدادی از آنها نیز با تلفن همراه سرگرم گفتگو بودند. با گذشت حدود ۲ ساعت و با تذکرات افراد نیروی انتظامی منطقه، این تظاهرات خاتمه یافت. یک مسئول وزارت کشور امشب به خبرنگار ما گفت: این تظاهرات فاقد مجوز قانونی بوده و وزارت کشور مجوزی برای برگزاری تظاهرات در اطراف خوابگاه دانشگاه شهید بهشتی صادر نکرده است.»

## اعتراض مجدد دانشجویان

دانشگاه فاطمیه قم

روزنامه آفرینش ۱۱ اردیبهشت: در آخرین ساعات روز گذشته دانشگاه فاطمیه قم مجدداً به تصرف دانشجویان درآمد. به گفته چند تن از دانشجویان که خاطر نشان می سازد که شب گذشته در دفتر نمایندگی روزنامه آفرینش حضور پیدا کرده بودند، ساعت ۱۸ دیروز که آخرین مهلت برای ثبت نام دانشجویان مشخص شده بود و تنها تعدادی معدودی از دانشجویان اقدام به ثبت نام کرده بودند، تعدادی از دانشجویان در بهای دانشگاه را بسته و دانشگاه را به تصرف خود درآوردند. این دانشجویان اظهار داشتند که امروز یکشنبه از ورود پرسنل اداری این دانشگاه جلوگیری به عمل خواهد آمد. گفته می شود این اقدام در اعتراض به عملکرد پرسنل جدید دانشگاه صورت گرفته است. دانشجویان روز گذشته با صدور بیانیه ای دانشگاه فاطمیه را تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام کردند.

## تحصن اعتراض آمیز

دانشجویان دانشگاه

آزاد زاهدان

روزنامه همشهری ۲۲ اردیبهشت: «دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان در مقابل استاد سرای دانشگاه در اعتراض به وضعیت کنونی به تحصن دست زدند. این دانشجویان در شعارهایی خواستار استعفای رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان شدند و مدتی شعار مدیر بی کفایت، استعفا، استعفا را سر دادند.

## ضرب و شتم یک دختر

دانشجو در دانشگاه آزاد

روزنامه همشهری ۲۲ اردیبهشت: «دانشجویان دانشگاه آزاد در اعتراض به ضرب و شتم یک دختر دانشجوی روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت دست به تحصن زدند. روز دوشنبه ساعت ۱۵/۳۰ در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز مجتمع ولیعصر (دانشگاه علوم اجتماعی و ارتباطات) فردی که خود را از نیروهای امر به معروف معرفی می کرد با یک دختر دانشجوی برخورد و او را مورد ضرب و ستم قرار داد. این رفتار با اعتراض و تحصن دانشجویان روبرو شد.

پس از پیگیری مسئولان مشخص شد جوان ضارب اکبر یوسفی نام داشت و از افراد حراست دانشگاه نبوده است بلکه از بیرون دانشگاه آمده و به نظر خودش قصد امر به معروف داشته است. در تجمع و تحصن دانشجویان که با حضور دکتر اقبال رئیس دانشگاه برگزار شد یکی از دخترهای دانشجوی ضمن انتقاد به مسئولان دانشگاه گفت: چگونه ممکن است او به راحتی به دانشگاه راه یافته باشد؟ وی گفت ما همیشه برای ورودمان باید کارت نشان بدهیم ولی او بدون این که کسی بفهمد وارد شده و این چنین برخوردی با دانشجویان داشته است. یکی از خواهران مسئول ارشاد با دانشجویان درگیر شد که دکتر اقبال رئیس دانشگاه در این میان از خواهر مسئول ارشاد خواست محل تجمع دانشجویان را ترک کند. دانشجوی دیگری با اعتراض به ضرب و شتم این دختر دانشجوی گفت: مسئولان دانشگاه فقط زمانی که مسائل و مشکلات به حد انفجار می رسد اجازه می دهند حرف بزنیم و اعتراض کنیم اما مدتهاست که ما دنبال یک تشکل صنفی برای دفاع از حقوقمان هستیم که اجازه نمی دهند. در پایان دکتر اقبال رئیس این دانشگاه ضمن تهیه شکایتنامه ای برای ارسال به قوه قضائیه به منظور مجازات ضارب، گفت: من نیز به وجود برخی از ناپسانمیانها در محیط دانشگاه معترفم و معتقدم که سختگیری در مورد خواهران به مراتب بیش از برادران بوده است. ارتباط در حد ضرورت بین دختران و پسران را هم شرعی و هم قانونی می دانم.»

## شهادت فدایی

خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داور - امیرپرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برادران - خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلیمی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موچالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعالی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرزاد - مهنوش آذریون - شاپور جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای درخیمان دستگیر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

## یاد فدایی شهید، رفیق

شاپور جلیلی گرامی یاد

رفیق شاپور در سال ۱۳۴۰ در روستای کهنه شهر، شهرستان سلماس از توابع استان آذربایجان غربی به دنیا آمد. پدر وی معلم روستاهای آذربایجان بود و خود وی دانشجوی سال اول دانشگاه تبریز بود. همزمان با تحصیل در بخش دانش آموزی و دانشجویی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فعالیت می کرد و در مرداد ماه سال ۱۳۶۰ توسط مزدوران رژیم دستگیر می شود. رفیق در تمامی مراحل شکنجه و بازجویی لب به سخن نمی گشاید. در اسفند ماه ۱۳۶۰ با اعدام محکوم می گردد و در شب عید یک درجه تخفیف داده و به حبس ابد محکوم می گردد. موسوی تبریزی جلاذ خلق آذربایجان که تحمل زنده ماندن رفیق را نداشت بعد از مراسم ماه (خرداد ۱۳۶۱) فرمان تیرباران رفیق را صادر می کند. رفیق شاپور هنگام رفتن به میدان تیر با شادی می گفت امروز من هم به دیگر رفقای شهید فدایی می پیوندم. یادش گرامی باد.

## یک عقب نشینی دیگر

رادیو رژیم ۱۱ اردیبهشت: «به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و موافقت مقام معظم رهبری، مجازات ۴ نفر از محکومان به اعدام حادثه کوی دانشگاه تهران به ۱۵ سال زندان تقلیل یافت. قوه قضائیه اسامی این محکومان را به این شرح اعلام کرد: آقای مهرداد سهرابی فرزند علیرضا، آقای احمد باطبی فرزند محمد باقر، آقای عباس دلدار فرزند علی و آقای اکبر محمدی فرزند محمد.